

در صفحات دیگر این شماره:

- جنگ داخلی، اجتناب ناپذیر است ۹ صفحه
- رزمندگان و راه کارگر: از حرف تا عمل (۲) ۲۳ صفحه
- تفرانس سران عرب توطئه ای علیه خلقهای عرب ۲۴ صفحه
- مصاحبه با رفقا حسین روحانی و تراب حق شناس پیرامون تماس با آیت الله خمینی در نجف (قسمت آخر) ۱۵ صفحه
- تجربیات مبارزات قهرمانانه طبقه کارگر لهستان علیه سرمایه داری دولتی (۱) ۱۱ صفحه

آمل: نهاجم کسنزده ارتجاع به انقلاب و کشتار انقلابیون

بدینال خیرانی "آست"

مزدور و تحریک نوده های متوهم و سازماندهی باندهای جماعتدار و جا توکش توسط او، روز سه شنبه ۱۱/۹/۵۹، وباش و مزدوران رژیم جمهوری اسلامی به نیروهای انقلابی شهر حمله کرده و ضمن ضرب و حراج انقلابیون، کتا بخا نه های موجود در شهر را به آتش کشیدند. مردم زحمتکش آمل و نیروهای انقلابی بقیه در صفحه ۲۱

جنایات رژیم جمهوری اسلامی در روستاهای کردستان یاد آور جنایات اسرائیل در فلسطین و آمریکا در ویتنام است

۵ صفحه

لیبرالیسم: ایدئولوژی ضد انقلابی طبقه سرمایه دار!

۱۳ صفحه

سرمقاله

جنگ قدرت و سیاست خارجی رژیم

دو هفته پیش در همین ستون از اوچگیری جنگ قدرت در درون هیات حاکمه با شما سخن گفتیم و اشاره کردیم که این به معنی وحدت باسی تفادهای درونی رژیم و ناشی از شدت و افزایش بحران اقتصادی و سیاسی موجود در جامعه بویژه پس از جنگ ایران و عراق است. هم اکنون با ایدامافه کنیم که این روند همچنان با شدت بیشتر و در اشکال جدید تر و طبعاً تا آنجا که "میناق وحدت" اثنان راد سرکوب جنبش توده ای و نیروهای انقلابی بقیه در صفحه ۲

آوارگان جنگ و رژیم جمهوری اسلامی

۲۵ صفحه

سخنان وزیر کار:

بیان خواسته های طبقه کارگر
یا حزب خائن توده؟! ۳ صفحه

امپریالیسم جنایتکار آمریکا و بودجه نظامی آن

۲۴ صفحه



۱۶ آذر، عید خون دانشجوی گرامی باد ۷ صفحه

یک ربع قرن از قیام باشکوه
خلق قهرمان آذربایجان گذشت

۲۱ آذر

سالگرد یاد پیروزی،
سالگرد شکست

۱۹ صفحه

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

جنبش کارگری



زندگی در زیر رگبار گلوله‌ها: شرط پرداخت حقوق کارگران آبادان!

مقامات رژیم اعلام کرده اند هر کارگر آبادانی که میخواهد حقوقش را بگیرد باید به شهر بیاید و گرنه نه تنها از حقوق خبری نیست بلکه اخراج هم خواهد شد. این حکم در شرایطی صادر میشود که هر دقیقه یک خمپاره در نقاط مسکونی شرفروزمی آید. مثلاً روز ۲۴/۸ که کارگران برای دریافت حقوقشان در محل ستاد تعمیرات بریمشالی، اجتماع کرده بودند، این محل مورد اصابت خمپاره قرار گرفت که موجب وحشت شدیدی کارگران گردید. رژیم با اینگونه اعمال فتنه‌های ضد مردمی خود، کارگران (و بخصوص کارگران بیمانی که دچار فقر شده‌اند) را بر سر دوراهی قرار میدهد که یا باید تن به اخراج و گرسنگی خود و فرزندان نشان بدهند و یا در شهر بمانند و هدف خمپاره‌های مزدوران بعثی قرار گرفته و گوشت دم‌توپ سرمایه‌داران گردند. این امر نه تنها بی‌انگاری توجیهی رژیم به جان زحمتکشان است، بلکه این سؤال را مطرح میکند که آیا رژیم در کشتار زحمتکشان ایران، کمتر از رژیم عراق مقصراست؟

پلایشگاه اصفهان:

روز چهارشنبه ۱۳۵۹/۹/۵ کارگران پلایشگاه ناهدمرک دلخراش یکی از همکاران خود بودند. او که عبدالله بلدی فروشانی کارگر تعمیرات (مکانیک) بود در حین کار از روی داربست سقوط میکند و بعضی رسیدن به بیمارستان جان خود را از دست میدهد. علت سقوط این کارگر زحمتکش، بیپوشی ناشی از مسمومیت هوای آلوده به گاز مازو در پلایشگاه بود. در صورتیکه هم‌میزان آلودگی هوا سنجیده می‌شد و هم کارگرانی که روی داربست کار می‌کنند از کمربند ایمنی برخوردار می‌بودند که از هیچ‌کدام خبری نبود عدم وجود وسایل ایمنی تاکنون موجب مرگ بسیاری از کارگران گردیده است و این هم‌دلیلی نادر و مگر سودجویی سرمایه‌داران و بی‌ارزش بودن جان زحمتکشان برای آنها تنها با نابودی سرمایه‌داری وابسته، میتوان جلوی تکرار اینگونه حوادث را گرفت.

گیلان:

اخیراً استاندار رضا کارگر جمهوری اسلامی، به‌بهانه جنگ مبلغ ۵۰۰ تومان از حقوق ۱۸۰ کارگر جدیداً استخدام کرده است. همچنین طبق بخشنامه نخست وزیری شما می‌افزاید که کارگران از تاریخ اول آبانماه بقیه در صفحه ۱۰

سخنان وزیرکار: بیان خواسته‌های طبقه کارگر یا حزب خائن توده؟!

رویزیونیست‌ها، دارودسته حزب توده است که همواره در ضدیت با طبقه کارگر و سرمایه‌داران دفاع از رژیمهای سرمایه‌داری پرداخته است. اخیراً این دارودسته در روزنامه خود مطلبی درج کردند که با ردیکر ما هیت زدکارگری آنها را، تمام و کمال به تمایش می‌کند.

بقیه در صفحه ۱۱

رویزیونیست‌ها، عوامل سرمایه‌داران هستند که تحت پوشش "دفاع از منافع طبقه کارگر"، در واقع بدنیاال تامین منافع اربابان خود هستند و غالباً با اتفاق می‌افتد که این خائنین به طبقه کارگر، گامه‌ها را از آن‌ها گرفته و در موجهه جلوه‌دادن استثمای سرمایه‌داران، از خود آنها بیشتر "تلاش" میکنند، در ایران، کهنه‌ترین

کارگران مینو خواهان پرکناری "هیأت مدیره" ضد انقلابی کارخانه هستند!

وبه‌سختی مجروح شد. اکثریت کارگران به‌تازگی به این عمل خیره شدند. و آنهایی که از ما حیران خبرند اشتند از این کارنا راحت شدند. مفیدی با ردیکر میکروفون را در دست گرفت و کارمندان را "مشتی رستاخیزی" معرفی نمود و گفت ما "مکتبی هستیم" و "مکتبی عمل میکنیم" و مخالف چپ‌نماها و فدایی‌ها، مجاهدینکار پیما... هستیم که هر چه زود - تریبوسوله انجمن اسلامی آنها را تصفیه خواهیم کرد. روز بعد از صحبت‌های مفیدی، پاسداران تعدادی از کارمندان خوراک و کارمندان زن را دستگیر کرده و به گمبسته می‌برند. کارگران و کارمندان که از این موضوع مطلع میشوند، به سازمان صنایع ملی رفته و خواستار برکناری مفیدی میشوند و نیز کارگران قسمت ساخت دارو تا ساعت ۹ صبح کار نمی‌کنند. مفیدی در این روز گفت: "که عده‌ای قصد رفتن به سازمان صنایع را دارند و من خودنما بنده این سازمان هستم و کار آنها توطئه‌ای بیش نیست."

در اجتماع کارمندان و کارگران سازمان صنایع ملی در مقابل خواست آنها که "برکناری هیئت مدیره جدید" بود، سلب مسئولیت میکند و آنها را به وزارت صنایع و معادن حواله میدهد هم‌اکنون کارخانه مینو در وضع ناآرامی بسر می‌برد و خطرا اخراج کارگران مبارز و مترقی احساس میشود.

جندی پیش کارمندان شرکت خوراک (وابسته به شرکت پارس مینو) به‌عنوان اعتراض به: ۱- انحلال شورای کارمندی توسط هیئت مدیره جدید ۲۰ - تعویض شغل ۳۰ - پرداخت ۱۰۹ هزار تومان به‌سه‌عابل مزد و خروشا‌هی که بوسیله هیئت مدیره قدیم اخراج شده بودند. (البته این سه نفر بوسیله هیئت مدیره جدید برکنار شده‌اند). در سالن اداره مرکزی واقع در کارخانه مینو اجتماع کردند، و در آنجا به افشای هیئت مدیره جدید پرداختند. در این اجتماع مهندس پوردیبا یکی از اعضای هیئت مدیره قدیم حضور داشت.

مفیدی مدیرعامل هیئت مدیره جدید که از دیدن این اجتماع وحشت زده شده بود، بوسیله بلندگوی کارخانه از کارگران خواست که جلوی اداره مرکزی اجتماع کنند. مفیدی در این صدا صحبت کارمندان شرکت را مشتاقانه "آجراجو" و "هرج و مرج طلب" قلمداد نمود و گفت که اینها میخواهند هیئت مدیره منتخب دولت را برکنار کنند و نیز "اینها کارگران را بی‌شعور و ناگناه میدانند، و بدلیل ترتیب کارگران را بر علیه کارمندان تحریک میکند. در این موقع مهندس پوردیبا اجازه صحبت خواست ولی مفیدی به او اجازه نداد در میان اجتماع عده‌ای خواستار صحبت پوردیبا شدند. همین که پوردیبا میکروفون را بدست گرفت مورد حمله مزدوران قرار گرفت.

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

وظایف عملی ما در قبال جنبش کارگری و توده‌های



تبلیغ از دیدگاه مارکسیسم - لنینیسم (۸)

ب- مشخصات تبلیغ

در شماره‌های گذشته توانیم تبلیغ را بررسی کردیم، اینک اردل آن خوانین مشخصات تبلیغ را بیرون می‌کشیم.

۱- تبلیغ برانگیزاننده است

در بیان اولین قانون تبلیغ گفتیم (پیکار ۷۸) که "تبلیغ بایستی روحیه تسلیم و رزخودتوده‌ها را در هم کوبد و روحیه خشم و طغیان آنان را برانگیزد و در جهت انقلاب این "خشم مقدس برانگیخته شده توده‌ها" را سازمان دهد و به کار گیرد."

پس تبلیغ برانگیزاننده است و بایستی با تاکید بر اغرای انقلابی توده‌ها، آنها را در جهت انقلاب برانگیزد.

لنین به روشنی تمام این برانگیزانندگی تبلیغ کمونیستی را اعلان جنگ می‌نامد: "حمیقت کوشی در راه زندگی کارگری، همه را بوجد می آورد، بیان عفت مانده سرسبز کارگران هم یک شور و شوق واقعی بسرای طبع و بشر، شور و شوق غیورانه‌ای برای این شکل ابتدائی جنگ علیه تمام مظاهر اجتماع اجتماعی امروزه، که پایه آن بر غارت و تعدی مبتنی است، بیدارند و حقیقتاً هم این "جنگ نام‌ها" در اکثر موارد همان اعلان جنگ بود، زیرا که این افشاگریها، تاثیر فوق العاده هیجان آوری می بخشید و باعث این میشد که تمام کارگران رفیع این سی تربیتی های نفرت انگیز را خواستار گردند و آمادگی خود را برای پشتیبانی از این خواستها بوسیله اعصاب، اعلام نمایند." (۱)

پس: "تبلیغ کمونیستی، توده‌ها را به وجد می آورد، شور و شوق غیورانه‌ای در آنها ایجاد میکند، تاثیر هیجان آوری می بخشد و باعث میشود که توده‌ها بر علیه ستم‌طلبی برانگیخته شده، دست به مبارزه انقلابی بزنند و در حقیقت تبلیغ یک "اعلان جنگ" تمام عیار به صورتی است.

تبلیغ بایستی آن احساساتی را در توده‌ها بیدار کند و برانگیزد که برای انقلاب مفید است. لنین در گفتاری با کورکی گوئی روی سخنش با همه تبلیغین کمونیست است که با تاکید

بسیار بر برانگیزش روحیات انقلابی توده‌ها بگوید:

"آیا درماندگی و زندگی رفت بار! (خلق تحت ستم - پیکار) برای این نیست که ما گفته‌هایی که مشوق روح اوست، به موقع به او کمک نشده است... آیا می توانی آن خنده نشاط بخشی را که روح انسان را جلا می دهد، برانگیزی...؟ حواست را جمع کن، حق موعظه کردن ننهسا روی این اصل کلی بنوداده میشود که توانائی بیدار کردن احساسات واقعی و صادقانه مردم را داشته باشی، با بنوائی به کمک آنها، بپنگ مانند، سعی از صورتهای زندگی را خراب کنی، در هم بریزی و به جای این زندگی تنگ و تاریک، زندگی آزادتر دیگری را ایجاد کنی، خشم، کینه، شرمساری، نفرت و با لآخره با این یعنی آلوده هر ماهی هستند که به مدد آنها میتوان در دنیا، همه چیز را در هر ریشه نابود ساخت. آیا میتوانی چنین اثرهایی بسازی...؟" (۲)

بموقع بودن آن استنتاج میشود. تبلیغ بایستی بموقع دشمنان توده‌ها را افشا کند چرا که آگاه شدن توده‌ها را: "مناظر زنده و افشای بدون فوت وقت آن چیزهایی میسوا ندیدست دهد که در لحظه کنونی در پیرامون ما روی میدهد." (۳) تبلیغ بایستی بموقع رهنمود مبارزاتی بدهد بدون تبلیغ بموقع نمی توان اعتماد توده‌ها را برای رهبری مبارزاتشان بدست آورد و نمی توان با افشای بموقع دشمنان توده‌ها آنها را به مبارزه کشید. لنین میگوید: بهترین دعوت توده‌ها به مبارزه، گرفتن بموقع مجرمین جنایت است:

"اما در باب دعوت توده‌ها به فعالیت، باید گفت که هر آینه تبلیغات جدی سیاسی و افشاگریهای روشن و جانبدار عملی شود، آنوقت این امر خود بخود صورت خواهد گرفت. مجرمین مجرم را در حال ارتکاب جرم کشتن و رسوا کردن وی در همان ساعت در مقابل عام، این بخودی خود از هر گونه دعوتی اثرش بهتر است. اثر این امر غالباً چنان است که بعداً حتی نمی‌شود معلوم کرد که در حقیقت چه کسی توده را دعوت کرده و... (۴) (همه تاکیده‌ها، در نقل قول - های این مقاله از ما است.)

پس تبلیغ بایستی زنده، جاندار و بموقع باشد. افشاگری بدون فوت وقت انجام گیرد و مج دشمن طبقاتی در حین ارتکاب جرم گرفته شود. در چنین حالتی است که تبلیغ میتواند توده‌های بیشتری را آگاه کرده و به مبارزه انقلابی بکشد.

عدم تبلیغ بموقع در حقیقت باری کردن به مجرم در فرار از اثبات گناهاش نزد توده‌هاست.

- ۱) تبلیغ کمونیستی، توده‌ها را به وجد می آورد، شور و شوق غیورانه‌ای در آنها ایجاد میکند و تاثیر هیجان آوری می بخشید و باعث میشود که توده‌ها بر علیه ستم طبقاتی برانگیخته شده، دست به مبارزه انقلابی بزنند و در حقیقت تبلیغ یک "اعلان جنگ" تمام عیار به صورتی است.
- ۲) تبلیغ بایستی زنده، جاندار و بموقع باشد. افشاگری بدون فوت وقت انجام گیرد و مج دشمن طبقاتی در حین ارتکاب جرم گرفته شود. در چنین حالتی است که تبلیغ میتواند توده‌های بیشتری را آگاه کرده و به مبارزه انقلابی بکشد.

تبلیغ یک مسئله اساسی روزاگر در انجام گیرد مانند غذای لذیذی است که پس از چند روز ماندن دیگر هرگز کتونه ارزش غذایی خود را از دست داده است. تنها با تبلیغ بموقع میتوان حضور فعال خویش را در عرصه مبارزه طبقاتی نشان داد و با هر جنایت دشمن، توده‌ها را فوراً آگاه ساخت

تبلیغ بموقع نشریه روزانه تبلیغی را برای سازمانهای کمونیستی طلب میکند و در فقدان چنین نشریه روزانه‌ای، تراکتها و اعلامیه‌های افشاگرانه روزانه بایستی سریعاً بدون فوت وقت توده‌ها را آگاه کرده و هر چه بیشتر به مبارزه بکشد.

بقیه در صفحه ۲۱
(۱)، (۲)، (۳)، (۴) - چه با بگذرد، بخش سوم
(۲) - کورکی - هدف ادبیات .

پس تبلیغ کمونیستی با بدعش زندگی بهتر را در توده‌ها برانگیزد و عصیان بر علیه ستم طبقاتی را در توده‌ها به طغیان وادارند و با تاکید بر روحیات انقلابی توده‌ها، تبلیغ را در خدمت انقلاب درآورد. بر عکس، تبلیغات رویز-یونیستی میخواهد از برانگیخته شدن احساسات انقلابی توده‌ها جلوگیری و تبلیغات آنازیستی نیز میخواهد فقط احساسات برانگیخته شده مشت را روشنگر جدا از توده‌ها را ضایع کند.

۲- تبلیغ کمونیستی بموقع انجام میگیرد

در بیان قانون دوم تبلیغ در پیکار ۷۹ گفتیم که تبلیغ کمونیستی بایستی به اساسی - ترس نیاز توده‌ها در هر مقطع تاریخی پاسخ بگوید، بدین ترتیب مشخصه دوم تبلیغ یعنی

خلق ها و مسئله ملی



دروود بر...
دروود بر شهسادهای روستاهای ایند رقاش، یوسف کند، صوفیان، و سه روکانسی.

گرامی باد...
گرامی باد خاطره پیشمرگان انقلابی کومه، رفقای شهید، کاک علی قطبی و کاک باهیز دانشمایی.

گشتنار پیر حمانه در روستاهای کردستان

قتل عام زحمتگشان روستای صوفیان در اشنوبه

جنايات رژيم جمهوري اسلامي در روستاهای کردستان یاد آور جنايات اسراییل در فلسطین و آمریکا در ویتنام است

در فلسطین و آمریکا به دهکده "میلان" ویتنام و دیگر امیریا لیستهای در روستاهای سیا هیوست نشین آفریقا و دیگر نقاط جهان انجام داده اند و براساسی که رژیم جمهوری اسلامی نیز بواسطه جناياتی که در ایران و از جمله در روستاهای کردستان انجام میدهد. همدست با امیریا لیستها و صهیونیستها میباشد.

کشتار خلق کرد بویژه در روستاهای کردستان ایضا دگسترده تری بخود گرفته است. مزدوران رژیم، با سداران، ارتش، حاشهای منفور، کمیته جی ها، ملاحسنی و دیگر مرتجعین، براساسی که با جنايات و وحشیگریهای خود، روی سر بسازان اسراییل و امیریا لیسم آمریکا را سفید کرده اند آنها به دهکده ها حمله میکنند. اهالی زحمتکش و بی دفاع را قتل عام میکنند، چشمانشان را از حدقه درمی آورند، با سا طور و قومه... مجروحان ساخته و فلج میکنند. مزدوران رژیم خرمنها، گندمها و غلوفه های دامی دهقانان را آتش می زنند، خانه و دکانهای مردم بی دفاع را غارت و به آتش میکشند و به زنان و دختران و روستاییان تجاوز میکنند. آنها تا بحال اهالی روستاهای تارنا، کانی مام سید، قهلاتان، ایند رقاش، یوسف کند و صوفیان، سه روکانی را قتل عام کرده اند، و دهها روستای بزرگ و کوچک را با حملات مستقیم خود و با با شلیک توپ و خمپاره راکت و گلوله تا بسود کرده اند.

کشتار در روستاهای، شیوه دیگری است که رژیم جمهوری اسلامی برای سرکوب کامل جنبش مقاومت خلق کرده تا ذکر شده است. این کشتار جزئی از توطئه های گسترده و جناياتی که رژیم جمهوری اسلامی برای تسخیر کامل کردستان و برقراری حاکمیت خونین خود در این منطقه میباشد. رژیم علاوه بر سرکوب مقاومت خلق کرد در شهرها، از کشتار روستاییان اهداف زیر را دنبال میکند:

۱ - سرکوب جنبش مقاومت خلق کرد با کشتار روستاییان در جهت بزنانوردن و بردن زحمتگشان روستاها:

می دانیم که جنبش مقاومت خلق کرد، علاوه بر کارگران و زحمتگشان شهری، عمدتاً بر بقیه در صفحه ۸

آنچه که هم اکنون در کردستان می گذرد، تخریب و آوارگی است که اسراییل بسا کشتار در دهکده های "دیریا سین" و "کفر قاسم"

دو جناح ضد خلق در کردستان بجان هم افتاده اند

سنندج:

آنها طی حملاتی ضمن خلق سلاحهای مفتی - زاده، عده ای از آنها را دستگیر میکنند و عده دیگری از آنها فرار می نمایند. همزمان با این واقعه در کرمانشاه با سداران و جاشهای وابسته به آنها به خانه مفتی زاده ریخته و ضمن دستگیری مفتی زاده و ۱۴ نفر از محافظان مسلحش، تمام کتابها و جزوات موجود در خانه را توقیف و ضبط میکنند. لازم به یاد آوری است که قبل از این جریانات ۷۵٪ از تشکیلات جاشهای منفور ضد خلقی، طرفدار مفتی زاده بودند.

بدنبال اختلاف بین جاشهای مفتی زاده و جاشهای وابسته به سداران، در جریان تظاهرات فرمایشی ۱۳ آبان در سنندج، در میدان آزادی این شهر یک جاش مفتی زاده پس از درگیری لفظی با یک پ سدار و او را مجروح نمود. که در تیراندازی متقابل یک عا برنام "کیومرث حجت حلالی" کشته شد. این واقعه باعث شد که جناح جاشهای وابسته به رژیم در سیه با سداران ادغام شده و به خلق سلاح جاشهای مفتی زاده اقدام نمایند.

آدمکشان رژیم جمهوری اسلامی در روستاهای کردستان بیداد میکنند. روزی نیست که آنها دهکده ای را به آتش نکشند و خانه ها و مغازه های اهالی زحمتکش آنرا باروت نبرند. روزی نیست که این جناياتی که ران حرفه ای مزدور، زحمتگشان بک روستا را قتل عام نکنند. پس از قتل عام روستایان "ایند رقاش" و "یوسف کند" این جنايات خود را با دیگر روستاها تکرار کردند: روستای صوفیان در حد حفاصل جلدیان و اشنوبه قرار دارد. در تاریخ ۵۹/۸/۷ با سداران بدون هیچ بهانه ای به روستای صوفیان حمله کردند. اهالی مبارز روستا که پیش از این، وحشیگریها و جنايات با سداران را در ایند رقاش و دیگر روستاها دیده بودند، با کینه و نفرتی هر چه تمام تر سلاح بدست گرفته و به دفاع از زن و بچه ها و خانه های خود برخیزند. آنها طی نبردی قهرمانانه عده ای از با سداران ضد خلقی را به هلاکت میرسانند. اما بعلمت نداشتن سلاح سنگین و تجهیزات کافی ناچار به ترک روستا میگردد. پس از رفتن عده ای از اهالی از روستا، با سداران و حشبان به روستا حمله کرده و اهالی باقی مانده را عمداً از زن و مرد و کودک و پیر و جوان را زیر رگبار مسلسلهای خود میکشند. آنها با وحشیگری هر چه تمام تر ۱۲ نفر از اهالی زحمتکش را شهید و بیش از ۲۰ نفر را مجروح میکنند. اساسی شهدای "صوفیان" بشرح زیر است:

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

پیروزباد جنبش مقاومت خلق کرد



- ۱- زلیخا توحیدی ۲- محمدپورخضر ۳- سید -
- طه توحیدی ۴- عبدالرحمان خوشرو ۵- حسنه کبورد
- ۶- طاهر تظوران ۷- حاجی حسین پورخصیر
- ۸- رحیم شوان ۹- ملاحسین ۱۰- امین شوان ۱۱-
- سیدحسن شیخ محمدا مین ۱۲- ابوبکر قاضی زاده
- با داین شهدای خلق کرامی باد .

روستای سه روکائی پیرانشهر و قتل عامی دیگر

بعد از کشتار حنا بیتکارانه و فاشیستی رژیم در "ابندرقاش" و "موفیان" دژخیمان عده زیادی از اهالی سیدفاح "سه روکائی" (سروکائی) را قتل عام کردند. صبح روز ۵۹/۸/۱۹ عده زیادی از پاسداران ارتجاع و افراد سیخ مستضعفین و ارتش ضد خلقی مستفرد "پادگان جلدیان" دو دسته شده و بسوی روستاهای "کلی" و "سه روکائی" حرکت نمودند. به این هدف که اهالی سیدفاح این روستاها را قتل عام کرده و در نقطه ای بهم پیوندند .

دستهای از پاسداران و مزدوران بسوی "سه روکائی" (این ده در سین جلدیان - گرده - کشتا نه واقع شده و نسبتا ده بزرگی است و از دو پادگان جلدیان و بسوی بضاعه ۵ کیلومتری قرار دارد) حرکت نموده و در سبیده دم در نزدیکی روستا از خود روها بیاده شده و با پای پیاده از طلوع آفتاب از چند طرف بسوی آن پیشروی نمودند. و آن راه محاصره خود در آورده و شروع به سیراندازی کردند. اهالی روستا در لحظات اول وحشت زده شروع به بیرون بردن زنها و بچه های خود میکنند. اما چون از کشتار و وحشیانه اهالی سیدفاح روستاهای "ابندرقاش" و "موفیان" ... آگاه بودند تصمیم دفاع ناسرحدمگ میگیرند. زن و مرد و پیر و جوان با تفنگ، داس، سیل، کلنگ ... دفاع می پردازند. ولی بعلمت اینکه مهمات کافی و سلاح سنگین در اختیار نداشتند، و نیروی کمکی هم بعلمت وضعیت خاص روستا به آنها نمی رسید، پس از چندین ساعت مقاومت قهرمانانه عقب نشینی می نمایند. افراد دشمن تدریجا داخل ده شدند، عده ای از اهالی که هندسوز در سنگرها مقاومت میکردند با مزدوران کلاویز شده به جنگ تن به تن با آنها پرداختند .

عده ای از زنان نیز تنه مانا نه در ایسن درگیری شرکت جستند. در این نبرد عده زیادی از نیروهای دشمن کشته و زخمی شدند. نیروهای سرکوبگر پاسداران، افراد سیخ و ارتش مغولوار به هر جنسند ای که میدیدند تیراندازی میکردند آنها بزرگ و کوچک را قتل عام کردند قساوت و وحشیگری این دژخیمان روی فاشیستان تاریخ را سفید کرد. آنها بعد از درهم شکستن مقاومت مردم با فرادبا قیامانده در ده حمله کرده و با کمال بیشرمی ۱۷ نفر کودک و پیر و جوان روستا را به

- ۱۲- مصطفی حاجی احمد ۲۰ ساله
- ۱۳- حسین حاجی اسماعیل ۵۵ ساله
- ۱۴- فرزندانسه مان هه واره بی (گهواره اش در آتش سوخت)
- ۱۵- فرزندانسه عبداللهمرفان گردکسیان.
- ۱۶- ۱۷- یک زن و مرد و آواره هل "اشنویه".
- سه نفر نیز زخمی شدند.
- (بمنقل از خبرنامه ۹۳ کومله)

بقیه از صفحه ۱۴ **لیبرالسیم** . . .

لیبرالسیم، تنها سازش با امپریالیسم، حفظ و بازسازی سرمایه داری وابسته و ایجاد "نظم" و "امنیت" ضد انقلابی و "کاروکوش" بیشتر یعنی استثمار بیشتر برای زحمتگشان را نوید میدهد. لیبرالسیم، دشمن خطرناک دموکراسی واقعی، یعنی دیکتاتوری کارگران است، چراکه دیکتاتوری کارگران یعنی دیکتاتوری برای طبقه سرمایه دار و دموکراسی برای توده ها، و بهمین دلیل لیبرالها از آن متنفرند. در شماره بعد مفهوم واقعی دموکراسی را توضیح خواهیم داد و روشن خواهیم کرد که چه کسانی دموکراسی واقعی را برای توده ها به ارمغان می آورند.

لیبرالسیم، ایدئولوژی ضد انقلابی
بورژوازی را افشا و طردنما شیم!

شهادت رسانده و بدن آنها را با سرنیزه سوراخ سوراخ کرده و چشم آنها را بیرون می آورند و بدن عده ای را نیز با ساپورقما می و تیرقطعه قطعه کرده و آنها را مثل میگردند. از ۱۸۰ خانه ده ۱۳۰ خانه را آتش زدند. آنها چندین کودک را در حالی که در داخل گهواره شان بودند داخل آتش انداختند. مدها را س ازگا و گو سفند اهالی بر اثر دود آتش تلف شدند. چندین دستگه تراکتور و ماشین سواری را آتش زده و با خود بردند. جنایتکاران پس از غارت اموال مردم، روستارا که غرق در خون و آتش بود ترک کرده و صفحه ننگین دیگری را بر تن ریخ پرازدشمنی، قساوت و جنایت خود با خلقها و زحمتگشان افزودند .

- اسامی شهدای فاجعه "سه روکائی"
- ۱- درویش پنج برالان ۶۰ ساله
 - ۲- احمدکاک عمر ۷۰ ساله
 - ۳- ابراهیم گرمینی ۸۵ ساله
 - ۴- عابسه همسر رسول شالی ۵۰ ساله
 - ۵- خاتون کبیر ۷۰ ساله
 - ۶- قادر بیبیز ۳۵ ساله
 - ۷- حاجی مصطفی شاوله ۷۰ ساله
 - ۸- ماره شهل ۸۰ ساله
 - ۹- صوفی عهولا ۶۰ ساله
 - ۱۰- صوفی ابراهیم ۶۰ ساله
 - ۱۱- رسول حاجی حسین ۶۰ ساله

۱۶ آذر، عید خون دانشجوگرامی باد

در بیست و هفتمین سالگرد ۱۶ آذر،
دانشگاه در جنگال جمهوری اسلامی
به بند کشیده شده است.

راه‌برزیا لهدانی تاریخ افکند. اما همچنان
دانشگاه میدان نبرد علیه امپریالیسم باقی
ماند و رژیم جمهوری اسلامی نیز این راه‌گرز
بردا نشکاه نه‌خوشود.

بیست و هفتمین سالگرد ۱۶ آذر، در زمانی
بزرگزار میشود که دانشگاه‌ها این سنگر همیشه
پایدار آزادی بوسیله دژ خیمان آزادی به‌بند
کشیده شده است و رژیم جمهوری اسلامی ۱۶ آذر
دیگری در اول اردیبهشت ۵۹ پدید آورده، ۱۶
آذری که بسیار خونین تر و حماسه‌ای تراز ۱۶ آذر
شاه‌خا ش بود.

اگر شاه‌خا ش دانشگاه‌ها را می‌بست، به
خون میکشید و دانشجوران زندان و شکنجه میکرد،
جمهوری اسلامی نیز تاکنون در این آزمایش
شکنجه و کشتار روخفا ن کوتاه نیامده است.
زندانیان همچنان شکنجه‌گاه دانشجویان انقلابی
است و خون شهیدان اول اردیبهشت، علمی
شوشتریها، مودنها، معتدیهها، دانیالی‌ها و...
بر در و دیوار دانشگاه‌ها همچنان زنده و شاداب است.
تازمانی که امپریالیسم و ارتجاع وجود
دارد، ۱۶ آذرها و اول اردیبهشت‌ها به‌منشوان
نشانه‌ای از دشمنی آشتی‌نا پذیرتوده‌ها و
امپریالیسم و ارتجاع، دانشگاه‌ها همچون مشعلی
در شب تیره حکومتیهای فئودالی برخواهند
افراشت.

زحمتکشان و خلقهای قهرمان ایران!

خاطره سرخ ۱۶ آذرها، یادآور آنهمه
دلآوری دانشجویان انقلابی بر علیه رژیم شاه
خا ش است، اما آن دانشگاهی که شما با قیام
خود در بهمن ۵۷ گشودید، اینک با زبانه‌کشیده
شده است. آن زندانیان که در آن هزاران دانشجو
اسیر بودند و شما آنها را گشودید، اینک با زپراز
دانشجویان شکنجه‌دیده انقلابی است. آن آزادی
که شما بخاطرش هفتاد هزار شهید دادید، اینک در
چنگال رژیم جمهوری اسلامی با زهمه‌اسارت
درآمده است. طبیعی است رژیمی که به‌کشتار
کارگران و زحمتکشان می‌پردازد، رژیمی که
خلق کرد، ترکمن و... را بیرحمانه بمباران و
سرکوب میکند. رژیمی که همچنان به غارت و
استثمار زحمتکشان بسودا امپریالیسم می‌پردازد
و با تمام قوا سعی در بازسازی سیستم سرمایه-
داری وابسته دارد، باید که دانشگاه‌ها را ببندد و
باید که ۱۶ آذر خونین را در اول اردیبهشت با ر

۲۷ سال از ۱۶ آذر خونین گذشت اما اخگر
خاطره این روز همچنان تابناک است.
راز جادو دانی این روز کجاست؟
کودنای آمریکا ش ۲۸ مرداد بوقوع می -
پیوندد، رهبری خا ش حزب توده، بجای مبارزه
میکریزد و رهبری جبهه ملی نیز با باعلت
ماهیت سازشکارانه و جیوننا نه‌اش توان و بیارای
مقاومت ندارد. اما اگر رهبری خا ش است،
توده‌ها نمیخواهند سنگ شکست را بر خود همسوار
کنند و چنین است که دانشگاه بر علیه کودتای
آمریکائی می‌خروشد. سفر نیکسون جلا به تهران
بردا منده این مبارزات می‌افزاید و حماسه
۱۶ آذر پدید می‌آید. شب دوزخی که در دانشگاه
مستقر شده است، نیروی دانشجویان نظا هرکننده
آتش میگشا پید و سادانشجوی قهرمان، خندچی،
بزرگ‌نیا و شریعت رضوی به‌شهادت میرسنند. از
آن پس ۱۶ آذر همانند ستاره سرخی بر فراز جنبش
دانشجویی، بیابانگر سوگند خونین و فساداری
دانشجویان انقلابی به‌آرمان توده‌ها میگردد.
راز جادو دانی ۱۶ آذر در اینجا است که
دانشجویان انقلابی سنگ خیا نت و زبونی فرار
از مبارزه را در یک دوران حماسی از مبارزات خلق
شمی پذیرند و نشان میدهند که در این دوران،
شرایط عینی برای مبارزه علیه کودتای
آمریکائی هنوز کاملاً وجود دارد، منتها اگر
جزبی انقلابی وجود میداشت و رهبری مبارزات
توده‌ها را سرسختانه در دست میگرفت، بهرحال
۱۶ آذر از این پس خاری میشود در چشم دشمنان
توده‌ها و کابوسی میشود که هر ساله رژیم شاه را
دچار وحشت میسازد. اما ۱۶ آذر که فرا میرسد، در تمامی
دوران پس از ۱۶ آذر، دانشگاه عید خونین خویش
را میکوشد که جشن بگیرد و میکوشد که همواره به
میثاق خونین دانشجویان خلق که ۱۶ آذر گواه
آنت و وفا دارمانند، در تمامی این دوران،
دانشگاه سنگری مستحکم بر علیه امپریالیسم و
ارتجاع است. بهرچم آزادی و انقلاب در دانشگاه
همواره برافراشته میماند و بهرچم در آن این
سنگر مقدس، دانشجویان خونین کفن هستند که
اوین و کمیتها از جاع عثمان در زیر شکنجه و میدان
- های تیرا زخوش فریاد "جا وید با آرمان
زحمتکشان و مرگ برای امپریالیسم و ارتجاع" شان
به‌لرزده می‌آید.

دانشگاه نه تنها در کشور ما بلکه اصولاً در
کشورهای تحت سلطه امپریالیسم نقش با اهمیت
را در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع ایفا
کرده است و به همین خاطر است که همواره مسورد
بورش ارتجاع واقع شده و بیخون کشیده شده است.
اما هرگز هیچ سرکوبی و هیچ تیرباران و شکنجه
- ای تاکنون نتوانسته است بیمان استوار
دانشجویان انقلابی را با خلقشان درهم کوبد و
این را بیش از همه، خلق میدانند، خلقی که
بسیار روپسیا بر بردا نشگاه ارج گذاشته است.
اگر زمانی دانشگاه جدا و تنها می‌خروید،
فریاد دانشگاه سپس با فریاد توده‌های میلیونی
و قیام مسلحانه آنان درهم آمیخت و رژیم شاه

دیگر تکرار کند.
اینک گرامی مداد است ۱۶ آذر خونین و همه
دلوریهای حماسه‌ای دانشجویان قهرمان سر-
علیه امپریالیسم و ارتجاع، جز با مبارزه در همان
راه سرخ آن شهیدان امکان پذیر نیست. کسی
میتواند امروزه از خاطره ۱۶ آذر سخن بگوید که
خود پیوندد آن راه سرخ توده‌ها باشد.

اینک همچنان که در زمان شاه دانشگاه را
دلوری خلق کشود، باید که با زهم توده‌ها این
سنگر را بگشا بندد دانشگاه متعلق به توده‌ها و
سنگری از سنگر مبارزات توده‌هاست. مبارزه برای
بازگشائی این سنگر جزئی از مبارزات دموکراتیک
و ضدا امپریالیستی خلقهای ماست. در این میان
جنبش انقلابی دانش‌آموزان میتواند با مبارزه
حول این شعار (در کنار شعارهای اساسی دیگرش
مانند کسب آزادی فعالیت سیاسی در مدارس و
جلوگیری از اخراج معلمین و دانش‌آموزان
و...) نقش مهمی ایفا کند.

دانشگاه این دژ خونین ۱۶ آذرها،
۱۳ آبان‌ها و اول اردیبهشت‌ها باید گشوده گردد
تا دانشجویان انقلابی با دیگر مبارزات خویش
را با رژیم خونین کارگران، زحمتکشان خلق کرد
و... درهم آمیزند و تا عگر آکا می‌مدافع
آزادی و انقلاب ایران باشند. در این میان
با یستی با تبلیغات گسترده در میان توده‌ها
بخصوص کارگران و زحمتکشان، حمایت پایگاه
اصلی انقلاب، یعنی کارگران و زحمتکشان را از
دانشگاه برانگیخت.

اما مبارزه بخاطر بازگشائی دانشگاه‌ها
تنها گوشه‌ای از مبارزات انقلابی دانشجویان
انقلابی را تشکیل میدهد. آنها وظیفه دارند که
نیروی اصلی خود را در جهت فعالیت و کار آگاهانه
گرا نه در میان کارگران و زحمتکشان قرار دهند،
آنها وظیفه دارند علیه رژیم محروم بودن از سنگر
دانشگاه، از هر طریق ممکن در هر کجا، چه در
کارخانجات و روستاها، چه در محلات و در میان
صفهای طویل نان، نفت و... چه در مناطق
جنگی و با در میان آوارگان جنگ، چه در کنار
دکه‌های فروش کتاب و با از طریق بحث‌های علمی،
بخش اعلامیه، فروش نشریه، اشعار نویسی و... به
افشای ماهیت رژیم و افشای ماهیت جنگ
ارتجاعی کنونی پرداخته و نقش خود را در ارتقاء
و هدایت جنبش اعتراضی توده‌ها و کسرتش آن در
جهت انقلاب ظفر نشون دموکراتیک و ضد
امپریالیستی خلقهای قهرمان ایران بسه
رهبری طبقه کارگر، ایفا نمایند.

گرامی باد ۱۶ آذر - "روز دانشجو" روز رژیم
خونین دانشجویان انقلابی علیه امپریالیسم
و ارتجاع داخلی
هرچه گسترده‌تر باشد جنبش انقلابی دانشجویان
هرچه مستحکم‌تر باشد پیوند جنبش انقلابی
دانشجویی با جنبش کارگران و زحمتکشان
مرگ برای امپریالیسم و ارتجاع داخلی
برتر است و جمهوری دموکراتیک خلقی
با زمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

جنگ داخلی، اجتناب ناپذیر است



مبارزه طبقاتی در جامعه ما اوچکسرنده ورتدا سده است . این گفته‌ها برپایه ذهنیات و خارج از چهارچوب وانعمات و پدیده‌های عینی بلکه‌های از تحلیل ما از تشدید بحران اجتماعی - سیاسی وحدت‌یابی تضادهای طبقاتی میساخته . رژیم جمهوری اسلامی بنا بر ماهیت طبقاتی خود ، فشار دردناک بحران را تنها بر دوش کارگران و زحمتکشان نهاده است . تراشیده است و بیرواصح است که تداوم این بحران معضلات جامعه را افزوده ، توهمنه‌ها را بیش از پیش درهم‌شکسته و سرما زره زحمتکشان را تسریع مینماید

کرمه‌هاست . جنگ داخلی همان انقلاب است که نتیجه‌سیاست مستثنی بر ضرورت سرنگونی ارتجاع و رها شدن زحمتکشان میساخته . بنا بر اساس درک انحرافی ما از جنگ داخلی چنین وانمودمی - ساخت که گویا جنگ داخلی همان برادرکشی است و این امر نتیجه اوچگیری مبارزه طبقاتی نمی - باشد ! حال آنکه جنگ داخلی همان انقلاب و نتیجه اوچگیری مبارزه طبقاتی درون جامعه و در حقیقت عالیترین شکل از مبارزه طبقاتی شمار می آید .

لنین آموزگار رکیب زحمتکشان میگوید : "جنگ داخلی نیز جنگ است . کسی که مبارزه طبقات را قبول دارد نمیتواند جنگهای داخلی را که در هر جامعه طبقاتی بنماید ، با او نگاه نکند . مل و تشدید طبیعی و در مواد مخصوص اجتناب ناپذیر مبارزه طبقاتی است . قبول نداشته باشد . تمام انقلابهای کبیر موبسده این اصل اند . نفی یا فراموش نمودن جنگ - های داخلی معنایش دچار شدن به منتهای درجه اپورتونیسم و عدول از انقلابات سوسیالیستی است . " (منتخب آثار - برنامہ جنگی انقلاب پرولتاریائی)

بنا بر این نمیتوان هم‌خواهان اوچگیری مبارزه طبقاتی بود . هر دو هم‌زنگ داخلی اجتناب نمود . جنگ داخلی ادامه مبارزه طبقاتی در شکل شهرآزاد میساخته . تمام انقلابات سوسیالیستی دموکراتیک - ضد امپریالیستی ، همواره از گامانال جنگ داخلی بر علیه حکومت‌های سرمایه داران و مستکبران عبور کرده و به پیروزی و رهایی زحمتکشان انجامیده است . وجود توده‌های ناآگاه و در حقیقت سرمایه داران و مستکبران نمیتواند در دفاعی اجتناب ناپذیر بودن و ضرورت جنگ انقلابی داخلی (در صورت وجود شرایط عینی و ذهنی) باشد ، معیار ما در ارزیابی از هر جنگ سیاست حاکم بر طرفین جنگ است . ما این جنگ داخلی را نه جنگ توده‌های ناآگاه و توده‌های ناآگاه و نیروهای انقلابی بلکه با بدعت انقلاب و ضد انقلاب و ضد خلق

پیدا کرده و روند مبارزه طبقاتی را عمق داده و گسترده مینماید . دو جا معرکه است یک جنگ داخلی اجتناب ناپذیر سوق میدهد این روند عمومی جامعه ما است . اگرچه احتمال کودتای امپریالیستی را ما از نظر دور نمی‌داریم ، لیکن اعتقاد ما بر آنست که تشدید مبارزه طبقاتی علیه قدرت سیاسی موجود و راهگشایی سوی جنگ داخلی جهت دهنده سمت عمومی جامعه ما است .

البته ما در گذشته بدرستی این روند عمومی جامعه ما را در مقاله " جامعه ما به کدما سومی رود " (پیکارهای ۵۵ و ۵۴) پیش بینی نمودیم ، و بیان کردیم که جاری شدن جنگ داخلی خارج از ترمینال و راه داده فرا دست ، زیرا خود محصول تشدید تضادهای طبقاتی و مبارزه طبقاتی در جامعه ما است . اما در این مقاله در توضیح مفهوم جنگ داخلی مابده انحراف در غلطیدیم . ما در این مقاله نوشتیم :

" بی هیچ تردیدی طی چنین روند دردناکی که موافق تمایل و آرزوهای مانیتست ما خواهان مبارزه طبقاتی و اوچگیری آن هستیم ، لیکن خواهان جنگ داخلی و برادرکشی نیستیم " در اینجا ما بروشنی مواجه با درکی غیر - مارکسیستی و غیر طبقاتی از جنگ داخلی میباشیم . در اینجا چنین وانمود میساخته که گویا جنگ داخلی همان برادرکشی است . حال آنکه چنین نیست این درست است که در جنگ داخلی چه بسا توده - های ناآگاه و توهمنه بدنیال سیاست بورژوازی حرکت کنند ، اما آنچه که اساسی است اینست که مبارزه طبقاتی در روند خود مقوف طبقاتی را هر چه بیشتر از یکدیگر منما تیز نمود و جامعه ما را به دو قطب اساسی تقسیم میکند . در یک سو ، اردوگاه زحمتکشان و خلقها و در سوی دیگر اردوگاه بورژوازی و تمامی مرتجعین . مبارزه در میان این دو اردوگاه جریان داشته و هر چه جا در می - گردد ، جنگ داخلی نتیجه اجتناب ناپذیر تضاد - های این دو قطب است . جنگ داخلی ادامه سیاستی است که از تضادهای طبقاتی نشات

دربست بر بحران اقتصادی - اجتماعی ، توده‌ها بطور روز افزون درک میکنند که این رژیم نمی‌تواند توده‌ها را در بر خود نگاهداری کند . این واقعیت را با سبب گوید . کارگران و فعالان لیتها ای افشاگرانه نیروهای انقلابی و سببزه کمونیستها نیز در آگاه شدن هر چه بیشتر زحمتکشان عمل کرده و فشار وسیعی از زحمتکشان ، سوی نیروهای انقلابی جذب شده و بر دوش افزون پایگاه توده‌های کمونیستها و نیروهای انقلابی را موجب میگردد . در مقابل ، رژیم جمهوری اسلامی نیز بنا بر ماهیت سرمایه دارانه و ارتجاعی خود ، شیوه سرکوب و گشتار و ایجاد دقتان گسترده را در پیش گرفته و برای رها شدن خود از بن بست بحران کنونی ، از هر گونه اقدام جنبانگاران دروغ نمیزد ، اما این امر نیز دامنه جنبش را باز هم وسیعتر مینماید . جنگ ارتجاعی ایران و عراق نیز در تشدید مبارزه طبقاتی تا شریک با رزیدی دارد . چه ، توده‌ها در جریان زندگی روزمره خود با توجه به واقعیت‌های ملموس اقتصادی - اجتماعی نظیر گرانی ، قحطی ، گرسنگی ، مرگ و میر و بیماری و آوارگی و مدها مصیبت دیگر از سویی ، و افشگری - ها و فعال لیتها ی نیروهای کمونیستی و انقلابی از سوی دیگر ، ماهیت ارتجاعی این جنگ را در بافته و بعینه درک میکنند . این جنگ ضمن کمک موثر به شکستن توهمنه‌ها ، عامل مهمی در تعمیق و گسترش نا رضایتی و مبارزه توده‌ها نسبت به رژیم میساخته . با گسترش جنبشهای اعتراضی زحمتکشان مبارزه طبقاتی شدت یافته و جامعه مابسوی یک حرکت انقلابی توده‌ای کشیده میشود .

همانطور که امروز شاهد هستیم در حال حاضر مناطقی از جامعه ما در شرایط موقعیت انقلابی قرار داشته و مبارزه انقلابی مسلحانه علیه طبقه حاکمه در جریان است ، اما در همین هنگام ما بر نقاط ایران از جنبش موقعیتی بدور است : اما آنچه حائز اهمیت است اینست که شرایط اعتدالی کنونی جامعه در متن بحران عمومی بیش از پیش تکامل

جنگ غیر عادلانه کنونی جنگی است بر علیه توده‌های ایران و عراق

قطع حقوق و اعتراضات کارگران صنعت نفت

من فقط مسئولیت دارم که خانواده‌ها بی‌توان اسکان نهم! کارگران با قریباً دحرفها بش را قطع کرده و گفتند: "اسکان یعنی اینکه در کنار خانه‌ها بی‌توانیم، در مساجد برویم یا سند در کمپ B آب و برق و غذا را بروی زن و بچه‌ها بی‌مان قطع کنید؟" فرما نداریم! ما را چه می‌شود که برای پاسخ گویی به کارگران "هوشی" مسئول صنعت نفت ما هشترها خبر کنند و آهوشی بی‌س از آمدن شروع به زبان بازی و آوردن دلائل ارتجاعی برای کارگران نمیکند که کارگران یک صدا میگویند: "ما شما را همینجا نگه میداریم تا به کارمان رسیدگی کنید و ما را با ما بسد ما ننند ما روی زمین بخوابیم تا مزه‌اش را بچشید." خشم و غلیان کارگران اوج گرفته بود و مسئولین از ترس به آنها قول میدهند که هفته دیگر حقوق کارگران را پرداخت نمایند، اما آبار زرم سرمایه‌داری خواهد توانست با وعده و وعده‌های دروغ‌نشین از او جگری مبارزات کارگران قهرمان جنگ زده جلوگیری کند؟

روز دوشنبه ۵۹/۸/۱۷ حدود ۲۰۰۰ نفر از کارکنان صنعت نفت که با خانواده‌ها بی‌توان در ماهشیر می‌رسند، برای گرفتن دوما حقوق عقب افتاده‌شان در دبستان سعدی جمع شدند. مسئولین قول داده بودند که "حدادی" نما بینده اما در صنعت نفت برای رسیدگی به خواسته‌ها بی‌باید ما خیری از وی نشد. کارگران خشمگین از این موضوع تصمیم می‌گیرند و در طرف فرمانداری بروند که "اشکوری" آخوندی ما شین سر رسیده و خطاب به کارگران میگوید: "این کار شما بسیار زنده است." یکی از کارگران در پاسخ وی فریاد میزند که: "زنده اینست که در شاهجراغ شیراز زیر پای مردم آواره آب بازمی‌کنید، زنده اینست که بعد از یک عمر کار کردن زن و بچه‌ها بی‌توان در کوه خیا با بی‌توانی و کوه خسته می‌مانند." بعد از رسیدن کارگران به فرمانداری فرما نداریم ما آنها آمده و میگوید: "من مسئولیتی ندارم، گفته‌اند که کارگران اگر حقوق می‌خواهند به آبدان بیایند و بگیرند."



خواستهای کارکنان صنعت نفت

تاریخ ۵۹/۸/۷ در مناطق جنگ زده مانده‌اند و مقداری بول پرداخت می‌کند، اما نمایندگان این شرط را باطل اعلان کرده و خواسته‌ها را نداشتند به همکاران این بول تعلق گیرد. ۵- ماده بودن جهت کار در قسمتهای مختلف شرکت نفت یا بخش در اصفهان. پس از فشارهای زیادی که نمایندگان کارگران در شهرها به مسئولین شرکت نفت وارد آورده‌اند و فعلاً به کارگران فرمایشی برای برگردن داده‌اند و قصد دارند به کارگران رسمی ۴۰۰۰ تومان و به کارگران بی‌مانی ۳۰۰۰ تومان جهت کمک خرج بپردازند که تاکنون به تعدادی از کارگران این بول پرداخت شده و بقیه هنوز در انتظار هستند. مبارزه پیش در آمدن مدیسه‌سروزی زحمتکشان است.

اصفهان - روز دوشنبه ۱۹/۸/۵۹ حدود ۵۰۰ نفر از کارکنان صنعت نفت در آبادان و خرمشهر که اکثر آنها کارگران با سابقه با لابشگاه آبدان می‌باشند، جهت روشن شدن وضعیت در محل شرکت نفت اصفهان اجتماع میکنند. این عده قبلاً چند نما بینده از میان خود برای مذاکره با مسئولین شرکت نفت به تهران فرستاده بودند که آنها خواسته‌های زیر را مطرح کرده و خواستار اجرای آن شده‌اند:

- ۱- پرداخت حقوق
- ۲- پرداخت خواب‌روبار
- ۳- بیمه درمانی و استفاذه از بیمه رستاهای شرکت نفت و غیره.
- ۴- پرداخت غرامت جنگی بمدت ۲ ماه (از طرف شرکت نفت اعلان شده است که فقط به کسانی که تا

سفر از مسجد ۳ زندگی...

قطع شده است. این اعمال موجب خشم کارگران گردیده است. از جمله حدود ۱۵۰۰ کارگر تخلیه و با رگیری بندرانزلی که طبق این بخشنامه حقوقشان کم میشود، دست‌سماز زده و خواستار لغو این بخشنامه ضدکارگری شده‌اند. رژیم سرمایه‌داری مملکت شیوه معمولش با ساداران سرمایه را برای سرکوب کارگران می‌فرستد و آنها به نفع از نمایندگان کارگران را دستگیر میکنند. ولی کارگران مبارزه خود را بصورت کم‌کاری ادامه میدهند بطوریکه تخلیه کالاهای ۲۰۰ تن تقلیل می‌یابد.

اجتماع کارکنان صنعت نفت در اصفهان

روز دوشنبه ۵۹/۸/۸ کارگران و کارمندان نفت، جنوب برای حضور و غیاب به باشگاه کارکنان نفت اصفهان می‌روند. در آنجا سرکشی را بر می‌کنند تا روز ۱۵ آذر به آنها حقوق بدهند. لازم به تذکر است که تحت شرایط کنونی که زحمتکشان مناطق جنگ زده تحت فشار آواره‌گی و بی‌خانمانی از یک سو و گرانی و کمبود ما یحتاج زندگی، آسوی دیگرند، دولت تمام حقوق کارکنان نفت جنوب را نداده و به هر کارگر ۲۰۰۰ تومان بیشتر نمیدهند. در اجتماع مذکور، نماینده کارکنان از مذاکراتش با مسئولین در شهران صحبت کرد و گفت که مسئولین امر گفته‌اند "هیچگونه حق مسکن و مزایای بی‌کارگران نمیدهیم و کارگران باید به مناطق جنگ زده برگردند." نگاه نماینده کارکنان توضیح داد که با زکشت کارگران به مناطق جنگی نتیجه‌ای جز به استقبال گلوله‌ها رفتن ندارد. او گفت: "جنگ را که ما راه نیانداخته ایم که حال آنرا ادامه بدهیم. این جنگ به ما تحمیل شده و ما حاضر نیستیم بخودی کشته شویم. ما هیچ گناهی نکرده ایم که زن و بچه خود را از جنگ نجات داده ایم. ولی باز آقایان مسئولین می‌گویند بروید در جبهه تا کشته شوید!" کارگران که از روحیه‌ای انقلابی و پر شور برخوردار بوده و به ما هیبت ارتجاعی جنگ پی برده بودند، شتر خود را از جنگ سرمایه‌داران و اعمال ضدکارگری رژیم جمهوری اسلامی ابراز می‌داشتند. قاسبل توجه است که تعداد کارکنانی که در مجموع از جنوب به اصفهان آمده‌اند به ۵۰۰ نفر میرسد.

از بیایی کنیم. این جنگ، جنگی است که راهی از زندگی و ستم و استعمار را تعقیب مینماید و به همین لحاظ جنگ داخلی، جنگی عادلانه و انقلابی است و طبقه کارگر و کمونیستها باید فعالانه در آن شرکت نمایند. اجتماع از جنگ ناگزیر آینه، جزا بورژوازی و روسیونسم چیز دیگری نخواهد بود. زیرا این امر یعنی انقلاب و تأکید کمیاب ارتجاع خواهد بود.

۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

درس‌هایی از جنبش کارگری

تجربیات مبارزات قهرمانانه طبقه کارگر لهستان
علیه سرمایه‌داری دولتی (۱)



او آخر مردان ماه‌ها سال، جهان شاه‌انکار
مبارزات طبقه کارگر در لهستان کردند. این
مبارزات که بشکل اعتصابات گسترده کارگری
بروز نمود، (و هنوز هم غیرمطمئن‌ترین و بزرگ
کارگران ادامه دارد) (۲) چنان ضربات عمیقی
بر سرمایه‌داری دولتی لهستان و نهایتاً،
سرمایه‌داری جهانی وارد کرد که لبره براندام
امپریالیسم جهانی افکند. سوبیزه کشورهای
اروپای شرقی که مدعی سوسیالیستی بودن نظام
خود می‌باشند، زسوا تر شدند. این اعتصابات تأثیر
غیرقابل انکاری بود بر ماهیت سرمایه‌داری
سوسیالیستی امپریالیستی شوروی و قمارش که پس از
غصب قدرت طبقه کارگر، توسط طبقه سرمایه‌دار،
آنها بمنظور فریب کارگران و خلقهای جهان
تلاش مذبوحانه‌ای را آغاز کردند تا نظام خویش
را کم‌کم سوسیالیستی جلوه دهند. علاوه بر این
یکپارچگی طبقه کارگر لهستان در این مبارزات
وسرعت و گسترش کم‌نظیر اعتصابات که طرف مدت
کوتاهی میلیونها کارگر سراسر لهستان را دربر
گرفت، بسیار قدرتمند لایزال طبقه کارگر و
پسیدگی نظام سرمایه‌داری می‌باشد.

از آنجا شبکه کارگران جهان یک طبقه واحد
را تشکیل می‌دهند، دارای منافع و خواسته‌های
مشترک می‌باشند، آنها همچنین دشمنان طبقاتی
مشترک چون امپریالیستها، سرمایه‌داران،

روزیونیستها و تمامی مرتجعین دارند. بنا
بر این مبارزه بخشی از طبقه کارگر در منطقه‌ای از
جهان انجام نمی‌گیرد، تا شیرات خود را در سراسر
جهان باقی میگذارد. بخشی از این تأثیرات،
استفاده است که کارگران سراسر نقاط میبایست
از تجربیات مبارزه برادران طبقاتی لهستان،
بشمارند. به همین دلیل درس آموزی از تجربیات
مبارزاتی طبقه کارگر لهستان (که بسیار غنی و
پربار است)، بررسی و جمع‌بندی دستاوردها و
نقاط ضعف آن، برای بالا بردن آگاهی کار
گران ایران و بی بردن هر چه بیشترشان به پیچ
وخمهای مبارزه طبقاتی، اهمیت بسیاری دارد
چرا که بدون درس‌گیری از تجربیات مبارزاتی
نمی‌توان دانش لازم برای نابودی سرمایه‌داری
و امپریالیسم را بدست آورد. لذا با این هدف به

سرمایه‌را "بشارتی" برای طبقه کارگر قلمداد
میکنند که "ثمرات انقلاب" خود را لمس خواهند
کرد! در صورتیکه طبقه کارگر همچون سایر طبقه‌ها
های تحت ستم ایران طی این مدت ۲۲ ماهی که
از عمر رژیم جمهوری اسلامی میگذرد، بارها و
بارها ماهیت رژیم را در سرکوبها و پاداش‌های از
سرمایه‌داری وابسته، دیده اند و روز بروز توهم
شان نسبت به رژیم ارتجاعی حاکم فرو می‌ریزد.
بنا بر این تلاش روزیونیستها (و از جمله دار و
دسته حزب توده) برای آرایش رژیم نتیجه‌ای جز
افشای هر چه بیشتر خودشان در نزد توده‌ها،
نخواهد داشت. طبقه کارگر، برخلاف روزیونیست
ها که بدنیال وعده‌های "محبت آمیز" رژیم دویده و دم
تکان میدهند نیاز به این عوامفریبیها نداشته و
راه‌هایی خویش را تنها از تهناد مبارزه‌ای بیکیفر و
آشتی‌ناپذیر با دشمنان طبقاتی (که رژیم فعلی
در رأس آنها قرار دارد)، میبینند و در این راه
تمامی روزیونیستها را نیز به زباله‌دان تاریخ
خواهد سپرد!

کاروا موراجتماعی که وزارت کار به وزارتخانه
مدافع اصلی حقوق کارگران تبدیل خواهد
شد، بشارتی است برای طبقه کارگر که میخواهد
ثمرات انقلاب را در محیط کار روزندگی خود لمس
کند. "همانجا، تا کیدازماست" اینهمه هیاهو
برای وعده‌آقای وزیر، یعنی اوج خدمتگزاری
به طبقه سرمایه‌دار و اوج خیانت به طبقه کارگر
مکرمت‌مات رژیمهای سرمایه‌داری، تاکنون
برای خاموش کردن کارگران و زحمتکشان، کم
وعده و وعید داده‌اند؟ مگر وزیران "کار" در
زمان رژیم شاه و در زمان همین رژیم‌زایی
وعده‌ها کم داده‌اند؟ اصولاً این یکی از روشهای
سرمایه‌داران و عوام‌ملشان است که نتوانند
کارگران و توده‌های معترض و بی‌باخته را با
انواع شیوه‌ها از وعده و وعید گرفته تا سرکوب
مستقیم، از ادامه مبارزه باز دارند. حال
روزیونیستهای توده‌ای نه تنها این شیوه‌ها
را تا شید کرده و با رژیم همصدا میشوند، بلکه با
و قاحت خاص خویش، این عوامفریبی وزیر جدید

سخنران... بقیه از صفحه ۳

روزیونیستهای توده‌ای با هیاهوی بسیار
از سخنان وزیر کار و موراجتماعی تعریف و
تمجید کرده و مینویسند: "طی هشتادسالی که از
تولد طبقه کارگر ایران میگذرد، این نخستین
بار است که وزیر سراسر وزارت کار و امور
اجتماعی ایران، در تأیید حقایق طبقه کارگر
میگوید: "ما معتقدیم که حکومت روی زمین با
مستضعفین است." (مردم شماره ۲۸) روزیونیست
نیستهای توده‌ای چنان از این گفته وزیر
رژیم جمهوری اسلامی (که نه تا زکی دارد و نه
دردی را از دردهای طبقه کارگر درمان میکند)،
بادمیکنند که کوسی در ایران "حکومت مستضعفین"
برقرار است و همین امروز فردا است که روی کره
زمین برقرار شود!!

اما آنها که نمی‌توانند منکر ناراضی‌های
شدید مبارزات کارگران بر علیه رژیم جمهوری
اسلامی شوند، برای دفاع از رژیم، سعی میکنند
اورا بیگنا "جلوه داده و همه تقصیرات متوجه
"سرمایه‌داران بزرگ و کارفرمایان طاغوتی"
(که معلوم نیست چگونه اینقدر قدرت یافته‌اند
که ارگانهای دولتی را تحت نفوذ خود درآیند)
کردارند. آنها مجبورند اعتراف کنند که: "سود
ویژه را نبرد اخته‌اند از اجرای همان قانون
کار و با غوثی ظفره‌رفته‌اند، سرمایه‌داری کارگران
قلم‌کشیده‌اند، آنان را بیمه نکرده‌اند، بهداشت
و ایمنی محیط کار را بی‌فرا موشی سپرده و هر
روز هر هفته از کارگران قربانی گرفته‌اند..."
(همانجا) اما حزب خائن توده‌مزورانه میگوید
تا رژیم جمهوری اسلامی را که عامل فلاکت و
استئما رشدید کارگران و توده‌ها، میباید را
"معموم" جلوه دهد. با یاد از این چالپوشان رژیم
سوال کرد که چه کسانی سود ویژه را که قسمتی از
حقوق کارگران بود در اشرافها مبارزه از
حلقوم رژیم چنانکا رثاء بیرون آورده بودند،
قطع کرد؟ چه کسانی بر مزیای کارگران قلم
کشیدند؟ چه کسانی با وضع قوانین ضد کارگری
به دفاع از منافع سرمایه‌داران پرداختند؟ و
سراسر چه کسانی با پشتیبانی تمام و کمال از
طبقه سرمایه‌دار، هرمدای اعتراضی کارگران را
با گلوله پاداران سرکوب نمود؟ و این چه
کسانی هستند که با تمام قدرت خویش در جهت
تحکیم و تثبیت سرمایه‌داری وابسته، کوشیدند
و میگویند؟ جز رژیم جمهوری اسلامی؟ و البته که شما
روزیونیستها هم در رسیدن رژیم به اهدافش،
الحق که سگ شما گذاشته‌اید!

و اما ببینیم چه چیزی موجب شده که روزیونیست
نیستهای توده‌ای به خود اجازه بدهند که اینچنین
به آرایش رژیم بپردازند؟ شما مطلب که "بیان
خواسته‌های طبقه کارگر" است (!)، از زبان
روزیونیستها چنین است:
"اکنون وعده‌آقای محمد میرمادقی وزیر جدید

فان، مسکن، آزادی

سرری تجربه مذکور مینبردازم:

الف - جلوه‌های از قدرت و بیکارچگی طبقه کارگر

یکی از ویژگی‌های مهم جنبش اخیر کارگران لهستان، ناسرندری است که طبقه کارگر در کشورهای صنعتی و بخموش مالی که سرمایه - داری دولتی و تحت حاکمیت روسیونیست‌ها هستند، انجام داده است به همین دلیل همه دنیا روزوازی لهستان، کشورهای اروپای شرقی و خصوصاً سوئد، امپریالیسم شوروی، بلکه روزوازی سراسر جهان امپریالیستی، از این حرکت سوده‌ای که مینوانست به کشورهای دیگر هم‌راست کند، سوخت افتادند. امپریالیست‌های غربی غیرمترقا نشان با بلوک شرق و سوئد امپریالیسم شوروی، و غیرمغوش، استغاده‌های تبلیغاتی که منظور بدنام کردن سوئد و موجه طبقه دادن خود، میگردند، مع ذلک دولت لهستان را - برخوانان این بحران، بسیاری خودد (دادن وامی معادل ۳۲۵ میلیون دلار توسط یک گروه بانکی آمریکائی، وام ۱/۲ میلیارد دلاری یک گروه بانکی آلمانی و...) این امراض طرفی نشان نکروودت مناقع نامی امپریالیست‌ها و رژیم‌های سرمایه‌داری در مقابل طبقه کارگر و حرکتشان، و از طرف دیگر بنا بر قدرت طبقه کارگر لهستان مناسداً اما جلوه‌های این قدرت که اینجین موجب وحشت روزوازی شده است، کدامند؟

۱- گسزدگی و ابعاد میلیونی جنبش

نیل از آغاز اعتصابات گسزده از اوایل سرمایه‌داری، اعتصابات پراکنده اما پی در پی، در بسیاری از شهرهای لهستان صورت میگیرد. - که - جدخواستهای این اعتصابات عمدتاً رفاهی بود (افزایش دستمزد، مخالفت با افزایش قیمت ارزاق عمومی و خصوصاً گوشت)، ولی خود بسیار بحران عمیق اقتصادی در کشور بود که سرانجام به انفجارات عظیم نموده‌ای منجر گردید. روز ۲۳ مرداد ۱۷ هزار کارگر کاخا نه کشتی سازی لنین در شهر کدانک، بعنوان اعتراض به اخراج یک کارگر دست‌بدا اعتصاب میزنند و ظرف چند روز بعد از آن صدها هزار کارگر در شمال لهستان و سرانجام میلیونها توده کارگر در سرتا سر کشور دست‌بدا اعتصاب میزنند. سرعت و گستردگی این اعتصابات از ظرفی، و صد در صد کارگری نبودن جنبش از طرف دیگر، خصوصاً برجسته و کم‌ظنری به اعتصابات کارگران لهستان می‌بخشد.

۲- همبستگی کارگران

آنچه که بیش از همه موجبات تکراری "دولت لهستان" را فراهم کرده بود، اتحاد و یکپارچگی طبقه کارگر و رفاهی شدیدی آنها از سیستم سرمایه‌داری دولتی حاکم بود. اگر چه ریشه جلی اعتصابات و وجود بحران اقتصادی و فشار ناشی

از آن به کارگران بود، اما شروع اعتصابات گسزده با اعلام حمایت کارگران کاخا بخشات دیگر از کارگران کشتی سازی لنین بود و خالص اینجاست زمانیکه دولت با دستپاچی و از سرین گسزتن جنبش با خواسته‌های کارگران کاخا نه مذکور موافقت نمود. کارگران که میخواستند اعتصاب خود را پایان بخشند، بعزت درخواست کارگران سایر کاخا نه‌ها که خواستار ادا مسد مسا زده‌ها تحت خواسته‌های نامی کارگسزتن لهستان بودند، به مسا زده‌ها اعتصاب ادامه دادند. اینست طبقه کارگری طبقه کارگر! کارگران که به ما هیت سرمایه‌داری نه دولت پی - برده‌اند بدردستی درک کرده‌اند که رها - بسی طبقه کارگر فقط بدست خودشان ممکن است. آنها به حمله‌های سرمایه‌داران که همواره سعی میکنند سن کارگران تفرقه بینا ندازند و حتی کاخا - مسا دادن امتیازاتی، جنبش کارگری را خوابانند تا بعد بتوانند همان امتیازات را هم - پس - بگیرند. پی برده‌ها با اتکا به برادران همه طبقه خود حفظ یکپارچگی کارگران را بر هر چیز مقدم دانستند. این همبستگی شدید، از طرف دیگر با تکراری اعتباری دولت وابسته به سوئد - امپریالیسم لهستان در میان توده‌ها و کارگران است. کارگران که بدردستی دولت رادشمن طبقاتی خود میدیدند، لزوماً اتکا به خود و حفظ وحدت را برای مبارزه با آن بیشتر احساس می - کردند. تا بد از روسیونیست‌هایی که لهستان را "سوئالیستی" میدانند سؤال کرد، آیا اگر دولت ذره‌ای در میان کارگران نفوذ داشت، این اعتصابات میتوانستند با این سرعت و بسا این ابعاد گسزده، انجام شوند؟

۳- شکست دولت بورژوا - روسیونیستی و پیروزی طبقه کارگر

رژیم ضد کارگری لهستان به همراه اروپا با ن روسین که از جنبش کم‌ظنری کارگران به وحشت افتاده بودند، تمام کوشش خود را کردند تا هر چه زودتر قضا را "قبضه" دهند. آنها بدردستی پی برده بودند که ادا ما این جنبش مستواند افجاراتی را در کشورهای اروپای شرقی و حتی خود شوروی بدنیال داشته باشد که در آن صورت "مها" گردش مجال میگردید. از طرف دیگر سرکوب نظامی و مداحله سوئد امپریالیسم شوروی (که آ ماده تنها جم شده بود) "خطر" عواقب مصیبت بسیاری برایشان در برداشت. بنا بر این بعد از آنکه تلاشهای دولت جهت به اخراج کشیده مسا زده‌ها کارگران و ما استعالی کردن خواسته‌ها نشان موثر واقع نگردید و طبقه کارگر چون کوهی استوار پیش ما آمد، حربه سرمایه‌داران، تسلیم را - سر - متا و منی که منجر به مرگشان میگردید، ترجیح داد و لذا سرانجام ضمن اعتراف به حقانیت جنبش کارگران، با تمام خواسته‌های کارگسزتن موافقت نمود. خواسته‌های کارگران که هم‌رفاهی و منعی بودند (افزایش ۲۵۰۰ زلوتی حقوق

ما هانه، افزایش دستمزد متناسب با افزایش قیمت‌ها، حق بازنشستگی بهبود شرایط کار و...) (هم‌سای (برسمیت شناختن سندیکا‌های آزاد حق اعتصاب آزادی بیان، آزادی زندان‌ها سیاسی و بیخ‌اخبار مربوط به ابعاد گسزته - هماهنگی کارگران و...) بنا بر ما هیت سرمایه - دارانه نظام کم‌ظنری و رشد آگاهی نسبی کارگران بود. به همین دلیل اگر چه خواسته‌های کارگران نمیتوانند دنیا بدینه‌ها را محدود شود، ولی پیروزی در تحمیل این خواسته‌ها در واقع نوعی پیروزی طبقه کارگر بر بورژوازی است!

ب- گنبدیگی سرمایه‌داری جهانی و زبونی روسیونیست‌ها

بیشتر از این اشاره کردیم به وحشت تمامی امپریالیست‌ها از جنبش کارگری لهستان که منجر بدان گردید که حتی امپریالیست‌های غربی برای خواباندن اعتصابات به دولت لهستان که وابسته به رقیب سوئد امپریالیست‌ها است، کمک کنند. این امر با تکرارین واقعیت است که اولاً قدرتهای امپریالیستی علی‌رغم اختلافاتی که در درونشان بر سر غارت هر چه بیشتر خلق‌ها و کارگران جهان وجود دارد، در برابر سرمایه‌داری توده‌ها متحدند. ثانیاً جهان سرمایه‌داری در بحران عمیقی بسر میبرد و ثالثاً ما لک جهان چنان به هم مرتبط اند که مسا زده‌ها کارگران در یک نقطه سرعت ناشرانش را در سایر نقاط برجا میگذرد.

بعلاوه، جنبش اخیر کارگران در لهستان بنا بر تکرار واقعیت دیگری نیز هست و آن پوشالی بودن رژیم‌های روسیونیستی و وابسته به سوئد امپریالیسم است، که غیرمغوش - تبلیغات - شان مبنی بر "سوئالیستی" بودن مناسبات اقتصادی - اجتماعی کشورشان، اینجین - ما هیت سرمایه‌دارانه‌شان بر ملا میشود. آنها بکمک سرکوب و خفقان و نیروی سرنیزه‌شان از طرفی و عوام‌فریبی‌هاشان در مورد سوئالیستی جازدن خود، از طرف دیگر، در این خیال خام بسر میبرند که میتوانند در مرحله اول توده‌های خود و سپس خلق‌های سراسر جهان را فریب داده و به حیات شکنجانشان تحت پوشش "سوئالیسم" ادامه دهند. در صورتیکه مسا زده‌ها اخیر (که در گذشته هم در لهستان و هم در سایر کشورهای اروپائی شرقی تکرار شده بود)، بوضوح نشان داد که اولاً دیگر حقایق روسیونیست‌ها برای خلق‌هایشان رنگی ندا رده‌نوده‌ها کم‌وشش به ما هیت ضد خلقی دولت‌هاشان پی برده‌اند و ثانیاً سوئد امپریالیسم شوروی و اغما رشن روزیه روز بیشتر در نزد کارگران و خلق‌های جهان رسوا میگردد. سرخوردگی دولت لهستان با کارگران (که همچون برخورد تمامی دولت‌های سرمایه‌داری در جهت منحرف کردن مبارزه آنها، ابدا تفرقه و دو - دستگی و سردانیدن کارگران بود)، و مداحلات آشکار سوئد امپریالیسم و تهدیداتش مبنی

بقیه در صفحه ۱۸

لیبرالیسم: ایدئولوژی ضد انقلابی طبقه سرمایه دار!

لیبرالها میکوشیدند تا آزادخواهی مردم زحمتکش استفاده کرده و خود را همراه با آنان نشان دهند. اما هرگاه زحمتکشان علیه سرمایه داری قیام میکردند، آنها "آزادخواهی" خود را فراموش می نمودند و خود به سرکوب آنها می پرداختند. مثلاً طبقه سرمایه دار فرانسه که لیبرال نرسید، دوباره خونین ترین کشتار را در فرانسه در سال ۱۸۷۱، و بندریج که بورژوازی تکامل یافت و به مرحله امپریالیسم رسید از نظر تاریخی کاملاً ترفیخواها نه خود را از دست داد و بسبب نیروی ارتجاعی تبدیل شد. در همین رابطه لیبرالیسم بورژوازی در کشورهای سرمایه داری وارد شده با امپریالیسم، بدلیل خصلت انکلیس

است که جنبش دموکراتیک - فدا مپریالیستی خلقهای ایران را تهدید میکند. چه مردم که از اینهمه گران، بیگاری، سرکوب، فقدان آزادی و... به تنگ آمده اند، فکر میکنند "لیبرالها" از قماش دیگری هستند و می توانند منافع آنها را پاسخ دهند! در حال حاضر کربایش زبانی نسبت به لیبرالها بوجود آمده است. نظرات بازاریان در قم و تهران، کاروانچال عده ای از

انگلیس و آمریکا که جنک بین لیبرالها و حزب جمهوری اسلامی بالا گرفته است مسئله لیبرالیسم را مسئله داغ روز شده است. بخشی از مردم که از اختناق هیئت حاکمه بیست و هفت ساله اند و خواهان دموکراسی هستند، ناگهان بد فکر میکنند لیبرالها آزادخواه هستند. عده ای دیگر مانند ما هدین اگرچه لیبرالیسم را مطابق با منافع انقلاب نمی دانند، اما لیبرالها را بر حزب جمهوری اسلامی ترجیح میدهند و معتقدند که لیبرالها مانند حزبی ها، سرکوبگر و "انحصار طلب" نیستند. عده ای دیگر به حمایت از حزب جمهوری اسلامی برخاسته و در مقابل لیبرالها که در "خط آمریکا" مستند از چیز مجهولی بنام "خط امام" (۱) حمایت میکنند، مانند فدائیان اکثریت، حزب توده خائن و...

● لیبرالیسم که ایدئولوژی طبقه سرمایه دار بود، از آن جهت که با ارتجاع فئودالی به مخالفت برخاست و خواستار رشد نیروهای مولده بود، جنبه مترقیانه داشت. اما لیبرالها از آن سر و خواهان آزادی سیاسی بودند که بتوانند آزادی اقتصادی را برای خود تأمین نمایند.
● بقول رفیق لنین، لیبرالها از آنرواستنداد منزجر هستند که باعث انقلاب میشود. آنها از انقلاب بیشتر میترسند تا از ارتجاع.

سیستم و وابستگی بورژوازی لیبرال - سرمایه لیسم، بهیچوجه دارای جنبه مترقیانه نبوده و به همین دلیل لیبرالها در این سیستم (سرمایه داری وابسته) حتی در همان زمان که در قدرت نیستند و زمانی که مبارزات مردم رشد میکند، میکوشند با مازش کشتن جنبش بسا حکومت، از رشد مبارزات توده ای جلوگیری کنند. چه آنها اگر چه با ارتجاع حاکم اختلافاتی داشته باشند، اما از انقلاب توده ها بیشتر وحشت دارند. آنان به فکر کف پول خوش هستند به فکر مردم، بقول رفیق لنین، لیبرالها از آنرو استنداد منزجر هستند که باعث انقلاب میشود.

روحانیون و لیبرالها در دفاع از قطب زاده و گسترش نفوذ لیبرالیستی نظریستی مدرن طلب - زاده و... در میان مردم، بخوبی نشان داده این خطراست. ما می گوئیم ضمن توضیح لیبرالیسم نشان دهیم که این ایدئولوژی چگونه در خدمت منافع توده ها که نیست هیچ دشمن سرخست انقلاب است و زحمتکشان با بد درک کنند که در مقابل اختناق و دیکتاتوری حاکم، باید به دموکراسی کارگری روی آورند و نه به لیبرالیسم ضد انقلابی.

اما خود لیبرالها و حزب جمهوری در مورد خود چه میگویند و نظر ما کمونیستها در این باره چیست؟

حزب جمهوری خود را "انقلابی"، "مترقی"، "فدا مپریالیست" و "مکتبی" میدانند و در حریف (لیبرالها) را "سازشکار"، "غیر مکتبی" و "در خط آمریکا" میخوانند.

لیبرالها نیز خود را "آزادخواه" و "مترقی" میدانند و حزب جمهوری اسلامی را "مرتجع"، "عقب مانده" و "انحصار طلب" معرفی میکنند. در این بین از آنجا که سیاست حزب جمهوری اسلامی، سیاست چماق است و ما آنرا در گذشته افشا و محکوم کردیم، خیلی زود در بین مردم رسوا شده و بسیاری از مردم به ما هیت فدا انقلابی و دیکتاتور منشا نه آن پی برده اند و بیگانه آن در میان مردم به سرعت در حال افول است.

اما لیبرالها که سیاست "چماق و نان شیرینی" را بکار میگیرند، حرفهایشان از نظر بسیاری از مردم منطقی می آید و فکر میکنند که آنها واقعا درد دلشان را می فهمند و آزادخواه هستند. به همین جهت لیبرالها از نظر اینکه افکار رهبر آلودشان را خیلی راحت در ذهن توده ها می توانند فرو کنند، بسیار خطرناک هستند و بیکسر آنه با بد افشا شوند.

امروزه "لیبرالیسم" خطر بسیار بزرگی

(۱) - نمونه مجهول بودن خط امام موجود دهها تعبیر از "خط امام" است. کویا خود "امام" هم نمی داند "خط" اش چیست. اگر میدانست یکبار و برای همیشه بدعوادارین باره نازنده است پایان میداد! (پیکار)

لیبرالیسم ایدئولوژی آزادخواهی بورژوازی است. آزادخواهی ای که در چهار رجب آزادی برای بورژوازی و نه توده های زحمتکش است. به همین خاطر است که تا کسی با ارتقائین بورژوازی فرا تر گذاشت، فرساید بورژواها به هوا بلند میشود که "خوابکار" و "ما جراحو" هستند. آزادی برای بورژوازی یعنی دیکتاتوری برای کارگران و زحمتکشان. آزادی برای بورژوازی یعنی "آزاد بودن" برای غارت دسترنج کارگران، آزادی برای تدوین توانی که این استثمار را رسمیت بخشند. آزادی برای جلوگیری از "سختی" کارگران به "جریم" سرمایه داران، آزادی برای اعمال سرکوب جهت جلوگیری از انقلاب، آزادی برای فریب دادن زحمتکشان و...

لیبرالیسم در کشورهای تحت سلطه، در جهت حفظ مناسبات حاکم با امپریالیسم میکوشد. جد

لیبرالیسم، سیاست و طرز تفکری است که در قرن هجدهم در اروپا بوجود آمد. توقعی که طبقه سرمایه دار ارتدوگ رسد کرده بود و بسا فئودالیسم و فئودالیسمها سر تا سر تا زاری داشت، لیبرالیسم بوجود آمد. طبقه سرمایه دار مخالف قید و بند فئودالیسم بود و میخواست که آزادانه اجازه رشد سرمایه داری را داشته باشد، فئودالها از آنها مالیات تکثیر نمودن تجارت و بازار گانسی آنها نشوند. از اینرو لیبرالیسم که بیان خواست های اقتصادی و سیاسی آنها بود، بوجود آمد. لیبرالیسم که ایدئولوژی طبقه سرمایه دار بود، از آن جهت که با ارتجاع فئودالی به مخالفت برخاست و خواستار رشد نیروهای مولده بود، جنبه مترقیانه داشت. اما لیبرالها از آن سر و خواهان آزادی سیاسی بودند، که بتوانند آزادی اقتصادی را برای خود تأمین نمایند. یعنی بتوانند آزادانه ثروت خود را انباشت کنند و آزادانه به استثمار کارگران بپردازند. آنها آزادی میخواستند، اما تنها برای خودشان و تا آن حد که منافع خودشان تا مین رسید.

لیبرالیسم، ایدئولوژی ضد انقلابی بورژوازی را افشا و طرد نمائیم

دفاع نمود و بالاخره از "قاطعیت" برای اعمال "نظم" سخن گفت، "قاطعیتی" که جز دیکتاتور و خدا نقلاپی و سرکوب مبارزان کسا رگزان و چسز دیگری نبود، چنان "قاطعیتی" که بنی صدر به اعتبار آن گفت "شورا، بی شورا"، چنان "قاطعیتی" که چهار رتن از رهبران خلق ترکمن را اعدام نمود، چنان "قاطعیتی" که در سرکوب دانشجویان و سرقراری "نظم" خدا نقلاپی از خود نشان داد و فردای روز کشتار دانشجویان در دانشگاه از برقرار شدن "نظم" سخن گفت. چنین است که لیبرالها بی چون بنی صدر در مقابل با انقلاب و مبارزه نوده ها، "آزادخواهی" را فراموش کرده و چهره واقعی خود را رو میکنند، اما آنها برای فریب نوده ها

● لیبرالها می گویند تا از آزادخواهی مردم زحمتکش استفاده کرده و خود را همراه با آنان نشان دهند. اما هرگاه زحمتکشان طبع سرمایه داری قیام می کردند، آنها را "آزادخواهی" خود را فراموش می نمودند و خود به سرکوب آنها می پرداختند.

میکوشند و فقط با چماق، بلکه از زنان شیرینی نیز استفاده کنند. آنان شیرینی برای فریب نوده ها که بصورت وعده های دروغین حل مسئله بیکاری، رعایت و تضمین آزادیها و مناظره تلویزیونی و... صورت میگرفت و "چماق" برای سرکوب نوده ها، زمانیکه نوده ها به مبارزه دست می زنند.

اکنون با این توضیحات با بدروشن شده با شبکه لیبرالها "آزادخواه" نیستند. با بدروشن شده با شبکه لیبرالیسم، آزادی بسیاری نوده ها نیست، آزادی برای سرمایه داران، آزادی برای سازش با امپریالیسم، "آزادی" برای فریب نوده ها است، با بدروشن شده با شبکه لیبرالیسم، آزادی برای سازش با امپریالیسم، "آزادی" که زمان لیبرالها فریاد آزادیخواهی سر میدهد که منافع خودشان مورد تهدید قرار بگیرد، در شرایط کنونی که حزب جمهوری اسلامی بر لیبرالها فشار روانی آورد، قطب زاده، این دیکتاتور سانسورچی را دیووتلوویزیون فریاد "آزادخواهی" سر میدهد، او از نبود آزادی می نالد چرا که منافعی در خطر است. اما همین قطب زاده قاطعیت ضد انقلابی فراوانی در تصفیه کارکنان مبارزان دیووتلوویزیون نشان داد و در انحلال شورای مترقی آنها و برقراری استبداد قدری در دیووتلوویزیون دست حریفان "حزبی" را از پشت بسته بود. با همین بنی صدر که از نبود "آزادی" وجود شکنجه در زندانها می نالد، خود کسی است که در کشتار سرکوب دستگیری مبارزین خلق ترکمن کرد و... دستش بخون آلوده است. اما چه شده است که امروز داد آزادی سر میدهد؟ زیرا رقیب، منافع وی را مورد تهدید قرار داده و "آزادی" لیبرالها را محدود کرده است.

بدین ترتیب کارکنان و زحمتکشان نوده های مردم ما با پدهشیا ربا شدند و مانند کله لیبرالیسم، دموکراسی نیست، لیبرالیسم، ایجا در فاه و حل مشکلات ربا رفمان نمی آورد.

بقیه در صفحه ۶

خواهان حل "مسأله امتیر" آن بودند، در حالی که نوده ها بدلیل تضاد شتی نا پذیرشان با رژیم شاه و خواهان مبارزه مسلحانه علیه او بودند. در همان زمان، بازرگان کوشید که آیت الله خمینی را از اراد روی سرکونی شاه منصرف کند که موفق نشد. بختیاری نیز که جزو همین لیبرالها بود، خیانت خود را آشکارا کرد و برای مقابله با انقلاب به امان رژیم پنا برد و در سرکوب فعالان مردم نشان داد که "آزادخواهی" ای که وی در جبهه ملی به همراهی همدستانش دنبال میکرد، چند رواج و دروغین است و برای مقابله با انقلاب، حاضرات بدترین نوع استبداد و کشتار را اجرا کرد.

لیبرالها در شرایط نزدیک به قیام و در شرایطی که نوده ها خواهان مبارزه قطعی با رژیم شاه و امپریالیسم بودند، با سوار شدن بر امواج جنبش نوده ای کوشیدند تا واسطه بین خرد - بورژوازی مرفه ستی و امپریالیستها شوند و سیستم سرمایه داری و وابسته را بدون کوچکترین گزندی حفظ کنند، اما قیام، معادلات انتقال قدرت بصورت "مسأله امتیر" را برهم زد و ضرباتی را بر این سیستم و منافع امپریالیستها وارد ساخت. لیبرالها که بسیار حیرت زده شده بودند، با روی کار آمدن دولت جدید سرکونگی بازرگان کوشیدند فوراً روابط با آمریکا را بهبود بخشید، با اوکیها و ارتش را عفو نموده و حتی با اعدام هویدا مخالفت کردند. لیبرالها که برای سازش با آمریکا، برای بازسازی ارتش و سیستم سرمایه داری و وابسته سینه چاک میکردند و از "محسبات" آن سخن میگفتند آشکارا از مبارزات مردم انتقاد کرده، بازرگان میگفت: ای کاش که انقلاب نمی کردیم! و در جای دیگر میگفت: "با ران خواستیم، سیل آمد". لیبرالها هر چه بیشتر برای نزدیکی با امپریالیسم از جمله ارتش و... کوشش میکردند و بهمان اندازه تنفر خود را از مبارزات انقلابی نوده ها نشان میدادند و در سرکوب آن لحظه ای تردید به دل راه نمی دادند. از آن جمله است سرکوب مبارزات کارگران بیکار، سرکوب خلق کرد، سرکوب خلق ترکمن و... البته با زرگان نماینده لیبرالها، آنچنان آشکارا از حفظ روابط حسنه با امپریالیسم پشتیبانی میکرد که بزودی نزد نوده ها رسوا و جناح دیگر حکومت نیز آنرا کنار زد. اما بنی صدر لیبرال که به ریاست جمهوری رسید، همان راه را ادامه داد.

سیاست بنی صدر تلاش در جهت آزادی گروگانها تقویت ارتش آمریکا، ایجا در نظم کهنه گذشته و برقراری امنیت بزور سرکوب مجدد خلق کرد که خود بنی صدر آنرا تا زمان ندهی می نمود، سرکوب مجدد خلق ترکمن که بنی صدر آن در تلویزیون

لیبرالها که خواهان آزادی سرمایه گذاری خود و خواهان آزادی در تجارت دسترنج زحمتکشان هستند، این آزادیها را نمی توانستند بدون آزادی در حفظ مناسبات حسنه با امپریالیسم بدست آورند. چرا که آنها جزو طبقه سرمایه دار هستند و سرمایه داری در ایران وابسته به امپریالیسم است. بهمین دلیل آنان از مبارزه انقلابی مردم بر علیه امپریالیسم وحشت دارند و خواهان سازش و نزدیکی به آنها و حداکثر برخی مخالفتهای "آرام" و "قانونی" و "قابل قبول" که منافعی را به خطر نیا نندازد، هستند.

در این مورد کافی است به بررسی عملکرد لیبرالها در ایران چه از زمان که در قدرت نبودند و چه وقتی که به قدرت رسیدند ببیند: در دوران حاکمیت رژیم مزدور آریا مهری، لیبرالها که در قدرت نبودند، سنگ آزادیخواهی را به سینه میزدند. آنان اعترافشان به حکومت آریا مهری در این بود که چرا "قانون اساسی" رعایت نمیشود، چرا اجازه فعالیت به آنها که در چهارچوب قانون است داده نمیشود و به حکومت پیشینا دمیکردند که برای حفظ مملکت از "آشوب مردم" (منظوراً انقلاب نوده ها است)، بهتر است به رعایت قانون توجه کنند. شما را آنها این بود که تا با بدسلطنت کننده حکومت، تمام مواضع لیبرالها بی همچون شریعتمداری، سنجایی، بازرگان و... چنین بود. آنان نه تنها خواهان سرکونگی رژیم نبودند، نه تنها خواهان نابودی حاکمیت امپریالیستها بر زمین ما نبودند، نه تنها به استعمار وحشیانه کارگران اعتراضی نداشتند (چرا که خودشان در استعمار آنها شریک بودند)، بلکه دشمن انقلاب بودند و مخالفان با استبداد شاه از این بود که میترسیدند باعث انقلاب شود. آنان کوشش میکردند در مجلس و دولت راه بنیاد کنند و سازش با یکدیگر به سرکوب انقلاب بپردازند. اما رژیم آریا مهری به آنها "بی مهری" کرده و حاضریه سازش با آنها نبود، بهمین دلیل آنها از نقض قانون اساسی (همان قانونی که سلطنت را موهبت الهی می شناسد، همان قانونی که برای حفظ مناسبات سرمایه داران و برای سرکوب استعمار شونده گان بوجود آمده است، همان قانونی که سلطنت امپریالیستها را بر زمین، تا مین میکند) و از دست رفتن آزادی (آزادی خودشان) سخن می گفتند. اما به محض آنکه جنبش نوده ها گسترش یافت، مخالفت لیبرالها با انقلاب و تلاش برای حفظ سلطنت بالا گرفت. نصیحت های فرره سر، سنجایی، شاهپور بختیاری و شریعتمداری به شاه برای حفظ مملکت از "آشوب" شروع شد و تلاش برای مهار کردن جنبش خلق که خواهان سرکونگی رژیم بود، نطفه زنی یافت، بطوریکه روزتا سوعا لیبرالها مردم را وادار کردند که شاه را برگزینند، شاه نگویند، به این بهانه که ممکنست خونریزی شود!! لیبرالها همواره طرفدار سازش و مسالمت هستند. آنها اگر مخالفتی با رژیم شاه داشتند،

مصاحبه با رفقا حسین روحانی و تراب حق شناس پیرامون تماس با آیت الله خمینی در نجف طی سالهای ۴۹ تا ۵۳

رابطه آیت الله خمینی با مبارزات مردم ایران در سالهای تبعید:
در آن سالها، با استثنای سال ۵۷، یعنی تقریباً در طول ۱۳ سال، رابطه آیت الله خمینی با مبارزات مردم ایران، رابطه ای منفعل بود و از حد هر چه ۵ ماهه یک اعلامیه، آنهم پس از یک - دنیا اصرار و التماس برخی از طلاب و روحانیون مبارزان سالها از داخل یا خارج کشور، تنها وز

۵۲ به ایران بنا نهاده شده و مورد حمایت شاه قرار گرفته است.
و با یادید آیت الله خوئی که تا آخر پین روزهای شاه از او حمایت میکرد و در سال ۵۷ از فرج "سپنکام زیارت در نجف" استقبال نمود چه کسی است و آیت الله خمینی در قبال خوئی و امثال اثر آیت الله شاه هرودی و... چه موضعی داشته و دارد؟

● آیت الله خمینی نه تنها در برابر همه این خیانتها و افتضاحات سکوت میکرد بلکه ما را نیز در آن زمان از طرح انتقاداتی به روحانیت (در همان قالب فکری و مبارزاتی که در آن زمان داشتیم) منع می نمود.

● در آن سالها آیت الله خمینی چنان نومید بود که تلویحاً به برخی از طرفداران که از چند سال قبل در زندان بودند دستور داده بود که "توبه نامه" بنویسند و از زندان بیرون بیایند.

نمیگردد. آیت الله خمینی در باره سرکوب خلق کرد توسط رژیم شاه در سالهای ۴۶ و ۴۷، کشتار کارگران جهان چیت ۱۳۵۰ دستگیریه و اعدام - های آن سالها بخصوص از سبک هکل به بعد، کشتار خلق فلسطین در اردن (سینامیرسیاه)، جنایات امپریالیسم آمریکا در ویتنام، لشکرکشی شاه به ظفار و کشتار خلق عمان و بسیاری از موارد مشابه دیگر، هیچ موضعگیری نداشت و این در حالی بود که نیروهای انقلابی ایران و توده هایی که آگاه بودند برای هریک از مسائل فوق انسانی انقلابی قابل توجهی صرف کرده خود را با خطرات فراوان روبرو میساختند و چه بسا با سرخستانه در زندان می ماندند یا به جوخه های آتش سپرده میشدند برای آنکه نمونه ای داده با شما زدرکی که

آیت الله خمینی در سال ۵۱ از رشد مبارزاتی در ایران داشت اثاره میبکنم به اینکه وقتی از زیادت مبارزین جان برکف آن سالها خبری می شنید، برایش قابل باور نبود. مادفا عیبات مجاهد شهید سعید محسن را که خود او اصل آن را روی کاغذ سیگار نوشته به خارج زندان ارسال کرده بود چاپ و منتشر نمودیم و توسط همین آقای دعا شی نسخه ای را برای آیت الله فرستادیم. آیت الله پس از خواندن گفته بود: "اینرا در خارج از زندان نوشته اند" وقتی به او گفته شده بود: "خیر، سعید محسن خودش اینها را در سلول نوشته و به خارج از زندان فرستاده و اینهم نمونه دستخط اوست که در آخر کتاب کلید شده است، آیت الله با نا باوری گفته بود: اگر کسی این حرفها را بزند دهانش را خرد میکنند" که به او جواب داده شد "آقا! او را اعدام کرده اند!"

آیت الله خمینی در آن سالها نسبت به پیروزی بر شاه امیدوار نبود و همانطور که در قسمت های قبلی مشاهده آمده، آنرا بدون کمک

با یادید که در برابر امامی و ریخت و پاش با اصطلاح نیت المال مسلمین که از یک ریال و دو ریال توده های زحمتکش و نا آگاه جمع شده بصورت "وجوهات شرعی" به صندوق هریک از مجتهدین نجف سرازیر میشد و صرف شکمبارگی "آقا زاده ها" و نه و نه نتیجه های مجتهدین بزرگ میگردد آیت الله خمینی چه موضعی داشته و دارد برای مثال اولاد و نواده های مجتهدین "وفقای عالمیقام" - هر چند روحانی نبودند - از "مستعمری" مرتب ما هانه بر خورنا ر بودند. در باره ریخت و پاش و فسادهای "آقا زاده ها" که معمولاً با اصطلاح "عقل منغل" پدران نشان هم هستند چه در نجف و چه در قم و مشهد... افشاگریهای متعدد میتوان تهیه کرد که اینجا مجال طرح آنها نیست.

باری آیت الله خمینی نه تنها در برابر همه این خیانتها و افتضاحات سکوت میکرد بلکه ما را نیز در آن زمان از طرح انتقاداتی به روحانیت (در همان قالب فکری و مبارزاتی که در آن زمان داشتیم) منع مینمود. (رجوع شود به قسمت های قبلی مصاحبه - پیکار ۸۱) آیت الله خمینی، اگر در پیرو سزکوت میگردد ولی امروز که دیگر موضع گذشته را نمیتوانند داشته باشند به عنوان یکی از سردمداران رژیم در آمده است که در دست در مقابل خلق ایستاده است، از موضع سکوت پیشین پا را فراتر گذاشته به خیانتها و جنایتها میمعمین هم با اغماض می نگردد که نمونه اش را در "دادگاه ویژه روحانیت" (۲) میتوان دید.

(۲) - درباره "دادگاه ویژه روحانیت" که تبعیض بین معمم و غیر معمم را به وضوح نشان میدهد رجوع کنید به فرمان آیت الله خمینی مورخه

۹۹/۲۰ ج ۲۲ (پیکار)

(قسمت آخر)

پیکار: حالاً ز رفیق تراب خواهش میکنم درباره ادامه تماس با آیت الله خمینی پس از سال ۵۰ مطالبی را که لازم میدانم مطرح کند.
رفیق تراب: درک موضع آیت الله خمینی در قبال مسائل مبارزاتی توده های زحمتکش و تحت ستم ایران و شرح تماس ما با آیت الله یعنی شما باید بدان که سازمان مجاهدین در آن سالها به طرح مسائل ضروری متعددی نیاز دارد که در این مصاحبه (با توجه به صفحات محدود پیکار) نمیگنجد و باید آنرا به فرصتهای دیگری موکول نمود. برای مثال باید شرح داد که "حوزه علمیه نجف" چگونه محیطی است و مجتهدین بزرگ آنجا حداقل در ۶۰ سال گذشته چه کسانی بوده اند و در خدمت چه طبقاتی؟ آیا آنطور که امروز "تاریخ نویسان اسلامی" بدروغ اظهار میدارند روحانیت بزرگ شیعه پرچمدان آزادی و مبارزه با استعمار بوده است؟ یا بدیبرای توده ها روشن کرد که مجتهدی بنام میرزا محمد تقی شیرازی که "رهبرانقلاب اسلامی عراق" (در ۱۹۲۰) لقب گرفته و آیت الله خمینی از او با تحلیل فراوان یاد میکنند (سخن رانی مندرج در روزنامه های اول آذر ماه ۵۹) چگونه نامه ای به فرمانده سیاسی کل عراق، سرپرستی کاکس، که از چهره های بازرس است استعماری بریتانیا در خاور میانه بوده، می نوشتند است. با بدروغ کرد که همین مجتهد مورد حمایت آیت الله خمینی، به سفیر آمریکا در تهران چه می نوشته و چگونه از عدالت گسترده آمریکا شیان استمداد میکرد و با لایحه چه روابطی بین او و شوق الدوله عاقد معروف قرارداد تنگین ۱۹۱۹ (۱) و امثال او وجود داشته است؟

همچنین برای درک موضع آیت الله خمینی در نجف در آن سالها، باید برای کارگران و زحمتکشان روشن کرد که مثلاً آیت الله سعید محسن حکیم، صاحب قبیله و مورد حمایت فتوادلهای عراق و دشمن سر سخت کمونیستها و نیروهای مترقی که فتوای "الشویه کفر" (کمونیسم کفر است) را صادر کرد و کشتار عام کمونیستها در عراق را در خدمت توجیه نمود، چه کسی بوده و آیت الله خمینی نسبت به او چه نظری دارد، تا سرنخی در دست داشته باشد برای حمایتی که هم اکتیون رژیم جمهوری اسلامی از فرزند آیت الله حکیم میکند و او را در راس با اصطلاح "روحانیت مبارز" عراق مینشانند. در حالی که همین شخص اخیر (سید مهدی حکیم) از سردمداران حزب ارتجاعی "الدعوة" و مورد حمایت ساواک بوده است در سال

(۱) - روسیه تزاری و امپراطوری بریتانیا قرارداد ای را به ایران تحمیل کرده اند که بر اساس آن ایران به سه منطقه نفوذ یعنی شمال برای روسیه، جنوب برای انگلیس و مرکز به عنوان منطقه به اصطلاح بی طرف تقسیم میشد. این قرارداد در سال ۱۹۱۹ به امضای شوق الدوله نخست وزیر سید ولی در مجلس تصویب شد. (پیکار)

نست به مولوی و سرخوردی که او در همان سالهای ۴۲ نسبت به اصل سلطنت ویا سکوت و در قبال جنايات شاه در ظرف و... در سالهای بعد داشت بی ارتباط است؟

در خاشاک این مصاحبه جادو داشت راجع به روابط آیت الله با کردانندگان انجمن اسلامی در اروپا و آمریکا نظیر مادی طباطبائی و قطب - زاده و بنی مدرود کتیربیدی که کارشان بطور عمده اداره محافل و جلساتی بود که ربطی به مبارزه انقلابی علیه رژیم شاه نداشت و تا بید و کمک مالی که آیت الله بدانان مینمود جاسای صحتهای فراوان هست.

مادی این مصاحبه به تحلیل موانع آیت الله خمینی در سالهای تسعید و نقش واقعی که او در آن سالها داشته پرتو خسته میورد و اینجاست نیازی به تکرار آنها نیست.

ما در این مصاحبه کوشیدیم هر چند با ختمار کامل شمهای از واقعات جنبش انقلابی سالهای گذشته را که از طرف بورژوازی و خرده بورژوازی بقدرت رسیده شدیداً در معرض تحریف و مسخ قرار گرفته است، برای کارگران و زحمتکشان و نیروهای انقلابی بازگو کنیم و نشان دهیم طبقات و اقشار پستی بینی که در دوره شاه، در زیر حاکمیت مطلق سیاسی و اقتصادی سرما به دارای وابسته به امپریالیسم قرار داشتند و به همین اعتبار برخی مواضع مبارزاتی (البته نه پیگیری و در تناسبات با موقعیت طبقاتی نشان) از خود نشان میدادند، چگونه پس از سوار شدن بر موجی که انقلاب توده ها برانگیخته بود، وغیب قدرت سیاسی، به صف ضد انقلاب پیوسته همدست با امپریالیسم جهانی به سرکوب نیروهای کمونیستی و انقلابی میپردازند. این واقعتی است که راه سرخ انقلاب

دموکراتیک ضد امپریالیستی خلقهای قهرمان ما در مسیر پرستگلاخ خود با مبارزه علیه طبقات پادار نظام استثماری کهن طی خواهد گذشت. این وظیفه سترگ کمونیستهاست که بی مهابا حقایق را به توده ها بازگویند، آنها را در پرتو جهان بینی علمی خود ما رکیسم لنینیسم سنج، سازماندهی و رهبری کنند و جا معرأ بسوی آینده ای تابناک که فارغ از هرگونه ستم طبقاتی و ملی است رهنمون شوند. کمونیستها برای تحقق این آرمان از هیچ گونه فداکاری دریغ ندارند و از هیچ چیز نمی هراسند. این حتمیت تاریخ است. **پیشار:** با تشکر از رفقا تراب حق شناس و حسین - روحانی که نظرات خودشان را با پیرامون تماس با آیت الله خمینی در نجف با ما در میان گذاشتند، به خوانندگان عزیز بویژه رفقای کیه که ما مانده نوشتیم و خواستار انتشار این مصاحبه ها بصورت کتاب شده اند اطلاع میدهم که متن کامل این مصاحبه را همراه با مصاحبه با رفیق تراب پیرامون با و ههای شیخ محمد - منتظری (مندرج در شماره های ۶۸ و ۶۷ و ۶۹ پیکار) در یک کتاب منتشر خواهیم کرد.

به سکوت گذشته خود که ناشی از نا بیگیری شدید او در مبارزه با رژیم شاه و امپریالیسم بود اکتفا نکرده، بر ارتکاب قدرت خود به سرکوب کمونیستها و نیروهای انقلابی در داخل ایران برنخست و با لطمه بستانه ما هیت طعنا نیش نمینواست، هیچگونه حمایتی هم از انقلاب مسلحانه خلق عیان بعمل آورد.

● **آیت الله خمینی حماسه تاریخی خلق ویتنام را در حد "جنگ بین آمریکا و شوروی" تصور میکرد**

● **آیت الله درباره لشکرکشی شاه به ظفار معتقد بود: "ماکه نمی توانیم همه کارهای شاه را محکوم کنیم بالاخره ظفارها کمونیست اند"**

هما منظور که قبلاً گفته ام استثنای فتوای که در سال ۴۲ راجع به کمک مالی به سازمان الفتح از طرف آیت الله خمینی داده شد، دیگر اعلامیه ای مستقل در حمایت از فلسطین از او سراغ ندارم تا اینکه در سال ۵۲ برادران انقلابی فلسطینی از ما خواستند ترتیب ملاقات هبائی از طرف آنها را با آیت الله بدهیم تا آنها ضمن طرح مسئله جنوب لبنان، از او بخوانند و فتوای حمایت شیعیان لبنان از مقاومت فلسطین را مورد تاکید قرار دهد. در آن ملاقات که من هم معرف آنها بودم و هم کارتر جمعه را بعده داشتم این امکان حاصل شد که ضمن طرح مسائل سیاسی مربوط به قضیه فلسطین بخصوص در لبنان آیت الله وعده انتشار اعلامیه ای در حمایت از فلسطینی ها را بدهد. آن اعلامیه با بعضی پیشینها دهائی که من هنگام قرائت پیش نویس آن کردم بهامضای آیت الله رسید و منتشر شد.

رو بهمرفته موضع آیت الله خمینی نسبت به مسائل سیاسی ایران و منطقه حالت منفعلی داشت بطوریکه تا سال ۵۲ او برای نیروهای انقلابی فلسطینی و غیره تقریباً نا شناخته بود. در مورد برخورد آیت الله با عمال سرسپرده رژیم شاه، یک نمونه را ذکر میکنم و آن اینکه طی یکی از ملاقاتها که معمولاً برای درجریان گذشتن آیت الله نسبت به اخبار مبارزاتی ایران داشتیم، مطرح کردم که سرهنگ مولوی رئیس سابق ساواک تهران گویا کشته شده است. آیت الله با تعجب پرسید که "چرا او را کشته اند؟" من گفتم "لابد چون در اس ساواک بوده" گفت: "این درست نیست، او دیگر از ساواک رفته و به ژاندارمری منتقل شده بود".

آیت الله ز سرهنگ مولوی خاطره ای داشته است و آن اینکه در سال ۴۲ وقتی آیت الله خمینی حدود دو ماه در زندان گذراند یک روز مولوی نزد او میروید تا خبر آزادی آیت الله را به او بدهد و تا کید کند که "شاهنشاه معتقدند که حضرات آیت عظاما بیدمورد احترام باشند و از سخنرانی تند آیت الله ناراحت هستند" و آیت الله خمینی قبول میکند که ممکن است تند رویهای هم شده باشد اما اغماض آیت الله

یک ارتش و دولت خارجی، ممکن نمی دانست تا بدینا طریقه نومیی بود که در اغلب اعلامیه ها و نامه های آیت الله در آن سالها عباراتی مانند اینکه "من روزهای آخر عمر خود را می گذرانم" و... دیده میشد، و نمیدانست که ضعف های جنبش انقلابی ایران و فقدان تشکیلات نیرومند انقلابی و کمونیستی، او را بر جنبشی توده ای سوار خواهد کرد تا بالاخره مردم، "جمهوری اسلامی" را هم تجربه کنند! او به مبارزه عظیم توده ها و افکار توتان انقلابی زحمتکشان اعتماد نداشت و به همین دلیل هم هست که همواره از انقلاب توده های زحمتکش ایران که نظام شاهنشاهی را به زیاده ان تاریخ افکنده است معجزه میسازد و میگوید "دستی از غیب بیرون آمده" و کاری کرده است. در آن سالها آیت الله خمینی چنان تو میسود که تلویحا به برخی از طرفدارانش که از چند سال قبل در زندان بودند دستور داده بود که "توبه نامه" بنویسند و از زندان بیرون بیایند. (۳) و بدین ترتیب آقای لاجوردی (دادستان دادگاه انقلاب)، عسکری و لادی (وکیل مجلس شورا) و حاج مهدی عراقی (که بدست گروه فرقان ترور شد) و آیت الله انواری (نماینده امام در زندان رمی و وکیل مجلس شورا) و آقای کروی، همه در سال ۵۵ در تلوویزیون، سیاسی تا هشتا آریا مهربا گفتند و آزاد شدند.

درک آیت الله خمینی در آن سالها ابعاد بسیار بین خلقهای تحت ستم از یک طرف و امپریالیستهای غارتگر و خونخوار و عوام مل دست نشانده آن از طرف دیگر چنان بود که نیردعا دلانه و حماً - آفرین خلق ویتنام را که بیوزها امپریالیسم آمریکا را به خاک مالید بصورت دعوی آمریکا و شوروی تصور میکرد. در دستکاه های تبلیغاتی رژیم جمهوری اسلامی بارها از مبارزات خلق ویتنام و بیروزی عظیم آن یاد شده است ولی هرگز اینرا نگفته اند که آیت الله خمینی در آن سالها که جنگ جریان داشت کوچکترین موضعی در حمایت از آنان تکرف همجنین البته با ترانسیر نگفته اند که آن بیروزی عظیم تحت رهبری حزب کمونیست ویتنام عملی گشت.

همینطور در مورد لشکرکشی شاه به ظفار روسر - کوب خلق قهرمان عمان که جزئی از ایفای نقشی بود که امپریالیسم بنوعی ژاندارم منطقه بعهده شاه گذاشته بود، آیت الله خمینی هیچ موضع مخالفی نگرفت، بلکه سید مصطفی فرزند آیت الله، از قول پدر نقل کرده بود که "ما نمی توانیم همه کارهای شاه را محکوم کنیم بالاخره ظفارها کمونیست اند!" البته آیت الله خمینی

(۴) - چند سال زندان کشیدن این آقایان و امثالهم در استان مغللی از آزادی، تنگ نظری - های خرده بورژوازی و باس دار در درجای دیگری با بدافشا کرد (پیکار)

هنرمقاومت هنرپرولتاری



نقد فیلم "چهل و یکمین"

کارگردان: گریگوری چوخرای - محصول شوروی

هنر و زیونیستی و نفرت از جنگ طبقاتی پرولتاریا

فیلم "چهل و یکمین" اثر شهسور کریگوری چوخرای، یکی از برآوازه‌ترین فیلم‌سازان رویزیونیست معاصر شوروی مدتی است که اکران چندسینمای رسمی جمهوری اسلامی را فتح کرده است این فیلم اثر تازه‌ای نیست، در واقع محصول سال ۱۹۵۶ می‌باشد، نمایش آن بارها در کشورهای غربی و همچنین در ایران آتیم مصادف با سیاهترین سالهای سرکوب رژیم شاه نکراند و ستایشهای فراوانی برانگیخت، با اینهمه بخاطر اهمیت تاریخی این فیلم در بنانها دن هنرپروژوا - رویزیونیستی معاصر، بخاطر تاثیر مخرب آن در میان کارگران و زحمتکشان جهان، و بخاطر ضرورت روشن کردن ماهیت ایدئولوژیک این اثر برای پرولتاریای مارکسیست - لنینیست و همه زحمتکشان، ما لازم دیده ایم پرده از چهره فریبکارانه آن بکشیم، تا بهتر آنگار شود که چرا جمهوری اسلامی، این چنین طرفدار فیلمهای روسی شده است، و بویژه حزب جمهوری اسلامی چرا تا به این حد علیرغم همه تضادهای ضد انقلابی خود با سوسیال امپریالیسم شوروی، بسوی این آثار آغوش گشوده است و از آن چه می‌طلبد، ما فراموش نمی‌کنیم که آنان با صراحت در نشریاتشان می‌نویسند: "ا ز سینمای روسیه با غولهای... که گشوده اند قبیل از هر چیز یک سینمای مسلح به ایدئولوژی سازماندهنده در واقع سینما را تبدیل به وسیله آموزشی کنند که در سطح وسیعی با قویترین نیروبرایشان تبلیغات کند می‌توان آموخت... فیلم جادوگران قرن بیستم (این فیلم به وسیله "بنیاد هنری مستمعین" به نمایش درآمده است سوسیال امپریالیسم شوروی است - پیکار) و هم‌بقیه فیلمهای سینمای روسیه به ملت اینکده‌های ایده‌ها و تکنیکهای تازه و خالی هستند می‌توانند در مقابله‌ای بین سینمای غرب نتیجه‌ای خوب به سینماگران و سینما دستان بدهد... (پنجشنبه ۳۰ مرداد ۵۹ - هفته‌نامه فرهنگی روزنامه جمهوری اسلامی)

هیچ شکی نمی‌توان داشت که کارگران ان هنری حزب جمهوری اسلامی بدرستی دریافتند این "ایده‌های تازه" و این "سینمای مسلح به ایدئولوژی" امروز شوروی هیچ ربطی به ایده - ها و ایدئولوژی مارکسیسم - لنینیسم ندارد، و آموزش آن، آموزشی خیانت با برابری طبقه کار و کروسا بر زحمتکشان و آموزشی بسودپروژوازی و در خدمت ارتجاع و ضد انقلاب است، و به همین دلیل است که فیلم‌هایی نظیر "چهل و یکمین" را به نمایش درمی‌آورند... بسینمای فیلم منحصلا چوخرای چگونه به رژیم جمهوری اسلامی خدمت میکند.

چوخرای خود درباره فیلمش میگوید: "من ۴۲ سال پیش در اکراشین" ما یل‌ها دورتر از مسکو متولد شده‌ام، و "چهل و یکمین" را در سال ۱۹۵۵ که چنین تا تیری بر فیلمسازی روسیه داشته‌است در همانجا ساختم. پیش از ساختن "چهل و یکمین" من درباره آینده سینمای شوروی که در نتیجه کیش شخصیت استالین به دکما تیسیم کوتاه نظرانه مبتلا شده بود خیلی فکر کردم، تصمیم گرفتم که بر علیه این دکما تیسیم مبارزه کنم، من مجبوریم مبارزه با تعصبات بودم تا شانس ساختن این فیلم را بدست آورم." (چوخرای - مجله فیلم و فیلمسازی - اکتبر ۱۹۶۳)

اکنون آنان تر می‌توان دریافت که در پشت "چهل و یکمین"، کدام دیدگاه سیاسی - ایدئولوژیک و هنری نهفته است و در پس‌تصاویر این فیلم چه ضدیت و قیاحه‌ای با ما رکسیسم - لنینیسم و هنر ما رکسیستی خوابیده است.

داستان فیلم

فیلم "چهل و یکمین" مربوط به سالهای اول انقلاب اکتبر و دوران جنگ داخلی است فیلم با صحنه‌ای شروع می‌شود که دسته‌ای از نیروهای سرخ از کارگردان شکست خورده و در شتران

های خزر در حال عقب نشینی هستند، ما روتکا یکی از افرادی این دسته است، او دختری ساده و سیراندازی ما هر و بلشویکی رزمنده است، آنان به فرادکا رد سفید می‌خورند و با روتکا از سی و هشتمین تا چهلمین نفرات را دشمن را بدون خطا مورد هدف قرار می‌دهد، اما وقتی که ما ته را برای کشتن "چهل و یکمین" نفرمی فشار داد دست تقدیر (!) سبب می‌شود که تیرش به خطا برود و اثر کار رد سفید مورد هدف قرار نمی‌گیرد، بر جرم سفید را بالا می‌برد، و به اسارت آنان درمی‌آید، او از افسران کلچاک فرمانده کل کار رد سفید است و با خود اسرار یک حمله پرا اهمیت را برای دنگسین، زرنال دولت شور شی حمل میکند.

و طبقه محافظت از این افسران رسیدن به سناد ارتش سرخ به ما روتکا سپرده می‌شود، و پس از حوادثی، وقتی که آنان با یک قایق به محل ستاد می‌روند قایق شان گرفتار توفان شده و دو نفر از همراهان ما روتکا غرق می‌شوند و او افسر چشم‌آبی به بیگ جزیره خالی پرتاب می‌شوند، در اینجا است که این دو عاشق هم می‌شوند لیکن دوران سعادت! آنان دیری نمی‌پایید، بگوروا زمان دریا قایقی سر میرسد، آنان فکر می‌کنند که نجات یافته‌اند اما با نزدیک شدن قایق، مشخص می‌شود که متعلق به افراد کار رد سفید است، افسردشمن، فریادرنان بسوی قایق می‌دود و ما روتکا در یک لحظه بناچار کسی را که عاشقش بود، میکشد و آنکه در حالیکه شدت می‌گیرد، جسد غرق در غوشش را در آغوش می‌فرد، و فیلم پایان می‌یابد.

ریاکاری فیلمساز رویزیونیست

آموزش ضد مارکسیستی و خیانتکارانه این فیلم در کجاست؟ چوخرای یکی از علمداران هنر رویزیونیستی چگونه فریبکارانه حقایق را تحریف میکند؟ اینست مسئله‌ای که ما به‌تازم به‌ر دازیم.

آنچه که ما بدر و هله اول بدان توجه کرد این موضوع است که چرا چوخرای صحنه را به گونه‌ای می‌گرداند که ما روتکا ی بلشویک عاشق افسر کار رد سفید شود، در پشت این داستان چه چیزی پنهان شده است، چیزی که بیش از همه می‌تواند توجه یک تماشاگر مارکسیست - لنینیست را جلب کند این است که فیلمساز این داستان برداری فریبکارانه سعی می‌نماید به مردم دشمن طبقات آشتی نا پذیر را از میان بردارد.

ما روتکا، نماینده پرولتاریا انقلابی و افسر کار رد سفید نماینده بورژوازی ارتجاعی است، چگونه ممکن است این دو عاشق یکدیگر شوند؟ حقیقت آن است که چنین آموزش موزورانه - ای تنها از ذهن غلیل و خاشن یک هنرمند رویزیونیست می‌تواند بدتر اوش کند، آنان همان

رویزیونیسم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم

آموزش دروغین نوکران بورژوازی.

نفرت از جنگ طبقاتی و تضاد عشق و وظیفه انقلابی

در مباحثه‌ای که در جوخه‌ای در نشریه شماره ۴۷ سینما ۶۰، زووش ۱۹۶۰ چاپ شده و به نحو بی‌تر مترا نه‌ای ادعا کرده است که منظور من در این فیلم آن بوده است که نشان دهم چگونه "انقلاب" مردم را به دو اردوگاه مخالف تقسیم کرده است (۱).
درواقع نفرت از انقلاب در سراسر "چهل و یکمین" بوضوح به‌نمایش درمی‌آید. وظیفه انقلابی ما روتکا به‌اد حکم می‌کند که ناخواسته معنوفش را بکشد. هر جا که انقلاب نشان داده می‌شود، زشتی، فقدان، "شردوستی" و عشق و همراهی آن است. کمی‌سریا زان سرخ، بصورت موجودی وحشی و خشن و نفرت‌انگیز نموده می‌شود. افراد کا در سرخ، سربازانی با روحیه ضعیف هستند که دست به‌اعمال جنون‌آمیز می‌زنند. کمی‌سریا به‌یکی از سربازان سرخ "مغول کشتافت" خطاب می‌کند و سرباز سرخ دیگری دارای افکار کشف‌شده است.
شپوت آمیز نسبت به ما روتکا است
برعکس، افسر کا رد سفید، فردی با "فرهنگ"،

می‌زبان، "روشنفکر" و کتاب‌خوانده است، زمانی که آنها از دیگران جدا می‌افتند و در جزیره‌های خالی از سکنه با هم تنها می‌مانند، عشق، آرامش، سعادت و نیکبختی به‌آنان رومی‌کند و انقلاب و وظیفه انقلابی که با زشتی توأم است جایش را به هم‌زیستی مصلحت‌آمیز و دوری از انقلاب و زیبایی می‌دهد. اینست آموزش‌ها نشان‌دهنده دیگر کریکوری جوخه‌ای، به‌درستی‌های بورژوا - رویز - یونیستی شوروی، اینست نفرت بیگ‌مان رویز یونیست‌ها از جنگ طبقاتی و اینست تضاد عشق انسانی با وظیفه انقلابی!!

"چهل و یکمین" را از زوایای مختلف می‌توان مورد نقد قرار داد. دو صحنه به‌صحنه آن را بررسی کرد و پرده از چهره این فیلم بورژواشی و خیانتکارانه برداشت و هر چه بهتر به‌علت حمایت جمهوری اسلامی از فیلم‌های روسی پی برد. لیکن به‌دلیل عدم مکانیک بحث مفصل ما در همین جا به نوشته خاتمه می‌دهیم برای درک هر چه عمیق‌تر ما بهیت بورژواشی این فیلم به‌کتاب "نمونه‌ای از هنر رویز یونیستی" مراجعه می‌توان نمود.

(*) - به نقل از "نمونه‌ای از هنر رویز یونیستی" - چانگ کوانگ نی -

مشاهده‌ی اثر بودن این حمله، تغییرات وسیعی در دولت و حزب رویز یونیست، انجام گرفت. با این همه عکس‌العمل کارگران، بی‌تفاوتی توأم با تنفر بود.
از طرف دیگر امپریالیست‌های غربی که مسئله را بسیار جدی‌تر از آن دیده بودند که به‌خواهند صرفاً به‌استفاده تبلیغاتی (۱) بسازند؛ علیه رقبای خود دست بزنند، با اعلام اینکه: "امیدوارند دولت لهستان بتواند مشکلات داخلی‌اش را حل کند"، پشتیبانی خویش از دولت لهستان را اعلام داشتند که این خود بی‌توجهی و حشمت امپریالیست‌ها از جنبش کارگری است. (ادامه دارد)

(*) - دولت رویز یونیست لهستان که از شدت کوبندگی ضربات کارگران به‌وحشت افتاده بود، مجبور به پذیرش تمام خواسته‌های آنان گردید. اما بعد از اجرای آنها مانند تمام رژیم‌های سرمایه‌داری، شروع به اشکال‌تراشی نمود. این موضوع از یک سو و شدت آگاهی مبارزان کارگران از سوی دیگر، موجب ادامه اعتصاب و مبارزات کارگران گردیده است.

(*) - امپریالیست‌های غربی (و همچنین رژیم جمهوری اسلامی) برای موجه جلوه دادن خود سعی می‌کنند نظامی موجود در کشورهای اروپای شرقی را سوسیالیستی جا می‌زنند تا بوسیدگی سرمایه‌داری دولتی این کشورها را بحساب سوسیالیسم و کمونیسم بگذرانند و بدینوسیله سوسیالیسم را در اذهان کارگران و توده‌های کشورهای خود و جهان، بی‌اعتبار سازند.

کونه که مبلغ آنتی طبقاتی، مبلغ نشانگی بورژوازی و پرولما را برده افکندن برضاد کاروسرما به‌اند، به‌همان‌سان برابیان نکوفانیدن عشق و وحدت یک بلتویک با یک دشمن طبقاتی ممکن و ابدهال است. اینترآقای جوخه‌ای بالاتر از "خنگ اندیسی" و "دکمانسم" کمونیست‌ها در ارتباط با ما بهیت طبقاتی و نهاد آنتی نایدی طبقات وجود دارد، و آن "انسان بطور کلی" و "جوهر انسانی" است. اگر برای ما رکیست‌ها عشق، یکی از عالیترین اشکال یگانگی سیاسی - ایدئولوژیک و عاطفی است. از نظر کار رویز یونیست‌ها چنین مسئله‌ای "دکمانسم" است و عشق ما و راه طبقات و امیری مربوط به فرد و ذات نامکفوف بشری و سرشت بشر دوستانه انسان‌هاست. اینست بشر دوستی را با رانه فیلم‌ها رویز یونیست و اینست

بقیه از صفحه ۱۹ یک‌تربیع...

کرد، اما با اتخاذ مواضع راستروانه در مقابل مسائل فوق‌انحراف بزرگی در پیش گرفت. تسلیم طلبی‌های حزب توده و سازش او با ارتجاع سنگی بزرگی در مقابل پیروزی تمام‌انداخت، حزب توده پس از انتماب توأم به‌نخست وزیر "بدون هیچ‌گونه قید و شرطی با تمام نیروی تشکیلی" به پشتیبانی این فرقه نوکار امپریالیست‌ها رفت، و در کابینه توأم شرکت نمود. و دست و پا ل ارتجاع را در گسترش برنام‌های سرکوب و ارتجاعی این‌ها زکذاشت و دنبال "ملح و سازش طبقاتی" را می‌گرفت. اشتباهات شوروی سوسیالیستی تحت رهبری رفیق استالین نیز نقش مهمی در شکست جنبش خلق آذربایجان بازی کرد. دولت شوروی با مذاکره با توأم مرتجع و عقد قرارداد مواقت در تبدیل مجلس ملی خلق آذربایجان به مجلس ایالتی و ولایتی و تقاضای امتیاز نفت شمال در مقابل منافع خلق آذربایجان و آینده انقلاب ایران یکی از بزرگترین اشتباهات سیاسی خویش را مرتکب شد و عملاً با اعمال نفوذ در رهبری فرقه دمکرات راه‌برای اعمال نفوذ رهبران سازشکار را زکذاشته و سعی در جلوگیری از مبارزه و مقاومت مسلحانه خلق زحمتکش آذربایجان پیروزی ارتجاع را تسهیل کرده و منافع اتحاد شوروی را در برابر منافع زحمتکشان میهن ما قرار داد. این برای یک دولت سوسیالیستی قابل اغماض نیست. خلفای قهرمان ایران از جنبش انقلابی خلق آذربایجان و پیروزی‌ها و شکست‌های آن بسیار آموخته‌اند. اگرچه این خلق در یک آزمون انقلابی با شکست روبرو شد ولی این ناکامی تجربه‌ای است که با تکیه بر درسی‌های آن خلق آذربایجان، در کنار دیگر خلفای ایران نیز بر سرچشمه جمهوری دمکراتیک خلق سردر وازه‌های پیروزی خواهد کوبید. تجربه‌ای که امروزه خلق قهرمان کرد با تکیه بر آن درسیا، پیش - درآمد پیروزی را شروع بناواختن کرده است.

تجربیات...

بر دخالت نظامی در لهستان، بی‌انگاریست مدعا است. دولت لهستان برای منحرف کردن سازه کارگران به‌کشیش و مرتجعینی چون "پاپ" متوسل گردید و این مرتجعین که حیره خوار امپریالیست‌ها هستند، جهت انجام "وظایف" خود کارگران را به قطع اعتصابات و در نظر گرفتن "معالج عمومی" دعوت کردند. آنها برای منحرف کردن جهت مبارزه، کارگران را به طرح خواسته‌های مذهبی (یعنی قدرت گرفتن کشیشها) و صرفاً این چنین خواسته‌های، دعوت کردند. البته دولت "سوسیالیستی" (!) لهستان هم‌با این خواسته‌ها موافق بود.

دولت از بیخ‌اخبار مربوط به اعتصابات جلوگیری بعمل آورد و مدت‌ها ارتباط کارگران اعتصابی را با سایر نقاط لهستان و جهان قطع کرد. (قطع ارتباط تلفنی شهر "گدانسک" با سایر مناطق، عدم بیخ‌اخبار اعتصابات در روزنامه‌ها و وادو، تلویزیون) و پس از آنکه تحت فشار کارگران مجبور به شکست سانسور گردید، بوسيله دستک‌های تبلیغاتی‌اش با ترساندن مردم از عواقب اعتصابات سعی کرد تا بین توده‌ها تفرقه انداخته و کارگران اعتصابی را از حمایت مردم محروم سازد. اما زمانیکه تمام این حیل‌ها در مقابل اراده بیولادین طبقه کارگر، بی‌اثر گردید، دولت شروع به عقب‌نشینی کرد و در هر مرحله از این عقب‌نشینی سعی در متوقف ساختن مبارزه کارگران نمود. آنها ابتدا تغییراتی در مقام‌های دولتی که در جریان اعتصابات رسوا شده بودند، دادند و دولتی بعد از

"یک ربع قرن از قیام باشکوه خلق قهرمان آذربایجان گذشت"

۲۱ آذر: سالگرد

یک پیروزی، یک شکست



ایستادگی شما بد، معنا بر سر زوا که در رهبری
"فرقه" نفوذ کرده بودند با وخت از شما هم ارتجاع
دستور "ترک مفت" دادند تا "خونی ریخته
شود" البته هوری بدستور ارتجاع دشمنی ایران را
ترک کرده و معنا سریزدل و سازشکار در درازای "فرقه"
دمکرات "ترا رکرفسند، ولی شورنا و مت خلسن
ترک آذربایجان شکستی نبود! انقلابیون مسلح
نوده ای درماننا بل ارتش مزدورنا هف بستند و
مقامی حماه آفرین از خودنا دانند .
نوی ارتشی محمدرفاضا همام خون براه انداختند
مردان را سر بریدند، بر زنان و کودکان و تجاوز
کردند و خلق دلبر آذربایجان را با خاک و خون
کشیدند و دهها هزار کشته بجای گذاشتند. ارتش
قیام پیروز مند خلق آذربایجان را پس از کمال
که توانسته بود خلق را بر سر نوبت خویش حاکم
گرداند درهم شکست، شکست قیام خلقی که دلش
برای آزادی کل ایران می طبعه، آغازی شد
برای ارتجاع که مدیوحانه "۲۱ آذر ۲۵" را روز
"قیام آذربایجان" و "سازگشت آن به آغوش میهن"
قلندادندما بد .

دستاوردهای قیام خلق آذربایجان

علیرغم شکست زودرس، حکومت ملی فرقه
دمکرات در مدت کوتاه هرقراریش توانست
اقدامات مترقیانه ای انجام دهد که برخی از
آنها را مختصرا میا ویریم: تقسیم اراضی مالکین
فزارای بین دهقانان، مبارزه شدید با رشوه -
خواری و فساد اداری، تعمیم بهداشت مجانی در
سراسر آذربایجان، کنترل قیمت اجناس و کاهش
آنها بمیزان ۴۰٪، تصویب قانون کار انقلابی،
بکار بستن برنا همکار همگانی، آموزش همگانی
و مبارزه جدی با جهل و بیسوادی، تأسیس دانشگاه
تبریز، تأسیس فرستنده رادیو، آموزش بر زبان
آذربایجانی در مدارس و بسط و گسترش فرهنگ
غنی آذربایجان و ...

انحرافات و علل شکست قیام

یکی از علل مهم انحراف و شکست قیام پسر
شکوه خلق آذربایجان را باید در درون "فرقه
دمکرات آذربایجان" جستجو کرد، از جمله همین
عوامل با دوازده اشتباهات رهبری و نفوذ معنا بر
بورژوا و ملاکین در درون فرقه (آذربایجان
ارگان کمیته مرکزی "فرقه" در شماره ۳ بهمن
۲۴ تعدادا معاف فرقه را ۷۰ هزار اعلام که از جمله
آنها ۵۰۰ مالک ۲۰۰۰۰ تا خربودند) و بویژه
رهبری آن، اشتباه بزرگ رهبران این فرقه
بود که گویا میتوان مبارزه ملی را از مبارزه
طبقاتی جدا کرد ("فرقه ما فرقه ای است ملی و
لذا بدون در نظر گرفتن طبقات، عموم جماعت را
بزرگ برجم خود فراموش میخوانند" آذربایجان ۱۴/۶/۲۴)
و ... ("ا" اختلاف موجود بین دهقانان و اربانان
از طریق صلح و سازش حل میشود" - آذربایجان
۱۷/۶/۵۴)، فرقه اگرچه برنا مه ای انقلابی بیاده
بقیه در صفحه ۱۸

علیه رژیم ارتجاعی و امیرالاسم برخاست
انقلابیون آذربایجان فریاد برآوردند که:
"با بد دولت آزاد بخوا و بیشتیمان دمکراسی در
ایران سرکار آید، ملت ایران با بدحاکم پسر
سر نوبت خود باشد."
مسازرات توده های آذربایجان کشتی
میبا بد ارتجاع برای سد کردن آن دست به
توطئه میزدولی توده های انقلابی به مبارزه
برخاسته و حاضر نیستند آزادی را از ارتجاع
کدائی کنند، موقعیت انقلابی سراسر آذربایجان
حکمرانست، خردت مسلح توده های زحمتکش
شهرورستان بوجود میاید، دولت تصمیم به اعزام
نیرو میگیرد که توسط ارتش سرخ در ترویس
متوقف میشود، کنگره خلق آذربایجان در ۲۴/۷/۲۹
برگزار میشود و دستورا با دمج مجلس ملی صادر
میکردد، روز ۱۱ آذر ارتش بر روی عسزاداران
حسینی آتش میکشا بند و ۲۱ آذر مجلس ملی تشکیل
و پیشه وری ما مور تشکیل کا بینه میگردد، در مقابل
حرکت رزمجویانه و خروشان مردم، ارتجاع کیج
میشود در اول بهمن ۲۴ تمام السلطنه نوکسر
سر سپرده امیرالاسم قیامه "دمکرات" منشا نه
روی کار میاید .

هجوم ارتجاع و شکست قیام

قوام السلطنه که توانسته بود از پشتیبانی
حزب توده برخوردار شود و با ارتجاع دشمنی
سوسیالیستی ترار داد دولتی امضاء بنماید
دستور انتخابات "مجلس ایالتی" را در آذربایجان
ما در کرده و ارتش را برای "نظارت" انتخابات
به آذربایجان اعزام میدارد و این بهانه بوش
ارتش بر علیه خلق آذربایجان میشود، مسئولین
شوروی از پیشه وری خواسته بودند در برابر ارتش

از ۲۱ آذر ۱۳۲۴، روز برقراری حکومت
دمکراتیک در آذربایجان تا ۲۱ آذر ۲۵ روز شکست
این جنبش، خلق آذربایجان سال برتحوالی را
بخت سرگذاشت، یک سالی که در جنبش دمکراتیک
و ضدا مبریا لیستی خلقهای ایران اثرات مثبت
و منفی فراوانی باقی گذاشت، این تحولات
در آینده انقلاب ایران - از آن روز تا کنون -
تا شیرفراوان بخشیده و همچنان اهمیت خود را
در تاریخ مبارزاتی خلقهای ما حفظ خواهد کرد .

زمینه های شکل گیری قیام خلق آذربایجان

در طول دیکتا نوری رضا خانی، خلق قهرمان
آذربایجان بخاطر سودگیری از سنتهای مبارزاتی
سازخان ها در دینیت مشروطه و قیام شیخ -
محمد خانی و آموزش انقلابی در شرایط
انقلابیون تبریز و جنبش "سویال دمکراسی
روسی" در آغاز قرن اخیر میلادی و ... یکدم از
مبارزه با ستاده و آذربایجان طلب بر طبعش
انقلاب ایران محسوب میشد، علاوه بر سنتی که
خلق آذربایجان همچون دیگر خلقهای ایران
از سلطه رژیم استبدادی رضا خان و تاخت و تاز
امپریالیستی آمریکا و انگلیس و آمریکا میبرد
نویسیم و سلطه طلبی فارس رژیم حاکم نیز بر
کرده خلق قهرمان آذربایجان استکبانی میکرد .
هیات حاکمه محصولات دهقانان آذربایجانی
را بزرگ و بیگمتر از آن میخورد و در زمستانها
مواد فاسد را به بیهای کفاف بر آنها تحمیل میکرد
ستم اربانان کمزور دهقانان را می شکست و در دل
آنها بذر طوفان میکاشت، زاندارمهای حکومت
با همدستی اربانان و جا قوگشان به قتل و غارت
دهقانان و زحمتکشان دیکر می پرداختند .
مزدوران رژیم سربانی اتحادیه های قلابی،
بذرتفرقه و جدائی میان کارگران می پاشید .
صحبت به زبان آذربایجانی، سرکوب، حبس و
شلاق بدنیال داشت، رئیس فرهنگ مسزور
آذربایجان با وقت میکفت: "هرکس ترکی
حرف میزند، فاسد را لاغ سیرا و برنید و او را به
آخور بسندید"، حکومت نفوذ ا لها را بر علیه
دهقانان مسلح میکرد و ... و در نتیجه خشم
خروشان مردم آذربایجان طوفانی عظیم بر سراسر
مسابخت و جنبش سیاسی - اجتماعی خلسن
آذربایجان شکل میگرفت .

قیام چگونه شکل میگیرد

کمیته ایالتی حزب توده در فروردین ۲۱
تشکیل شد و تا ۱۲ شهریور ۲۴ که "فرقه دمکرات
آذربایجان" شروع به فعالیت کرد، تشکیلات
رهبری کننده جنبش دهقانان و زحمتکشان
آذربایجان بود، رهبری فرصت طلب حزب نمی -
توانست آن حرکتی را که خوابگوی شور انقلابی
زحمتکشان آذربایجانی با شده پیش ببرد و لذا
با رهبری سیدجعفر پیشه وری کمونیست انقلابی
"فرقه دمکرات آذربایجان" که خواسته های خلق
آذربایجان را در جهت تدارک انقلاب اجتماعی
تجدیدی بخشید بوجود آمد، "فرقه" به مبارزه بر



رفیق م-گ از رشت

این رفیق سما سوتنه است که آنچه در بیکار ۷۶ در مقاله "وظایف عملی ما در شمال جنوبی" کا رگری و توده‌ای "در باره تلاتی دارودست" به بحثنا برای کودتا آمده با تحلیل ما از جنبه داخلی منافات دارد چرا که مختیار سنا بنسده سیاست امپریالیسم آمریکا است و در حقیقت بدین ترتیب امپریالیسم تلاتی را رد کودتا کند. و این با تحلیل ما از جنبه داخلی و نفی کودتا در تناقض است.

در پاسخ رفیق سنا بدینکوشم روند جاسمعه را جنبه داخلی ارزیابی کردن معاصر تلاتی امپریالیسم برای کودتا نیست ما تکفتم و اعتقاد نداریم که امپریالیسم آمریکا هیچ تلاشی برای کودتا بکنند، ندیدن احتمال کودتا بعنوان یکی از گزینه‌های امپریالیسم طبیعیا چیروانه و کودتا نه است. آنچه ما گفتیم این بود که روند اصلی جاسمعه را کودتا ارزیابی کردن، غیر واقعی و راستروانه است و باعث سرچوردن راکتارانه نسبت به رژیم میشود. از نظر ما امپریالیسم آمریکا از جمهوری اسلامی در مقابل خلق دفاع میکند، از جناح لیبرالنها و جناح بورژوازی حاکم - حزب جمهوری اسلامی در مقابل جناح خرده بورژوازی آن دفاع میکند و از نوکران و سرپردها بشان همچون بختنا در مقابل حکومت جمهوری اسلامی این رده بندی درجه بندیکی منافع نیروهای سنا میرده را به امپریالیسم میرساند. بهمین دلیل امپریالیسم آمریکا ایده آلش برقرار نمیشود ن حکومت دست نشاند خویشت است! ما میپند، آل کجا واقعیت کجا؟! امپریالیسم آمریکا علیه رژیم این خواست صدامتلاشی است، بدلیل بحرانهای درونی، بدلیل وضعیت بین المللی و مهمترین از همه بدلیل عکس العمل توده‌های مادر شمال آمریکا رجوع موجود در جاسمعه، قدرت برقراری حکومت دست نشاندگان را ندارد و تلاتی اصلی اودر چنین اوضاعی، تقویت لیبرالنها ورا نمونود جناح خرده بورژوازی مرفه ستنی است.

بدین ترتیب ما می آنکه تلاتی برای کودتا را از تلم بیانداریم، روند اصلی جاسمعه را جنبه امری دانسته و جنبه داخلی (مبارزه داخلی) را پیش بینی میکنیم. واقعیت جنبه و تحولات ناشی از آن نیز سنا را تا نند میکند. جاسمعه امپریالیسم آمریکا و رژیم تلاتی فراوانی برای سازش با یکدیگر انجام میدهند و امپریالیسم آمریکا از این روند خشنود است.

رفیق س-س

رفیق س-س طی نامه‌ای توضیحاتی در مورد رابطه بین طبقه کارگر و جنبش کمونیستی، در مبارزه داخلی تلاتی داده است و از سازمان خواست است که در مورد سنا له ۷۸ تحت عنوان "برجم لنینیسم..." به نقش بارخا ز طبقه کارگر در این رابطه توضیح بیشتری دهد.

ضمن تشکر از سرچورد دقیق و طبقاتی رفیق بصورت مختصر با بدقت، برافراشتن برجم لنینیسم و استواری کمونیستها تنها و تنها در متن تکیه بر پیوند عمیق با پرولتاریا با قائل دوام است و الا هرگاه جنبش کمونیستی فاش شد با یکاه اجتماعی پرولتری با شد و اجزا تشکیل دهنده آن روشنگران باشند، بی شک تزلزلات بیشتری در آنرا نیز خواهد گرفت. در حقیقت آنجا که سخن از ضرورت برافراشته نگا داشته شدن برجم لنینیسم است، با بداز برافراشتن برجم رژیم پرولتاریای ایران سخن گفت، با بدیهه نقی تاریخی و تعیین کننده طبقه کارگر چه در عرصه جهانی و چه در جاسمعه ما تکیه زد و با افتخار گفت: این خط مشی طبقه کارگر است که در مقابل جنگ با ایدئولوژیهای بورژوازی و سیاستهای خرده - بورژوازی نبرد میکند و آنها را با طاق نسیان میکشد. و مهمترین راه ما بدانست که ضرورت تبلیغ و ترویج موضع پرولتری سازمان در مقابل جنبه، در حقیقت موضع حقیقی طبقه کارگر در مقابل جنبه است. و از موضع طبقه کارگر آنرا به کارگران و سایر توده‌ها توضیح داد، و دست آخر باید این اصل بدیسی را در نظر داشت که استکام بخشدن و تضمین نهاد و مخط مشی پرولتری بدون تعمیق پیوند با طبقه کارگر امکان پذیر نیست. با بدیهه انگای کارگران آگاه ایران و به انگای ایدئولوژی م - ل در مقابل تندبچه‌های تاریخی از افغان بداد منزلتلات بورژوازی خود را حفظ نمود. اگر کمونیستها ی ر وسیه آنچنان در مقابل فر، زونستبها و در مقابل سرخستی همداره ای نردیده خود راه نمیدادند، این نه تنها بدلیل انگایشان به تئوری انقلابی ما رکنیم، بلکه بدلیل آبدیدگی شان در کوران مبارزه طبقاتی پرولتاریا، بیبوند عمیشتان با کارگران بود.

نامه یک رفیق دانش آموز

من یک دانش آموز دارا سازمان بیکار هستم، که برای ادامه تحصیل از ده به شهر آمده ام وضع مالی ما خوب نیست و بدین ترتیب برای ادامه تحصیل من نمی باشد، و میخواهد که در کشاورزی به او کمک کنم. و من نیز تا بسنان با وجود اینکه کار ریسودمی میکردم در ده کارکنم تا بتوانم برای سال تحصیلی خود پول تهیه کنم ولی موفق نشدم و فقط ۸۰۰ تومان تهیه نمودم و آمدم پیش یکی از آشنایان در شهر و رفتم کلاس

اول علوم تجربی سنت نام کردم و پس از چند روز دیدم که در سنا همان درسهای قبلی است و پسول من نیز ۳۰۰ تومان بیشتر نمانده و کاری هم نیست که سنا انجام میدهم بهمین منظور مجبور به ترک تحصیل شده ام. اما یک تحصیل جدید را شروع کرده ام و آنهم ما ر کمیت لنینیست است. بهمین دلیل من دیگر احتیاجی به این ۳۰۰ تومان ندارم دوست و بختا ه تومان آرا میفرستم. امیدوارم سیستم جاسمعه سرما به داری و؛ بسته بر جیده شود تا دیگر در آینده چیزی بمانم ترک تحصیل معلست صغف نالی برای نسل انقلاب در جمهوری دمکراتیک خلق نیا تد.

بیکار مان پیروز با د

م - غ بندر عباس

رفیق نوحوان! از کمک مالی ات بسیار کرامت بکوش تا در سکر ما رکنیم. لنینیسم هر چه بیشتر علم انقلاب را فرا بگیرد و به صغف انقلابیون حرفه‌ای ببیند. در ضمن با رفقای هوادار تمان بکیرنا مسئله ادا مه تحصیل مورد بررسی قرار گیرد پیروز با شی!

مادر مبارز، ر-ط کرج

ما دری نامه‌ای برای ما فرستاده است و ضمن توضیح اینکه چرا ریسرو جها ر دختر دارون نغرا ز آنها هوادار سازمان است، به بررسی وضعیت گرانسی و فلاتک و... برده اخته است و از سازمان خواسته است در مورد کمیود بنزین و نفت و گرانسی قسمت آن، دست به افتخاری بزنیم. و در آخر نیز ۲۰۰ ریال به سازمان کمک کرده است. ما ضمن تشکر از این مادر مبارز، تلاتی میکنیم تا به پیشنهاد د-ها پیش عمل کنیم.

رفیق قاسم

این رفیق پرسیده است که چرا جواب بسیاری از نامه‌ها را نمیدهم و صراحتا به ذکر نام آن بسده میکنم. و این برای نویسنده نامه‌ها بی فایده است. در جواب رفیق سنا بدینکوشم اولاً، تعداد نامه‌ها که در هفته سنا میرسد بسیار زیاد است و ما نمی توانیم جواب تک تک آنها را در پاسخ بدنا مه‌ها که یک صفحه و سیم از بیکار را به خود اختصاص داده است، بدهم چرا که در واقع اگر در مقابل هرنه‌ای بدون توضیح سنا بیوسیم "دریافت شد"، "رسد" "پیشنهادتان مورد توجه قرار گرفت"، "انقلابیان وارد است" و... بیشتر از دو صفحه اشغال میکند و با توجه به سخنانی که در این صفحات ناسد بدهم، با کمبودند جاسمعه مشغول سنا بسیاری از نامه‌ها تنها پیشنهادات، انتقادات خردی و امثالهم است که مورد توجه قرار نمیکرد و ضروری به توضیح تک تک آنها نیست. تا لاسا برخی از سئوالات و انتقادات جنبه تکراری دارند که باز هم از پاسخ به آنها خودداری میکنیم. فی المثل در مورد انتقاد، بیکار ۷۳ نامه‌های

بسیاری بدستمان رسیده است که ما چندین بار توضیح دادیم که برخورد با آن را در بیکار تئوریک مطالعه کنید، اما با زهم رفقای دیگری همیمنتقا در مطرح کرده اند. طبیعی است ما با سخی مجدد به آنها ننمیدهم. اما برخی از سوالات و با انتقادات بدون آنکه پاسخ داده شود، بصورت مقاله در خود بیکار منتشر میشود و دست آخر برخی از سوالات مورد بررسی قرار میگیرد و در فرصت مناسب پاسخ داده خواهد شد.

ف-ف از فیروزآباد فارس:

رفیق در مورد ضرورت افشای خوانبسی قشقای و... در استان فارس بویژه فیروزآباد تذکر داده است و پیشنها دات و سوالاتی را نیز مطرح کرده است. ضمن توضیح در مورد اینکه پاسخ سوالات تئوریک در نشریه تئوریک منتشر میشود و ضمن تشکر از پیشنها دات رفیق، در مورد افشای خوانبسی قشقای باید بگویم، افشای این عناصر مزدور و وابسته به امیریا لیسیم به ارسال گزارشات. دقتی از فعالیت اینان در منطقه بستگی دارد. رفقا موظفند تا مرتباً از فعالیت های این دارو دسته ها و افشای آنها گزارشاتی برای ما ارسال دارند تا ما بتوانیم فعالان آنها را افشا کنیم.

رفقای دیگری که بر ایمان نامه فرستاده اند: رفیق کرد - هواداران دیر - کارگریکار هوادار - مک - دانشآموزان - م.م.م - ط - الف - سارا - پ - کارزون - رفیق ک - شیراز - ط - ف - ب - س - ن - ر - ع - ا - و - ن - الف - از شیراز - هواداران حشمتیه شرق تهران - ع - ص بند عباس - ه - ط - ر - رفیق الف ۳۸ - رفیق ه - دانشجو از مشهد (س - ب) - م - د - از سمنان - رفیق کشاورز الف از اورامین - هسته دانشآموزی "ش" - م - ر - از سمنان - م - ب - پ - از سمنان - ب - س - سهراب دانشآموز از دزفول - ن - مرزا - هواز - مسعود - م - ر - مانندان - عبدالله - ی - از اصفهان - م - س - لاهیجان - الف - الف - رشت

انتشار نشریات محلی

آخرین شماره های چاپیش (۶) (نشریه محلی هواداران سازمان در اردبیل) و (دالف) "موج" (۳) (نشریه محلی سازمان دانشجویان و دانشآموزان بیکار در اردبیل) بدست ما رسید، موفقیت رفقا در گسترش و هدایت مبارزه توده ها و افشای جنایات رژیم بیکار در راه آزادی طبقه کارگر آرزو میکنیم.
اولین نشریه بیکار "تیز که به هست جوانان انقلابی روستاهای گیلان" انتشار می - یابد و حای مطالب سودمند و افشاگرانه - بیامون زندگی و کار زحمتکشان روستاهای شمال بویژه برنجکاران میباشد، بدست ما رسید موفقیت این رفقا را صمیمانه آرزو میکنیم.

آزار خانواده های مجاهدین اسیر را محکوم می کنیم

طی یکی دو هفته گذشته پرده ای دیگر از وحشیگری رژیم حاکی علیه نیروهای انقلابی و در این مورد خواهان و مادران مجاهدین اسیر به نمایش گذاشته شده است. ده ها تن از خانواده های مجاهدینی که به "جرم" پخش اعلامیه ها و نشریات سازمان مجاهدین دستگیر شده و به زندان اوین برده شده بودند در مقابل زندان اجتماع کردند ولی نه تنها به خواست آنها در شرباطلاعی از وضع فرزندان و آزادی آنها ترتیبی اثری داده نشد، بلکه با سداران زندان با وحشیگری تمام به خانواده ها حمله ور شدند این حملات با مقابله جانانه خانواده های مبارز و پرورش "ساواکیها" و زندانبانان "جدید مادن" و خواهان رانیز به زندان انداخته شد، آنها را در مستراح ها محبس کردند، آنها را بر تپه های اوین در سرمانگه داشتند، ضرب و شتم و بدرفتاری و فحش های رکیک موجب بهم خوردن حال چند نفر از خانواده ها گردید.

مقاومت و برخورد تهاجمی خانواده ها علیه نیروهای ارتجاع حاکم و نگفستن اسم و آدرس به مسئولین زندان، یک اقدام تعرضی و افشاگرانه قابل تحسین است. سازمان ما این برخورد و جنبانه رژیم با خانواده های مجاهدین اسیر را افشا و محکوم کرده از خواهان و مادران مجاهد پشتیبانی می نماید.

تبلیغ...

در اینجا ذکر یک نکته ضروری است. در مورد تبلیغات بموقع، با بستی یک تشکیلات (م - ل) مانند ساعت کار کنند. کافی نیست که مرکزیت یک سازمان (م - ل) اساسی ترین مسئله مورد تبلیغ را مشخص کند و مثلا همیشه تحریریه و یا ارگانهای مربوطه با برخورد فعال فوراً ترکشته و اعلامیه های در این مورد نشر دهند و با ارگان مرکزی سازمان سریعاً به آن برخورد کنند، اینها همه لازم است و لیس بهیچوجه کافی نیست. با بستی فوراً و سریعاً این تبلیغات، بموقع در اختیار توده ها قرار گیرد. بدین ترتیب تبلیغات بموقع را تشکیلات منظمی میتواند سازمان دهنده با یک انضباط آهنگین پرولتری و با سرعت و شوری انقلابی نظرات کمونیستی خود را بدون فوت وقت بمیان توده ها ببرد. در این مورد فراپخش کننده در بموقع انجام گرفتن تبلیغات و در نتیجه کسب اعتماد توده ای و نفوذ در میان زحمتکشان، نقش حیاتی دارند. مملین شفا هی و رفقای کمونیستی که به پخش اعلامیه ها و نشریات انقلابی در میان توده ها مشغولند، باید به این مشخصه اساسی تبلیغ یعنی سرعت و بموقع بودن آن کاملاً توجه داشته باشند. ما در این مورد در آینده، بیشتر سخن خواهیم گفت. (ادامه دارد)

بقیه از صفحه ۱

شهر، شجاعانه به مقابله با تهاجم ارتجاع برخاستند. در جریان درگیری بین انقلاب و ضد انقلاب در ۲۰ نفر از انقلابیون شهر توسط مزدوران ارتجاع دستگیر شدند. بدنبال دستگیری انقلابیون نیروهای انقلابی و زحمتکشان آمل بخاطر آزادی انقلابیون اسیر دست به تحمسن زدند. اینبار رقدار به بدندان جمهوری اسلامی با چماق و سنگ و چاقو به متحصنین حمله کردند. در این حمله، با سداران با تیراندازی و برتاب گاز اشک آور، چماق داران را همراهی میکردند. در جریان حملات وحشیانه ارتجاع دست کم به نفر کشته و ده ها تن زخمی شدند. پس از پایان تحصن در اشرف را ارتجاع، نیروهای انقلابی و مردم زحمتکش آمل به تظاهرات موضعی دست زدند و با مقاومت خود در برابر هجوم ارتجاع، حماسه روزهای قبل از قیام را در خا طره ها زنده کردند. آنچه در این مقابله انقلابی با ارتجاع چشمگیر بود، افشاشدن بیش از پیش فدا انقلابیون رویزونیست چریکهای فدائی (اکثریت) و نیروهای ناپیگیری نظیر راه کارگر بود.

از روز ۵ شنبه ۱۳/۹/۵۹، با سداران جهل و سرما به همراه چماق داران در شهر آمل حکومت نظامی برقرار رنموده و شبها رفت و آمدها را بشدت کنترل میکردند. مردم زحمتکش آمل با سازگذاشتن درهای خانه های خود، حمایت بیدریغ خود را از انقلابیون تحت تعقیب و نفرت خود را از با سداران نشان دادند.
روز جمعه ۱۴/۹/۵۹: در این روز مردم مبارز و نیروهای انقلابی آمل برای تشییع جنازه یکی از شهدای درگیری روز سه شنبه بنام "سالار" (کارگر کوره پزخانه) در خانه ها جمع شدند. شب بعد از شهادت این کارگر، با سداران به خانه ها ورفته و به خانواده ها گفتند که به شما ۴۰ هزار تومان میدهم و شما بگوئید که سا لارا کمونیستها و مجاهدین کشند. اما خانواده شهید با نفرت هر چه تا متر مزدوران غد خلقی را از خانه خود بیرون کردند. با سداران ارتجاع سعی داشتند هر طور شده از تشییع جنازه جلوگیری کنند و از آنجا که مردم شهر تصمیم به برپائی تظاهرات گسترده بین تشییع جنازه گرفته بودند، با سداران با حمله به خانه شهید، جسد کارگر شهید سا لارا از خانه اش زدوده و خودشان دفن کردند. پس از اینکار، با سداران به همراه چماق داران دستگیری وسیعی را در شهر آغاز کردند، مردمی را که به نشانه اعتراض و تنفر از با سداران، مفازهای خود را تعطیل کرده بودند، با زور به باز کردن مفازها و ادار میکردند.
برخی از شمارها ای که مردم در طول این درگیریها میدادند چنین بود:
مرگ بر آمریکا - مرگ بر با سدار،
با سدار، با سدار - حای سرما به دار،
زندانی سیاسی - میراث شاهنشاهی...
طبق آخرین خبر شهر آمل همچنان متشنج بوده و درگیری در آن جریان دارد.

بقیه از صفحه ۲۸ نیروهای ...

دانش آموزی در هفته گذشته بعبان ادامه یافته و روند کلی جنبش، حکایت از او جگیری با زهم بیشتر دارد. در کنایه واقعیت اساسی، با یستی از او جگیری بیشتر بحران جامعه سخن گفت. عدم مدورنفت، تعطیل پالایشگاه ها، تعطیل برخی کارخانجات بخاطر فقدان مواد اولیه، کمبود ذخایر انرژی که بگفته رئیس بانک مرکزی تنها ۶ ماه کفاف خواهد کرد، حکایت از او جگیری بیشتر بحران جامعه میکند. لیبرالها با شتم نیز طبقا تئیشان، خطرا و جگیری انقلاب را بسیار زودتر حدس زده اند. سخنرانیهای متعدد لیبرالها و با عناصری که دارای گرایشات دموکراتیک بوده و بسود لیبرالها حرکت میکنند در هفته گذشته اوج بیشتری یافت، لیبرالها میگویند، آلترنا تئو ارتجایی خود را بسزای نشان دادن توده ها بسوی خویش، ارائه دهند. در مقابل موج ناراضی توده ها در زمینه سرکوب آزادیهای دموکراتیک لیبرالها به فریب توده ها دست زده و با آزادیخواهی دروغین، سعی در جذب آنان کرده اند. در زمینه اخراج معلمین و دانش آموزان و کارمندان، لیبرالها با این اخراجها مخالفت کرده اند. در زمینه خواست توده ها مبتنی بر بازگشتی دانشگاهها، لیبرالها نیز شعار بازگشتی دانشگاهها را مطرح کرده اند. (انقلاب اسلامی ۱۲۰ آذر) در زمینه بحران اقتصادی، سیاسی جامعه لیبرالها تماما سعی تقصیرات را برگردن جناح مقابل افکنده اند. نیروهای ارتجایی دیگر چون بختیار و ویسی نیز با استفاده از امکانات رادیویی امپریالیستی همچنان در استفاده از ناراضی توده ها می کوشند، گرچه بخاطر جنایات آنان، توده ها نسبت به آنها تا حدود زیادی آگاهی دارند، اما بهر صورت مسئله اساسی افشای کلیه آلترنا تئوهای ارتجایی است. حزب جمهوری اسلامی نیز بسبب تبلیغات دروغین خویش برای نشان دادن خود به عنوان یک نیروی "فدا میریالیست" ادامه میدهد. همه جناحهای متفاوت بورژوازی خطر را حس کرده اند. ناراضی توده ها روز افزون است و رژیم روز بروز با بهای خود را در میان توده ها از دست میدهد. بحران عمیق سرمایه داری وابسته، سخن از ورزش بادهای سهمگین انقلاب میدهد. نسیم انقلاب در بسیاری از نقاط وزیدن گرفته است. جنگ و خرابیهای ناشی از آن بر شدت وزیدن این نسیم افزوده و خواهد افزود. در این میان آنچه اهمیت دارد، آگاهی توده ها و تشکیلات دادن آنان است. در هنگامیکه نسیم اعتلا میوزد، هرگاه توده ها را نسبت به همه آلترنا تئوهای ارتجاع آگاه نکرده یا شیم و آلترنا تئو کمونیستها را بعنوان یگانگه جریانی که میتواند خواست انقلابی توده ها را کاملاً بر آورد، ارائه نکرده یا شیم، طبیعی است که نیروی توده ها در خدمت پیشبرد امر انقلاب، هدایت نخواهد شد. توده ها بیش از پیش در دوران اعتلا سیاسی میشوند و به همین

بقیه از صفحه ۲۸ جنگ ...

شدت اختلافات اخیر انجام گیرد. چرا که آیت الله خمینی از دادن وقت ملاقات به پیمان با رها و با رها اجتناب کرده بود.

۴- گرچه مصاحبه بنی صدر در ۱۲ آذر حکایت از آن داشت که از جدت یا بی بیشتر تفا دهسا جلوگیری شده و احتمالاً ملاقات آن روز صبح اوو آیت الله خمینی بیکسری سا زنها انجام میدهد است، اما با بداند است که این سا زنها ی موقتی از او جگیری تضادها نمی تواند در روند عمومی اش جلوگیری کند، این تضادها، نمی تواند با این قبیل سا زنها فروکش کند، عاملی که اکنون تا حدودی از رویا روشی های خشن تر جلوگیری می کند. موقعیت آیت الله خمینی است. طبیعی است در فقدان وی، این تضادها بسیار راحت تر شده و طرفین از یکا گرفتار هیج وسیله ای برای یکف گرفتن کامل قدرت ابائی نخواهند داشت.

تأثیر متقابل رشد انقلاب و اختلافات جناحهای رقیب

هما نطور که با رها گفته ایم (بخصوص با دادداشت های سیاسی - پیکار ۸۲)، رشد انقلاب موجب شدت گرفتن تضادهای درون هیئت حاکمه می گردد. اکنون به تا شیرا اختلافات درونی هیئت حاکمه بر امر انقلاب نگاه مختصر می افکنیم:

۱- با او جگیری بیشتر تضادها، طرفین میکوشند تا با افشای طرف مقابل، با به های توده ای بیشتری برای خود در اختیار بگیرند. نطق بنی صدر در عا شورا در مورد زندان ها و شکنجه و سرکوب آزادی توسط طرف مقابل و افشای گریه های متقابل نما بندگان حزب از جمله اشاره به آزادی کودتا چنان توسط بنی صدر، از این نمونه است. این امر گذشته از این جنبه مثبت که به بی اعتباری هیئت حاکمه نزدیک توده ها، دا من میزند، این خطرا نیز دا رده که توده ها با افشای طرف مقابل، طرف دیگر ارا داری حقانیت بیشتر تشخیص داده و به آسوری بیا و روند. در صورتی که انقلابیون و بخصوص کمونیستها بتوانند این اشکال را بر طرف سازند، میتواند افشا گریه های دو طرف علیه یکدیگر را به صورت افشای دو طرف در آورده، بسود انقلاب از آن استفاده

نمایند.

۲- اختلافات درون حاکمیت، "بت حکومت جمهوری اسلامی" را نزدیک توده ها شکسته و با افشا گریه های بموقع کمونیستها و انقلابیون، میتوان از بی برده های "حکومت الله" ماهیت سرما به - داری طرفین سو استفاده از توده ها برای تثبیت و قدرت گیری بیشتر جناح خود را به خلق نشان داد. هم اکنون این احساس که این حکومت نمی تواند دوام بیا و رد و با بدد فکر آینه بود بطور روز افزونی در توده ها ایجاد میشود با ارا شه آلترنا تئو انقلابی با بد این احساس توده ها را در جهت انقلاب بکا گرفت.

۳- حدت یا بی بیشتر تضادها، کوشش طرفین برای کشاندن توده ها به خیا با نها و نظا هرات تند بر علیه یکدیگر را بدنبال داشته است. اما کشاندن توده ها به خیا با نها آنها با این شعار - های تند بر علیه جناحها شی از حاکمیت، می تواند، به خود نیز بدل شود و در واقع با تشدید فعالیت کمونیستها همراه با حضور فعال توده ها در صحنه سیاسی و در خیا با نها و ... بر ضد کسلی هیئت حاکمه بکا گرفته شود.

۴- از همه مهمترین اختلافات، خود ما نمی در جهت تثبیت هیئت حاکمه و قدرت یا بی بیشتر آن است و از آنجا که یکپارچه شدن حکومت موجب میشود، با شدتی بیشتر به سرکوب انقلاب بپردازد این تضادهای درونی حاکمیت و تضعیف رژیم بخاطر این اختلافات درونی بسود انقلاب است. طبیعی است در صورت موفقیت هر جناح برای کسب تمام قدرت، سرکوب توده ها و نیز بساز سازی سیستم با شدت هر چه بیشتری انجام خواهد گرفت.

در این میان انقلابیون و کمونیستها با یستی ضمن افشای دو طرف نمیتوان نیروهای ضد مردمی و همینطور مقابله با آلترنا تئو ارتجایی دیگر (بختیار، ویسی، حکومتی وابسته به سوسیال امپریالیسم ...)، به تبلیغ آلترنا تئو خویش در میان توده ها بپردازند و در این راه طبیعی است بی آنکه بیاری یک جناح در درون هیئت حاکمه بر خیزند، از این تضاد برای افشای دو طرف و بسود انقلاب با یستی استفاده نمایند.

پوزش و توضیح

در جزوه ای که اخیراً تحت عنوان "چهار مقاله از لنین درباره کار حزب دیمیان توده ها" از طرف سازمان ترجمه و منتشر شده است، اشتباهی رخ داده که ذیلاً توضیح میدهیم: این جزوه در اصل شامل سه مقاله است و همه نظور که ملاحظه میشود یکی از این مقالات تحت عنوان "در باره اشتبا کردن سیاست با آموزش" به دو شکل ترجمه شده که بخاطر عدم توجه در چک نهایی، بجای آمدن یک ترجمه، هر دو ترجمه آمده که یکی از آنها اضافی است.

همچنین سطر اول صفحه ۹ چاپ شده است. که بدینوسیله تصحیح میگردد: ... از این جاروش میشود که اگر کسی در مورد مسئله "وحشت" از اشکال ...

خاطر تبلیغات گسترده برای جذب آنان ضرورت دارد. اما تنها تبلیغات و افشا گریه های آگاهانه کفایت نمیکند در دوران اعتلا تشکیلات با زهم تشکیلات ضرورت حیاتی مباد. موج ناراضی توده ها که مدتی است بحرکت در آمده و در هفته گذشته شدت بیشتری نیز بخود گرفت با یستی در یک تشکیلات انقلابی بکا گرفته شود. هرگونه بی توجهی نسبت به این مسئله اساسی، آب بسبب آسیاب نیروهای ارتجایی میریزد که برای بلعیدن جنبش اعتلائی توده ها دا ن گوشه اند نگذا ریم نیروهای ارتجایی بر جنبش توده ها سوار شوند. خلق را بسوی انقلاب به پیش ببریم!



رزمندگان و راه‌کارگر: از حرف تا عمل (۲)

۲- رزمندگان و راه‌کارگر تا چه حد خواهان انقلابند؟

نظرات رزمندگان و راه‌کارگر (البته بیشتر) معنای حزر حرکت در جهت روی گرداندن از انقلاب ندارد. مدل اپورتونسیسم‌تان بتدریج سرباز می‌کند و بیسته‌شمارها و گفتارهای پرطمطراق‌تان در بریده می‌شود و حمایت از بورژوازی بعنوان نتیجه جبری تعمیق انحرافات‌تان آشکار می‌شود، لحن انقلابی پیشین‌تان تغییر می‌یابد و تمرین سخن گفتن بعنوان ناصحان بورژوازی آغاز می‌گردد

الف - راه‌کارگر: افشاگری مستقیم ارتجاع حاکم، غیر! خواهش و اندرز زاری!

یک ملاک اساسی برای شناختن نیروها و آزمایش‌گفتار و کردارشان، برخورد آنها به ارتجاع است. یک نیروی واقعا معتقد به انقلاب در مقابل با ارتجاع، نمیتواند از افشای مستقیم این نیروی سدکننده انقلاب خودداری کند و بزگی اساسی کمونیستها اینست که هرگز به توده‌ها دروغ نمی‌گویند و به ما حیوان قدرت تکیه نمی‌کنند و برای خویشاوندان از افشای دشمنان توده‌ها اجتناب نمی‌ورزند. اکنون ببینیم آیا راه‌کارگر واقعا به افشای دشمنان توده‌ها معتقد است؟ تا چه حد و به چه شیوه‌ای؟ به شیوه‌ای انقلابی یا لیبرالی؟

اول - راه‌کارگر می‌گوید: "در شرایط کنونی، افشای ما هیت ارتجاعی سازمان‌های اسلامی افغانی و یا سازمان‌های لبنان، حتی اگر از رابطه حکومت با آنها سخن گفته نشود، و با لاش‌گردن جمهوری اسلامی را خواهد گرفت، از این دورتر هرگونه تبلیغ علیه روابط ظالمانه و استثمات‌گران به ضرر ما به‌داری، خواهی نخواهی دودش بچشم حکومت ایران که از موجودیت این سیستم در ایران، دفاع میکند، میرود." (راه - کارگر ۴۷، سخن درباره افشاگری در شرایط کنونی ۱۰) راه‌کارگر در این مقاله، رهنمودی که درباره افشاگری میدهد، اینست که افشاگری مستقیم را با بستن به حداقل رساندن دروغ‌ها به افشاگری غیر مستقیم دست زد. برای نمونه راه - کارگر مثال می‌آورد:

"هنگامیکه ما سیستم طبقاتی ارتش، اطاعت کورکورانه و ما هیت آمریکا‌ئی تیمارها و فرماندهان آنرا توضیح می‌دهیم و نشان می‌دهیم که چنین ارتشی الزاما در خدمت سرکوب توده‌ها و انقلاب قرار گرفته و می‌گیرد، توده‌ها را آشکارا و مستقیم به نفی و مردود دانستن آن دعوت می - کنیم، در حالیکه در ما سید، وقتی از ارتش

شورائی و روابط و سیاست انقلابی حاکم بر آن و ارتباط آن با توده‌ها سخن می‌گوئیم، این عمل علاوه بر اینکه مدل و نمونه مناسب را به توده‌ها می‌نماید، با مقابله ضمنی و بلور غیر مستقیم بنوعی علیه ارتش افشاگری نموده است." (هما نجا)

بدین ترتیب راه‌کارگر به تبلیغ یک مدل افشاگری اپورتونیستی و لیبرالی می‌پردازد چنین مدلی طبعا افشاگری کوبنده ارتجاع را محدود کرده و به شیوه‌ای لیبرالی ضمن سکوت در مورد جنایات اصلی دشمن، توده‌ها را بسوی جوانب فرعی و کم اهمیت اقدامات ارتجاع سوق میدهد. راه‌کارگر در حقیقت می‌گوید: کمتر در افشاگری‌ها بتان بگوئید رژیم ارتجاعی است، مستقیما بگوئید این ارتش دست پرورده آمریکا و چاقی سرکوب سرمایه‌داری وابسته است، بگوئید بر سر نزدیک به یک میلیون آواره جنگ چه آورده‌اند، بگوئید چگونه کارگران و زمینگشان را سرکوب میکنند، بگوئید مل‌گروه‌بندی است، سازمان‌های افغانی آمریکا‌ئی هستند و با آنطور که در همین مقاله می‌گوید: یونان را افشا کنید و بگوئید یونان سرمایه‌داری و ارتجاعی با رژیم جمهوری اسلامی ارتباط دارد، رژیم خود بخود افشا می‌شود! ما مستقیما از جنایات خان، در جلوی رعیتها سخن بگوئید، ما میتوانیم بی‌طور غیر مستقیم افشاگری کرده و بگوئید "دم‌لاغ خان کمی دراز است، بدین ترتیب خود بخود" خان هم افشا شده است! بدین ترتیب راه‌کارگر - هواداران خود را دعوت میکند که از افشای مستقیم، کوبنده و واقعا به حاکم خودداری نموده و در حقیقت لبه تیغ را قورا کنند کنند، چرا که ارتجاع حاکم و با لطمه امپریالیسم دشمن اصلی انقلاب نیست و تنها امپریالیسم خطر عمده است! راه‌کارگر بجای آنکه به شیوه‌های لیبرالی، صراحت انقلابی تبلیغ، مجرم‌راحمین ارتکاب جرم بکند و راه‌کارگر افشا سازد، بجای آنکه شیوه افشاگری کمونیستی را که قاطع و بی‌امریح است در پیش گیرد، آری بجای آن، از شیوه‌های اپورتونیستی و لیبرالی در تبلیغ سود می‌جوید و به جای افشای همه‌جانبه ارتجاع به مسائل کم اهمیت تر نظیر آنچه که خود گفته است، می‌پردازد و آنگاه است که با بی‌دقتی "چاقوی کندخون نمی‌ریزد" و راه‌کارگر با چاقوی کندخون خیسال - نداد که خون ارتجاع را بریزد چرا که خط - امپریالیسم عمده است! مکرر افشای راه‌کارگر نمیداند که حتی زمانی که کمونیستها به یک ائتلاف موقت با یک نیروی ارتجاعی دست می‌زنند (مانند جبهه واحد دزایی در چین) آنها

قاطعا نه و بشدت هر چه تا متر آن نیروی ارتجاعی را مستقیما افشا می‌کردند، بلکه به همان گونه که رفیق ما تومیکوید: "یک ضربت او را با دوزخست پاسخ میدادند."

رفقا! این چه ارتجاعی است که بنا بسید مستقیما افشا بش کرد، تکندیک نیروی انقلابی است و به نافع نام ارتجاع بر آن گذاشته شده است و به نافع نام ارتجاع بر آن گذاشته شده است! دوم - رفقای راه‌کارگر تنها میخواهند ارتجاع کمتر مستقیما افشا گردد، بلکه معتقدند با بستن به ارتجاع رهنمود و پیشنها داد:

"... انحرافی فقط به این اکتفا میکنند که هر آنچه را که در پیش رومی بینند، نفی کنند و بن اینگونه کوچکترین زحمتی بخود بدهند که جای آنچه را که نفی کرده است با ارائه برتا به پیشنها دو رهنمودی بپرکنند... در شرایط جنگ و مقاومت کنونی، تا کید بیش از اندازه بر افشاگریهای مستقیم و کثرت تبلیغ به حوزة نفی کامل و غیر مشروط... معا بر بنا تا کنیک دفاع از میهن و قرارداد شدن موضعی در کنار حکومت است. عمده نبودن افشاگری علیه حکومت در شرایط کنونی جنگ به معنی تکیه و تا کید بیشتر بر وزن تبلیغات اشیا تی و همچنین افشاگریهای غیر مستقیم است." (هما نجا) با وصف اینکه تبلیغات اشیا تی: "آینده مدل بهتری را نوید میدهد..." (هما نجا)

آیا راه‌کارگر منظورش، ارائه برنامه و پیشنها در اجزای کمونیستها برای طرح آلترناتیو خودشان در میان توده‌هاست و یا از اشتهر نمود و پیشنها دهنه ارتجاع که آنرا عملی سازد؟! اگر اولی است که کمونیستها همواره موظفند آنرا انجام دهند، چه در شرایط کنونی که جنگ است، چه در هر شرایط دیگری که باشد، اما اگر مقصود راه‌کارگر دومی است که بنظر می‌رسد دومی است، این نوع برخورد، آشکارا برخوردی روبرو نیستی است، البته راه‌کارگر زمانیکه بر روی شرایط کنونی و قرار گرفتن خویش بصورت موضعی در کنار حکومت سخن می‌گوید، روشن است که منظورش حالت دوم یعنی ارائه پیشنها دورهنمود اشیا تی به ارتجاع است که "در شرایط کنونی"، مجاز است ابویزه زمانیکه فی المثل به رژیم رهنمود میدهد: "ارتش علیه تجهیزات مدرن و پشتیبانی توده‌ها نتوانسته است حجابها جنایتکارانه رژیم عراق را درهم بکوبد، و تنها با نظر مشوراتی است که میتوان برایین عدم هماهنگی و هرج و مرج و بی انضباطی علیه نمود (راه‌کارگر ۴۷) آری اینها بوضوح نشان میدهد که هدفش ارائه رهنمود به ارتجاع است.

بدین ترتیب راه‌کارگر مرزا انقلاب و ضد - انقلاب را درهم میریزد. راه‌کارگر بجای افشای ما هیت ارتجاع و توضیح این نکته اساسی که

بقیه در صفحه ۲۴

پرچم مبارزه ایدئولوژیک را برافراشته تر سازیم

امپریالیسم جنایتکار آمریکا و بودجه نظامی آن

امپریالیسم جنایتکار آمریکا با افزایش فزاینده بودجه نظامی خود تنها بیش از پیش برزحمتکشان آمریکا شایسته فشا رواردمینا ورد، بلکه به علاوه خود را مسلح می‌کند تا هر چه بیشتر به رقابت با سوسیال امپریالیسم شوروی پرداخته و خلقهای تحت ستم را مورد سرکوب خونین قرار دهد. امپریالیسم آمریکا یکدم از فکر توطئه، کودتا، تجاوز و زکشتا و خلقهای جهان غافل نشده و تمام حیات سراسرنشکن آن شا هدجنا یکنار - ترین اقدامات میباید روی کار آمدن ریگان جنایتکار فرصت جدیدی است تا بیش از گذشته انحصارات تسلیماتی آمریکا به چپا ول پرداخته و دولت آمریکا به تجاوزات گسترده تری در عرضه جهانی روی آورد. امپریالیستهای آمریکا شایسته برای تحقق اهداف خود هر ساله بودجه نظامی دولت را افزایش داده و در حال حاضر ریگان می-کوشد تا بنحویسابقه ای این بودجه را بسیار ببرد. سیاست خارجی ریگان که مبتنی بر تشدید مسابقه تسلیماتی و رقابتی نظامی بیشتر است، نهایتاً منجر به بودجه نظامی گسترده ای است که بتواند به اهداف تجاوزکارانه دولت ریگان پاسخ گوید. قبلاً از آنکه بودجه نظامی دولت ریگان را توضیح دهیم نگاه می‌سیر شدیم به هزینه‌های تسلیماتی آمریکا در سالهای اخیر می‌اندازیم:

سال	مبلغ
۱۹۷۵	۸۵/۴ میلیارد دلار
۱۹۷۶	۹۴ میلیارد دلار
۱۹۷۹	۱۲۷ میلیارد دلار
۱۹۸۰	۱۹۵ میلیارد دلار

اخیراً نمایندگان سنای آمریکا یک بودجه نظامی ۱۶۸ میلیارد دلاری را به تصویب رسانیدند لیکن واقعیت اینست که این مبلغ رقم قطعی و نهایی بودجه نظامی آمریکا را تشکیل نمیدهد دولت ریگان در پی آن است تا این بودجه نظامی را به ابعاد بسیار بزرگتری برساند بنحوی که قرار است هزینه‌های نظامی در ۱۹۸۱ به مبلغ ۲۲۵ میلیارد دلار و تا سال ۱۹۸۵ به ۴۳۴ میلیارد دلار افزایش یابد. بدین ترتیب نرخ رشد سالانه بودجه نظامی در طی ۵ سال آتی به ۸٪ میرسد. در واقع بودجه جنگی امپریالیسم آمریکا در طی این دوره به مبلغ بیش از هزار میلیارد دلار خواهد رسید، یعنی مبلغ عظیمی که بیش از مبلغ همه هزینه‌های نظامی آمریکا در طول تاریخ میباید.

آنچه قابل توجه است این است که فقط ۳۰ درصد از بودجه نظامی آمریکا مختص هزینه‌های عقبه در صفحه ۲۷

رژیم صدام مورد حمایت مالی و اقتصادی کشورهای شروتمند کنفرانس قرار خواهد گرفت.

ثانیاً: باید برای خواباندن مساله‌ای که وبال کردن آنها شده است، یعنی مساله فلسطین چاره‌ای بیندیشند. صادرات در سال ۷۷ آخرین ایستگاههای سازش و تسلیم را هم پشت سر گذاشت و با "اسرائیل" صلح کرد و در کمپ دیوید طرح درازمدتی را برای ایجاد یک پایگاه مقدم و ضربتی امپریالیسم آمریکا در خاور میانه به نام مشارکت مصر، اسرائیل و آمریکا پی ریزی نمود. طی سالهای گذشته، با وجود آنکه سرکوب انقلاب فلسطین و نیروهای مبارز لبنان نی‌ادامه یافت و علیرغم آنکه تلاش برای یافتن اکثریت نیو بجای سازمان آزادیبخش فلسطین جهت مذاکره با اسرائیل بر سر خودگردانی قسمتی از اراضی اشغالی متوقف نگردید. ولی انقلاب فلسطین بصورت چوبلای چرخ همزیستی بورژوازی عرب و اسرائیل همچنان باقی است. کنفرانس سران عرب هر چند از ترس توده‌ها تا چند سال پیش صادرات را از جامعه دول عربی اخراج کرد و مقرر "جامعه" از قاره به تونس منتقل شد، ولی کمک‌های نهائی و آشکارا رجوع عرب به صادرات ادامه یافت. و کنفرانس اخیر نیز یکی از هدفهای پیش‌نجات صادرات بود.

ثالثاً: تثبیت و پیشبرد سیاست آمریکا در خاور میانه، چه از لحاظ حفظ منافع آمریکا بویژه نفت و کلا هدفهایی که بر سر دمیچ بودجه علاوه بر آنها تقویت جبهه‌های عرب و وابسته به آمریکا در برابر رژیمهای بورژوازی دولتی که بمیزان مختلف به سوسیال امپریالیسم شوروی متمایل و نزدیک اند و عیار رتند از کشورهای عضو "جبهه‌های پایداری"، یکی از دلایل تحریم این کنفرانس از طرف کشورهای اخیر همین تمایل و نزدیکی به شوروی میباید. در واقع کشورهای عربی وابسته به امپریالیسم غرب و بخصوص آمریکا در برابر کشورهای متمایل و نزدیک به شوروی بنا بر این کنفرانس به ما نورپرداخته و نشان میدهند که در برابر نفوذ شوروی در منطقه متحدان از منافع امپریالیسم آمریکا دفاع بلند می‌شوند. پسر واضح است که عدم شرکت رژیمهای متمایل و نزدیک به سوسیالیسم امپریالیسم در این کنفرانس نه به این دلیل که گویا "مترقی" می‌باشند و پنا بر این عدم شرکت آنان از موضع مترقیانه‌ای بوده است بهیچوجه! روشن است که عدم شرکت این رژیمها در کنفرانس سران عرب ناشی از موضع طبقاتی و تمایل و نزدیکی آنان به امپریالیسم شوروی نمیباشد. بورژوازی حاکم سران کشورهای ما همتا ارتجاعی بوده و نمی‌توانند از موضع ضد امپریالیستی حرکت نمایند. تا گفته‌اند که عدم شرکت لبنان نه از لحاظ نزدیکی به شوروی بلکه در رابطه با فشار سوریه بر این کشور قابل توضیح است.



کنفرانس سران عرب توطئه‌ای علیه خلقهای عرب

در هفته اول آذرماه، در عمان پایتخت اردن با زدهمین کنفرانس سران کشورهای عربی برگزار شد که ۵ نیروی عضو با صلاح جبهه پایداری یعنی کشورهای الجزایر، لیبی، سوریه، یمن، جنوبی و سازمان آزادیبخش فلسطین آنرا تحریم نمودند. کنفرانس سران عرب، بدعوت اتحادیه کشورهای عربی که بنام "جامعه دول عربی" معروف است، تشکیل می‌شود تا به مسائل حادی که برای کلیه کشورهای عربی مطرح است پاسخ گوید، با سخنی که البته بر اساس ماهیت ارتجاعی این دول و مقتضیات سیاست امپریالیستها در خاور میانه و مهمترین از اینها سرکوب مبارزات خلقهای عرب طرح ریزی و پدید آمده میشود. سرپوش زده این کنفرانسها مسئله فلسطین است که همه این کنفرانسها با قطعنامه‌هایی در حمایت مزورانه از آن پایان می‌یابد، در صورتیکه قضیه درست بعکس است: هر کنفرانس در ظاهر حمایت میکند تا در باطن توطئه بچیند.

کنفرانس اخیر هدفهای مهمی بشرح زیر داشت:

اولاً: مقابله با جنبش اوج گیرنده انقلاب - های توده‌ای در سراسر جهان و عرب و یوسوسه در فلسطین، مصر، تونس، سودان، عراق، مغرب و... در معرض انفجار قرار دارند. ارتجاعیون هوای همدیگر را دارند تا مبادا در صف متحد رژیمهای ضد خلقی و وابسته به امپریالیسم خلیجی وارد آید! اردن هوای عراق را دارد و سعودی هر دو شان را می‌باید و قس علیهذا. در واقع این کنفرانس می‌کوشد تا سیاست رژیمهای مترجع عرب منطقه در قبال انقلاب توده‌ها را هماهنگ کند. در کنفرانس اخیر، رژیمها: حاضر در کنفرانس به سیاست هماهنگ تری در قبال جنبش دست زده و از جمله در زمینه اقتصادی قرار میشود تا برخی از کشورهای که شدیداً در بحران اقتصادی میباشند، مورد حمایت مالی قرار گیرند. ضمناً این کنفرانس هر چند غیر مستقیم، به تأکید رژیم عراق در جنگ با ایران پرداخته و احتمالاً با توجه به خسارات وارده بر عراق،

آوارگان جنگ و رژیم جمهوری اسلامی

در حاشیه صاحبه سرپرست "هلال احمر ایران"

ما در شماره های متعدد پیشا رو ویژه نامه جنگ سیاستهای ارتجاعی رژیم سرود مدارانش را نسبت به آوارگان جنگ افشا کرده و نیز علل چرخش درسیاست رژیم نسبت به هم میهنان جنگ - زده ای که آواره شهرها و روستا های دیگر شده اند آورده ایم (پیکار ۸۱) درد دنیا له همین سیاست جدید و فریبکاری آنهاست که "دکتر بهزاد نسیا" سرپرست "جمعیت هلال احمر ایران" "مما حبه ای انجا مده و آتو آنچه که تا بسته خود و همپا لکی هایش میبا شدن تا رنجگ زدگان آ و آواره و نیروهای انقلابی کرده است ، او در قسمتی از ما حبه نتوانسته کینه خود را نسبت به زحمتکشان جنگ زده پنهان کند و از زیادی آنها شکایت کرده و بدون اینکه اشاره به علت آوارگی آنها ، جنگ ارتجاعی کنونی که رژیم جمهوری اسلامی یکی از بانیانش هست بنما بد میگوید :

"هم اکنون بیش از هفت هزار نفر به بیبهان هجوم برده اند و در آنجا پراکنده شده اند" (میزان ۲۶ آذر ۵۹) برخورداردی و قیقا نه ترا از این نسبت به دهها هزار نفر از زحمتکشان مناطق جنگی که با هزاران مصیبت و قلاکت از زیر بمبها و خمپاره ها توانسته اند جان خود را به قیمت از دست دادن تمام دار و ندارشان نجات دهند ممکن نیست (طبیعی است که سرما به داران و پولداران در همان روزهای نخست جنگ با کا میونها ی پرازوسا تل و سرمایشان آن شهرها را ترک کرده و الان در مناطقی "امن" بگونه ای دیگر به استنما زحمتکشان ادا مده میدهند) او نمیتواند اختناق حاکم بر اردوگاه های آوارگان را انکار نماید منتهی به آن با تهیه "کارت شناسائی" اشاره میکنند و توصیه میکند که "این کارت ها جنبه شناسنامه دارد" (هما نجا) این "انقلابی" از "آمریکا" سرگشته میگوید : "ما آوارگان جنگی این مشکلات و سختی ها و آوارگی ها را نتیجه تلاشهای غیر انسانی هم نوعان خود میدانند که در مجموع از هم میهنان خود که در نقاط دیگر مملکت در آرایش و آسایش نسبی هستند ، توقعات و انتظارات بخصوصی پیدا میکنند و بهمین دلیل ، نگرانیها ، افراطها و بیقراریهای آنها هم بیشتر میشود" (هما نجا) .

آری ، هم میهنان آواره ما این آوارگیها ، ... را نتیجه تلاشهای "هم نوعان" خود میدانند منتهی و شما میدانید که این "هم نوعان" جز دشمنان طبقاتی آنها و سرمداران جمهوری اسلامی نیستند که "شما" فریبکارانه میخواهید آن را به مردم ایران برگردانید و بهمین دلیل تمام

مبارزه و اعتراضات آوارگان علیه شما متوجه است و نه مردم ایران و این را خود آنها در شمارهاشان و خواستهاشان برونشانی بیان می - نما یند ، و این وظیفه شماست که میلیون ها تومان پولی را که از مردم گرفته اید برای آوارگان خرج کنید و نه اینکه طلبکارم بشوید (همان مما حبه) . ولی وقیقا نه ترا ز همه قسمتی از ما حبه وی میبا شکده میگوید :

"... مسائلی که به هنگام سکنا ی اینها در شیراز و امضا ن پیدا آمد ، به خاطر آنها عهده تسلیفات می بود که از ناحیه فدا انقلاب رواج پیدا کرده بود ، فدا انقلاب شایع کرده بود که اینها فراریان از صحنه جنگ هستند و نمی - بایست مورد پذیرا شئی قرار گیرند" (همان مما حبه) .

مطمئنا از نظر "آقای بهزاد نسیا" بیت الله دستغیب (شیراز) ، بیت الله طاهری و خادمی (اصفهان) و سپاه پاسداران اصفهان و شیراز که در خطبه های نماز و اعلامیه های متعدد بدترین و زشت ترین نسبت ها از قبیل "فدا انقلاب" "ترارقی" "آمریکائی" و ... به هم میهنان جنگ زده ما نسبت دادند ، فدا انقلاب بحساب نمی آید و در آن صورت بایده اینهمه وقاحت و بیشرمی که خاص رژیم - هائی چون جمهوری اسلامی است "آفرین" گفت . آوارگان جنگ زده در شیراز میدانند که همان روزها شیکه "دستغیب" مرتجع مردم را به "سف - اندازی" برچهره رنج دیده و آفتاب سوخته زحمتکشان جنگ زده ترغیب میکرد . این کوششها و دیگر نیروهای انقلابی راستین بودند که ضمن افشای جنایات جنگ ارتجاعی ، با امکانات خود و زیربورش پاسداران به کمک ویاری آوارگان جنگ می شتافتند (ومی شتابند) و این را جزئی از وظیفه انقلابی خود میدانند و در این راه تمام پای جان پیش رفتند و خواهند رفت (به اعدام رفیق پیکارگر شکرالله دانشیار که از چسب در امداد آبادان دستگیر شده توجه نماید) (پیکار ۷۹ و ۸۰) . آخرین نکته ای که در این "مما حبه" وجود دارد ، اعلام اسکان آوارگان در نقاط پراکنده و دور از مناطق زندگی زحمتکشان جنگ زده است رژیم سعی میکنند که جنگ زدگان زحمتکش را در سیرجان ، نیشابور ، جیرفت ، کرمان ، شاهرود و ... پراکنده نماید ، او چند هدف را تعقیب میکند از جمله جلوگیری از عمل متحد و متشکل آوارگیان دور کردن آنها از مراکز پر جمعیت و پوی - زده صنعتی که مورد پشتیبانی دیگر زحمتکشان واقع نگردند ، دور کردن از سرزمین مادری که با زکشت آنها به شهرهایشان (پس از خاتمه جنگ) و تجدید ساختن و ترمیم خسارات جنگ و ... مطروح نباشد ، ولی رژیمهای ارتجاعی کورند و فکر این زحمتکشان را هر جا که ببرند از پشتیبانی زحمتکشان ایران و نیروهای انقلابی برخوردار خواهند بود و جنایات رژیم از بد به آنان پنهان نخواهد ماند .

ملاحظات کوتاه

کاین منم طاووس علیین شده

ملاحظه نویسی وقتی گزارش سفر و ما حبه مطبوعاتی هاشمی رفسنجانی پس از سفرش به کشورهای عربی را شنیدید اختیار به یاد این داستان مولوی افتاد که میگوید : رویا های درخم رنگری افتاد و چون از آن بیرون آمد و دم خود را رنگین دید پنداشت که طاهری شده است ، او بر خود می بالید و میخواد : "کاین منم طاووس علیین شده" ! آقای هاشمی رفسنجانی چنان ذوق زده در باره پیروزیهای سفرش به کشورهای عربی و عشق مردم آنجا ها به انقلاب اسلامی و اینکه بهترین هدیه برای مردم آن کشورها عکس اما است ، سخن میگفت که تصور میکردی دوران امپراطوری اسلامی و خلافت هارون الرشید در آینده نزدیک دوباره احیا میشود و آقای رفسنجانی هم زبردست راست خلیفه خواهد بود ! این آقایان که در نتیجه موج فزاینده مبارزات توده ها ، در همینجا هم قاجار زین را نمی توانند بچسبند ، بفراسوی سوازی در آفریقا و کشورهای عرب هستند . چندتا از رژیمهای فدا تقابلی حاکم بر کشورهای عربی نظیر سوریه که با رژیم ایران همسوئی طبقاتی دارند و گرایش سیاسی جدید حزب جمهوری اسلامی در انطباق با آنهاست حرکتی را از خود نشان داده است به تمجید از با مصلح انقلاب اسلامی ایران پرداخته اند تا توده های ناگاه خود را با او از هلی از دور دست بفریبند . آقای رفسنجانی میگوید که "ا غلبت آنها با واژگونی رژیم صدام حسین با ایران موافقتند ! هر چند ایشان مغین نفرموده که کدامیک از آن رژیمها چنین عقیده ای داشته اند ولی بایست گفت رژیمهای سوریه ، عراق ، لیبی و ... صبح از واژگونی یکدیگر سخن میگویند و عصر فریاد وحدت سر میدهند ، روز و زانو روزی از نو! الجزایر هم که سالهاست بین ایران و عراق نقش "واسطگی" (ببخشید) را ایفا میکرده این بار این نقش را به روابط ایران و آمریکا هم تعمیم داده است و در سفر با متانت بیشتر حرفهای مشابهی را به آقای رفسنجانی تحویل داده است .

غیر از صحنه سازیهای مسخره ای نظیر پخش عکس اما م و عشق کودکان الجزایری به آن (خوشحال ما!) و مصدای که در مدح جمهوری اسلامی ایران در مجلس سوریه توسط یک شیخ سروده شده و خوش و بش هاشمی که مفت و مجاناً تحویل این آقا داده اند و همچنین تحویل مردم ما میدهد یک نکته دیگر در گزارش ایشان قابل توجه بود آن اینکه روسیه در جنگ ایران و عراق "حائب حق" را در فرقه و به عراق اسلحه داده است ! معلوم نیست کدامیک از رجال جمهوری اسلامی "حرف

جنبش اعتراضی بر علیه گرانی ، کمپانی و فلاکت زحمتکشان را سازمان دهیم

«ملاحظات کوتاه»

راست را میزنند؟ هیچک؟ و با لایحه اینکه رژیم های فدا انقلابی هم دیگر درمی یابند. مگر نه اقدم گفته اند آب زایمی جوید کودال هردورا؟

«نه شرقی، نه غربی» هم شرقی، هم غربی

در آزمون پشگانه رژیم جمهوری اسلامی یک فرمول «شبهائی - مکتبی» دیگر کشف شد. قریح و انبیب و ... از لابلای کتب گرد گرفته قدمای بیرون آورده شد تا بر اساس نسخه ولایت فقیه، چه بیژی بسا زندگانه شرقی یا شنه غربی. آنها بسرای «ما ساندن» تز خود از عمارت «لا شرقیه ولا غربیه» کمک گرفتند. در صورتیکه آن عمارت در قرآن در توصیف یک درخت آمده بود، نه در مورد جمهوری اسلامی! آنها در حالیکه با زبان شرق و غرب را ناسزا میگفتند دست و پا هردورا پیش می کنند و مگر اینها کار دیگری می توانستند کرد؟ روز چهارم رشنه ۱۲/۱۲ از درم نخست وزیر مکتبی هم رئیس مجلس شورا سباعت «نه شرقی نه غربی» را خوب معنی کردند. آقای رحاشی گفت مسلا سلاحها شی را که از آمریکا طلبکاریم از او خواهم گرفت و دستجاتی هم فرمود که اگر لازم شد از شوروی اسلحه میخریم.

لسیرالها که از اول رسوا بودند و بیوستکمه گرایش خود به آخورا میری با لیس آمریکا و اروپا را فاش میگفتند از گفته خود دلشاد، بودند. اما این آقا با ن حزبی مکتبی حکم کسی را داده اند که دست بر کمر زده در جاه افتنا در دستش را همچنان بر کمر گذا رده بود. بسند فرستادند که بگیرد و بسا بدیالا و او میگفت میبایم ولی دست از کمر ببریم بدیالا!

«دم خروس یا پرچم؟!»

رفیعی میگفت هاشمی رفستجانی در سخنرانی خود در مسجد امام (مسجد شاه سابق) گفته است: در کشورهای آزاد مثل آمریکا هم که ما لها قبل انقلاب کرده اند شکنجه وجود دارد. آن رفیق اضافه میگرد: «دمها بدکدا» حرف این آقا با ن را با ور کند. با لایحه آمریکا «شیطان بزرگ و جهانخوا رو خونخوار» است با کشور آزاد؟ نسا زه اینها آمریکا را کشور «۲۰۰ سال انقلاب کرده» میدانند و لایحه شکنجه هم بعنوان یک «سنت انقلابی» (المبتدا) زوع آمریکا شیش (به ارا ت رسیده است) رفیق مزبور میگفت «واقعا که «دم خروس» از زیر لبای این آقا با ن پیدا است». گفتیم آنقدر «دم خروس» از این رژیم بیرون زده که دیگر حکم «پرچم» شان را پیدا کرده است. اینطور نیست؟

چیره خواران دولت دهقانان زحمتکش را بر سر سهمیه نفت کتک زدند

بدستال چیره بندی نفت، اهالی روستای «مالیجان» یکی از روستاهای اطراف لاهیجان - با رها به شرکت شما و نی روستا تراجمه کرده و در مورد کمیسیون نفت خود به گردانندگان شما و نی اعتراض کرده اند. اما با وجود اینکه در انبار شما و نی نفت بعدگانی موجود بود، گردانندگان شما و نی هر با ربه نحوی روستا شما را ر فریب داده و آنها را دست بسر کرده اند. تا اینکه چندی پیش از طرف فرما نداری نامه ای به انجمن اسلامی ده روستاها این مضمون که نفت موجود در انبار ربه روستاهای دیگر انتقال یابد. اهالی مالیجان به معنی اطلاع از این امر مقابل شما و نی جمع شده و از انتقال نفت جلوگیری نمودند. بیخاطر همین اعتراض و ما نعمت روستا - شما و نی، چیره خواران رژیم از یک روستا شی مبارز به فرما نداری شکایت کردند. این روستا شی بلافاصله دستگیر و به لاهیجان اعزام شد. عده ای از اهالی نیز با او به لاهیجان رفتند. در لاهیجان معاون فرما ربه دهقانان گفت که چرا از دستور ما سرپیچی کردید؟ دهقانان پاسخ دادند که سهم نفت ما کم است و ما نفت نداریم. سپس به دستور فرما ندا را اعتراض کردند. معاون فرماندار در مقابل اعتراض روستا شما و نی زحمتکش آنها را بسا دکتک گرفته و دینفرا ز روستا شما و نی را بسه ژاندا رمی تحویل میدهد. این دور روستا شی زحمتکش تا مدتی در پناهگاه ژاندا رمی زندانی میشوند. اکنون دهقانان مالیجان نفت ندارند و بیعت ندارند. نفت برای روشنائی مجبورند با تا ربک شدن هوا بخوابند.

(نقل با تغییر از بهک بسا رشا ره ۲۰)

دولت، حامی علی نامدار است یا حاجی فروزانفر؟

روز ۱۳ آبان جوان ۱۵ ساله ای بنام علی - نامدار در کودالهای کارخانه صنایع آجر - ایران و کوره پزخانه های افتد و خفه میشود. زحمتکشان مله روغن کشی با اجتماع در مقابل کارخانه و بسا شما زمرگ بر سر ما به دارخواستار دستگیری ما حب کارخانه میشود. حاجی فروزانفر صاحب کارخانه صنایع آجر ایران که تحت فشار اهالی زحمتکش مله روغن کشی دستگیر شده بود تا کودالهای انتهای کوی «زاهدی» را بر کند به فاصله یک روز یعنی ۱۴ آبان آزاد میشود. این اولین بار نیست که رژیم جمهوری اسلامی سرمایه دارانی را که تحت فشار اهالی شهرک دستگیر میشوند آزاد میکند. غیاشی و مهندس جوان سرد زمینخوااران مشهور شهرک نیز چند ماه قبل هنگامیکه توسط مردم به گروهگان گرفته شده بودند با توصیه «شورای انقلاب» آزاد شدند. این است دشمنی رژیم جمهوری اسلامی با زحمتکشان و خدمت آنان به سر ما به داران خونخوار.

قضاوت کنید!

- ۱- رژیم جمهوری اسلامی خود را با و مستقیمان میداند!
 - ۲- سپاه پاسداران خود را با زوی مستضعفین میداند!
 - ۳- کارگران بیکار و زحمتکشان برای گذران زندگی در خبیانان امین دکم میباید. و پاسداران به دستور رژیم، این دکم ها را با خاک یکسان می شما بسا!
 - ۴- کارگران، زحمتکشان، قضاوت کنید!
 - ۵- این رژیم با و یکمیت؟ سپاه پاسداران نازوی کیست؟
 - ۶- با و اروپا زوی سر ما به داران با زحمتکشان؟
- سا زمان بیکار در راه آزادی طقه کارگر
حوزه محلات شیریز (۵۹/۸/۲۶)

خبر موثقی از جلسه اکثریتی ها به سرپرستی کشتکریا به زادنوی مشاور رجائی

وقرا رگذا شتند که به آنها وقت داده شود پس از فکر کردن نظر خود را خواهند داد.

از طرف کشتگر مطرح میشود: حال که ما با شماها کتا را مدیم و شما ها زاندا میری نیست میدا نسیم و... چرا هنوز محدودیتها نسبت به ما زمان مسا داده اند و مثلا نشریات ما آزاد نمیشود و از افراد ما گرفتار میشوند... بهزاد نسوی ضمن قبول کتا را آمدن و همکاری آنها عنوان میکند که هنوز ما شلی است که می باید از طرف ما زمان شما روشن شود: ۱- موضع اکثریت در مقابل شوروی و دخالت آن در افغانستان ۲- پیشنهاد اینکه مدارکی از بنی صدور وجود دارد و اکثریتی ها قبول کنند که این مدارک را در نتیجه کاسدون کم و کاست و عینا متمسک شما بسند. این جلسه گویا پیش از پنج ساعت بطول کشیده ولی اکثریتی ها نشناختن شما سخ میدهند

توضیح در مورد یک خبر

در شما ره ۸۰ همگرا ز خبری مربوط به حمله مردم صبا زبویگان به دفتر شما زمان چریکهای خدا شی (اکثریتی) آمده بود. بر اساس اطلاعات دقیقتر این حمله به تحریک حزب دمکرات و بسا اشتفا ده ز شتفر خلق کرد ز خاشین روینوینست صورت گرفته است. ما با توجه به شی و مجموعه عملکردهای حزب دمکرات با چنین حرکتی دقیقاً فرزندانی داشته و خواهان افشا و طسرد خاشین روینوینست از موضعی کامل ملامت انقلابی میبایم

کمکهای مالی دریافت شده

تهران :	جوادیه :	رشت :	سما :
ب ۱۵۵۰۰	۱۲۴۰۰	ک ۸۰۰۰	ج ۸۰۰۰
ح ۵۵۰۰	ن - ۱۱۰۰۰	گ ۶۴۰۰	ع ۱۰۰۰۰
۱۶۰۰۰	کارگر ۴۵۰۰۰	۷۱۱۰	۲۵۰۰
ج ۲۵۰۰	۴۵۰۰	اهواز :	۱۵۰۰۰
۲۴۴۰۰	م - ۱۶۰۰۰	ع ۱۰۰۰۰	۳۰۰۰
۵۵۵۰	ن - ۲۱۰۰	ی - ۳۰۰۰	۱۵۰۰۰
۲۳۰۰	امل : ۵۵۵۰	ف - ۲۱۰۰	۳۰۰۰
۴۰۰۰	ب ۶۱۰۰	ک ۲۰۰۰	۲۲۰۰
۲۲۳۰	۱۱۰۱۰	آبادان :	۲۶۰۰
۶۰۵۰	کمکهای آوارگان ۹۲۰۰	ج ۲۲۳۰۰	۲۲۳۰۰
۱۲۹۰۰	پ ۳۰۰۰	ع - ۲۲۳۰۰	۲۲۳۰۰
۱۹۹۰۰	ر ۳۰۰۰	ف ۲۲۳۰۰	۲۲۳۰۰
۲۸۰۰	س ۱۱۸۰۰	گ ۳۹۰۰	۲۲۳۰۰
۱۲۵۰۰	م - ۱۱۸۰۰	ک ۳۹۰۰	۲۲۳۰۰
۱۶۵۰	س ۱۹۹۰۰	گ ۳۹۰۰	۲۲۳۰۰
۳۰۰۰	ل ۱۱۰۰۰	ک ۳۹۰۰	۲۲۳۰۰
۷۳۰۰	ص ۱۵۰۰۰	ک ۳۹۰۰	۲۲۳۰۰
۸۰۰۰	ع ۱۵۹۰۰	ک ۳۹۰۰	۲۲۳۰۰
۶۰۰۰	ن ۵۳۰۰	ک ۳۹۰۰	۲۲۳۰۰
۳۰۰۰	ح - ن ۱۴۵۰۰	ک ۳۹۰۰	۲۲۳۰۰
۷۳۰۰	ف ۱۱۴۰۰	ک ۳۹۰۰	۲۲۳۰۰
۸۰۰۰	م ۲۱۰۰	ک ۳۹۰۰	۲۲۳۰۰
۶۰۰۰	و ۱۲۷۰۰	ک ۳۹۰۰	۲۲۳۰۰

بابل - رفقای هوادار ۲۳۰۰ ریال
چابهار - ن - م ۲۰۰۰۰ ریال
خما - دانش آموزان هوادار برای ۱۳ آبان ۲۵۰ ریال
کوجصفهان - رفقای دانش آموز ۲۱۰۰ ریال
سیاهکل - رفقای هوادار ۶۰۰۰ ریال
زنجان - رفقای هوادار ۵۰۰۰۰ ریال
بدون کد ۳۲۰۰ ریال ن - م
سود - استکلم - اتحادیه دانشجویان هوادار ۵۰۰ دلار
میانه - رفقای هوادار ۸۰۰۰ ریال
آذرشهر - رفقای هوادار ۱۰۰۰۰ ریال

بقیه از صفحه ۲۴ امیرالیسم

نظامی داخلی بوده ولی ۷۰ درصد بقیه مبلغی است که جهت توسعه مدرنترین سلاحهای جنگی برای تحاوزات و رقابتهای بین المللی بکار میرود. عبارت دیگر اگر ۳۰ درصد از بودجه نظامی یانکی ها جهت سرکوب سیا هوستان، سرخپوستان و وزخمتکشان آمریکا صرف میشود ۷۰ درصد آن به سرکوب انقلابات و جنبشها در جهان و نیز رقابت با شوروی اختصاصی دارد. سرزینسکی ضمن انتقاد به حزب دمکرات اخیرا مطرح ساخت که: "سیاست خارجی آمریکا بدنبال جنگ ویتنام مجرب شده است" و "نمایندگی ریگان سنا تورچا رزبری در ملاقات با آندره گرومیکو به تازگی مطرح نموده که: "رفقار تجا وزکارانه مسکودر طی سال گذشته موجب سخت شدن موضع آمریکا در رابطه با تشنج زداشی شده است".

این گفتارها بروشنی جهات سیاست خارجی امیرالیسمتهای جنایتکار آمریکا را نشان می دهد. در حقیقت تسبیکاران و اشنگتن برای آنکه جنبشهای خلقهای جهان سیاست خارجی آمریکا را "جریحه دار" نکنند و سبب آبروریزی امیرالیسم مناطق تحت نفوذ خود را توسعه ندهند، میکوشند تا بودجه جنگی خود را هر چه بیشتر افزایش دهند و بدین ترتیب در غارت خلقها و سرکوب انقلاب همچنان نقش فعال داشته باشند. اما خلقهای جهان همچنان که با راهها اشتهای امیرالیسم جنایتکار آمریکا و دیگر امیرالیسمتها را مورد ضربت قرار داده و با لایحه آنها را به گور خواهند سپرد. این حکمتا ریخ است.

توضیح و پوزش

در مقاله "زمندگان و راه کارگر..." در نشریه شماره ۸۲ صفحه ۱۰ ستون اول سطر ۱۳ از ترجمه "بدون مبارزه با پایگاه امیش ارتجاع داخلی" پس از جمله "مبارزه با امیرالیسم و با استقلال امیرالیسم" افتاده است.

بقیه از صفحه ۲۳ زمندگان

رژیم نه میخواهد و نه میتواند، خواستهای توده ها را بر آورد. با دادن رنمود و پیشنها دسه ارتجاع این توهم را در توده ها برمی انگیزد که میتوان انتظار بر آوردن خواستهای انقلابیان را از ارتجاع داشت. اگر رژیمی ارتجاعی است بمعنای اینست که خواستهای انقلابی توده ها تنها با نفی آن رژیم بر آورده میشود. آری راه - کارگر می اندیشد که جمهوری اسلامی میتواند خواستهای انقلابی توده ها را بر آورد و به عبارت دیگر دارای توان و ظرفیت انقلابی است؟ در این صورت باید پاسخ دهده که چرا سیاسی آنرا ارتجاع میخوانند؟

ب - راه کارگر: کارگران بسود بورژوازی، هر چه بیشتر استقامت شود!

اکنون ببینیم بر خور در راه کارگر به جنبش کارگری چگونه است. راه کارگر در حرف دشمن سرمایه داری است و رژیم را نیز سرمایه داری می داند. اما در عمل کارگران را فرا میخواهد تا برای بورژوازی بیشتر کار کنند و بیشتر استقامت شوند، مزدی برای ساعات کار اضافی دریافت ندارند و از برپا داشتن هر گونه جنبش اعتراضی چشمپوشند. راه کارگر به کارگران چنین رهنمود میدهد: "افزایش تولید ضروری است". و با شعار میدهد "۱۲ ساعت کار کارگران در قبالت دریافت ۸ ساعت حقوق". بدین ترتیب نه تنها راه کارگر کارگران را به مبارزه با استقامت کارگران فراموشی خواند بلکه از آنها میخواهد تا وظایف آنها را بگذارند هر چه بیشتر طبقه سرمایه داری را بخونشان را بکشد. راه کارگر، تا آنجا می رود که میگوید: "سرمایه داران و مدیران را قبل از اینکه عملی برخلاف منافع خلق، یعنی اختلال در مقادیر و مستعدتجا و زانجام میدادند، نباید از خود دراند." (نقل قولها همه از راه کارگر ۳۵ است)

آیا تشکارتر از این میشد از شگرگ و میش استقامت رگرو استقامت رنوده و دود دشمن خونین طبقاتی، کارگرو سرمایه داری را تسلیم کرد، آیا تسلیم "تراندن سرمایه داران از خود، توسط کارگران"، شعار بورژوازی نیست؟ آیا بدون راندن سرمایه داران توسط کارگران، انقلاب انجام میگردد؟ راستی رفقای راه کارگر تا چه حد خواهان انقلابند؟

از انتشارات جدید سازمان



تهران :
حوزه کارگر - جنوب ۴۰۰۰۰ ریال
ناحیه جنوب تهران ۱۲۲۵۰ ریال
کارمند مرکز آمار ۵۰۰۰ ریال
رفقای چاپ ۱ ۵۰۰۰ ریال
کمیته کارمندی ۱۳۰۰۰ ریال
رفیق آهنگر ۲۲۰۰ ریال
سربا وظیفه ۳۵۰۰ ریال
سارا (معلم) ۵۰۰۰ ریال
ع - پیشمرکه ۲۰۰۰۰ ریال
ش - ۶۰ هدیه نگار شمارسید .
رفیق ۳۰ کیلو برنج
حاج خلیل الف ۲۰۰۰ ریال
مسعود الف ۳۰۰۰ ریال
رفیق مادر - س ۵۰۰ ریال
رفقای هوادار کارخانه ع ۷۰۰۰ ریال
رفقای هوادار از شهر حسن خان ۱۸۰۰ ریال
رفیق ن - ۱۰ هدیه شماری بیمارستان صحرایی کردستان رسید . متشکریم شهرگرد :
دانش آموز ۵۰۰ ریال
رفیق محسن ۵۰۰ ریال
معلم هوادار ۱۰۰۰ ریال
معلم هوادار ۲۵۰۰ ریال
مجموعاً :
رفقای هوادار ۴۰۰۰۰ ریال
رفقای هوادار ۲۸۵۰۰ ریال
رفقای هوادار استوای امل ۱۰۰۰۰ ریال

رشت :
ع ۲۰۰۰ ریال
د ش ۷۵۰ ریال
د - ش ۳۰۰ ریال
ژ - آ مادر ۲۰۰۰ ریال
م - م مادر ۵۰۰۰ ریال
ن - ر ۱۰۰۰۰ ریال
رفیق مادر ۱۰۰۰۰ ریال
رفیق مادر ۵۰۰ ریال
ع - مدرسه ۲۵۰۰ ریال
زیر هسته - ب ۳۰۰ ریال
چله خانه رشت ۶۵۰ ریال
کارگر شهرداری ۵۰۰ ریال
رفیق آهنگر ۲۰۰۰ ریال
رفیق مکانیک ۲۵۰ ریال
امامان
ش - ی ۲۰۰۰ ریال
ر - کلی ۵۵۰۰ ریال
رفیق آذر ۱۰۰۰۰ ریال
رضا - هوادار ۷۰۰۰۰ ریال
معلم - هوادار ۱۰۰۰۰۰ ریال
تهران :
ت ۹۰۰۰ ریال
د ۱۰۰۰۰ ریال
ع - ش ۵۰۰۰۰ ریال
م - ن ۱۵۰۰ ریال
دکتر ع ۵۰۰۰ ریال
دکترم ۵۰۰۰ ریال

**نیروهای ارتجاعی تلاش میکنند تا
بر جنبش اعتلائی
توده‌ها سوار شوند**

هفته گذشته ازیکسو، هفته‌ها مدعوا مغربسی لیبرالها برای جذب توده‌های ناراضی بسوی خودبودن از طرف دیگر، اوچگیری ناراضی توده‌ها را بعین نشان میداد. جنبش آوارگان جنگ در سرا سر کشور، در حال اوچگیری است. بسر سرگران شدن بنزین، یک جنبش سراسری توسط رانندگان تاکسی صورت گرفت و به پیروزی نیز انجامید. از کارخانه‌ها، خبر از زنا رضایتی روز-افزون کارگران و مقامها و مقابله‌هایی که حتی بصورت اعتصاب نیز درآمده است، رخ می-نماید. جنبش دانش آموزی، برای جلوگیری از اخراج دانش آموزان و معلمین انقلابی و همین کسب آزادیهای سیاسی، به چند برخورد و تظاهرات خونین در چند شهر انجامید. در صفهای نفت، قند و شکر، کوبین، تخم مرغ و... ناراضی توده‌ها موج میزند. زدو خورد های متعددی میان توده‌های خشمگین و پادشاهان در صفها صورت گرفته که به تیراندازی و زخمی شدن نیز انجامیده است. جنبش آوارگان جنگ، جنبش توده‌ای علیه کرانی و کمبود کالاها و فلاکت زحمتکشان و جنبش بقیه در صفحه ۲۲

**یادداشت‌های
سیاسی
هفتگی**

ترتیب هما نظور که در هفته گذشته، به رویا روشی طرفین درخبا با آنها کشیده شد. در اوچگیری بیشتر این تضادها، که ارتباط مستقیم با اوچگیری مبارزه طبقاتی نیز دارد. رویا روشی های بیشتر و خشن تری را برای یکسره کردن کار یعنی، یکف گرفتن کامل قدرت توسط یکی از جناحها، با بستی شا هدیدود.

۳- وقایع هفته گذشته و سخنرانی های تند در مساجد علیه یکدیگر و شعارهای سرنگونی بر علیه جناحهای رقیب نشان میدهد که طرفین اگر تاکنون بخاطر مصالح "فدا انقلاب" توانایی یافتن برای مقابله با انقلاب با یکدیگر و حدت داشته اند، این وحدت را در آئینده غیرممکن تلقی میکنند. بدین ترتیب طرفین رقیب خواهند کوشید، در داخل و خارج، متحدینی (هر چند موقت) برای خود به کف آوردند. مسافرت های رهنمایی به سوریه، لیبی، الجزایر و کوشش لیبرالها برای بدست آوردن حمایت مجاهدین از این مقله است. در این رابطه میتوان به سه ملاقات دکتر پیمان که متمایل به جناح حزب جمهوری اسلامی است با آیت الله خمینی نیز اشاره کرد. (آذر ۸) که تنها میتوانست در پرتو بقیه در صفحه ۲۲

**جنگ قدرت
به خیابانها هم
کشیده شد**

در هفته گذشته سخنرانی سلامتیان و آیت الله لاهوتی در مشهد و تظاهرات عده‌ای طرفداری از لیبرالها با شعارهای تند چون مرگ بر بهشتی و مرگ بر سه مفسدین، خامنه‌ای، بهشتی، رفسنجانی (جمهوری اسلامی ۹ و ۱۰ آذر و بدستمال آن راهبها شهادت طرفداران حزب ویستن با زار-های قم، مشهد و تهران جنگ قدرت را وارد بعد تازه تری کرد. تاکنون جنگ قدرت عمدتاً در تبلیغات شفاهی یا کتبی بر علیه یکدیگر، انعکاس مییافت. اما ویژگی حدت با بی تضاد-های جناحهای رقیب موجب شد که دست به تظاهرات و اعتصابات (با زار) علیه یکدیگر نیز بزنند و قیام هفته گذشته نشان میدهد که:

۱- مبارزه طبقاتی بیش از پیش تشدید یافته و در این رابطه تضادهای درون هیات حاکمه بیش از هر زمان دیگر شدت یافته و جناحهای رقیب به جان یکدیگر افتاده اند.
۲- شدت تضادها، با ملاقات های بنی صدر و آیت الله خمینی و... تخفیف نیافته و از آنجا که مبتنی بر اختلافات اساسی است، با "میثاق های وحدت" قابل تخفیف نیست بدین

مبارزه با زلالی" در میان کارگران و سایر توده‌ها بخش میگردد. اما مبارزه حرکت های توده‌ای بحدی رسیده بود که دیگر گروهها و محافل بنتها شکی عا جز از با سخگوشی بدان بودند. به این لحاظ ما در ادامه بررسی جریانات درون جنبش کمونیستی و پس از مرز بندی با جریانات انحرافی بدین نتیجه رسیدیم که ما زمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر، ما شتی پرولتری خود سهم عظیمی در جنبش داشته و از آنجا که ما از لحاظ سیاسی - ایدئولوژیک با این سازمان وحدت داریم ضروری است جهت خدمت به جنبش طبقه کارگر ایران به صفوف هواداران این سازمان بپیوندیم.

دور در طبقه کارگر ایران پیش از جنبش دمکراتیک فدائیه ایستی خلق های ایران! مرگ بر امپریالیسم امریکا دشمن اصلی خلق های ایران!
مرگ بر ارتجاع داخلی!
برقرار با جمهوری دمکراتیک خلق!
(جوانان مبارزه با زلالی)

**اعلامیه وحدت
"جوانان
مبارزه با زلالی"
(مسجد سلیمان)**



با جنبش توده‌ها به مبارزه علیه رژیم منفسور پهلوی به پیش رفتند. پس از قیام مبارزه با ما یافت. بود جریان حمله ارتجاع برای سرکوب نیروهای انقلابی، یکی از رفقای ما بدست عوام رژیم شهید شد. ارتجاعیون رفیق "رضا" نرا توند "را" ابتدا خفه کرده و سپس جسدش را به رودخانه انداختند. در این زمان رهبری حرکت های دانش آموزی و دبلیمه های بیکار و حرکت روستا ثیان سیل زده در منطقه بدست رفقای ما بود و اعلامیه های ما با امضاء "جوانان

در سالها شتی که رژیم شاه در سرا سر ایران آرا مش فذ خلقی خود را به پشتوانه ارگانهای سرکوب سرما به داری وابسته برقرار کرده بود، سالها شتی که انقلابیون دست به دست یاری به سیاهچاله و شکنجه گاهها برده میشدند و با میدانهای تیر تا که سینه مالامال از شورا انقلابی شان آماج گلوله جوخه های آتش قرار گیرد، در یکی از بخشهای جنوب کشور (لالی) - از توابع مسجد سلیمان - قلب جوانانی که با به خانوادگی شان در کارگران شرکت نفت بود، از گذشته انقلابی میهن و اخبار مبارزاتی که در گوشه و کنار ایران میرسد، به پیش واداشته اند و مشعل فروزان آکا می طبقه تندی در ذهن نیست نورسیده شان شعله ای دمید. این رفقا هنگامی که برای ادامه تحصیل به شهر میرفتند با علم ما ر کسیم - لنینیسم آشنائی پیدا میکنند.

این رفقا هسته اولیه جریان ما را تشکیل داده و این هسته با کار در میان دانش آموزان و معلمین پرداخت. در شهریور ۵۴ ضربه عمیقی به جریان ما وارد آمد که منجر به دستگیری عده ای از رفقا شد. در دوران قبل از قیام، رفقا همگام

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست